



پایم خاتم

سال چهارم • شماره دهم • خزان ۱۳۹۴ • پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی



- موارد استثنا حرمت ربا
- ربا در قرآن کریم
- تحریم ربا در اسلام
- بررسی تطبیقی تحریم ربا در اسلام و مسیحیت

- فلسفه تحریم اقتصادی ربا در اسلام
- تعامل قرآن با فرهنگ اقتصادی زمان نزول
- آشنایی با بانک‌های افغانستان
- اقتصاد اسلامی از دیدگاه شهید صدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

با استعانت از بارگاه خداوند متعال

با هدف گسترش علم و علم اندوزی و به منظور

پرورش استعداد های فرزندان میهن مان و تربیت

نسلی متعهد و متخصص برای افغانستان اسلامی،

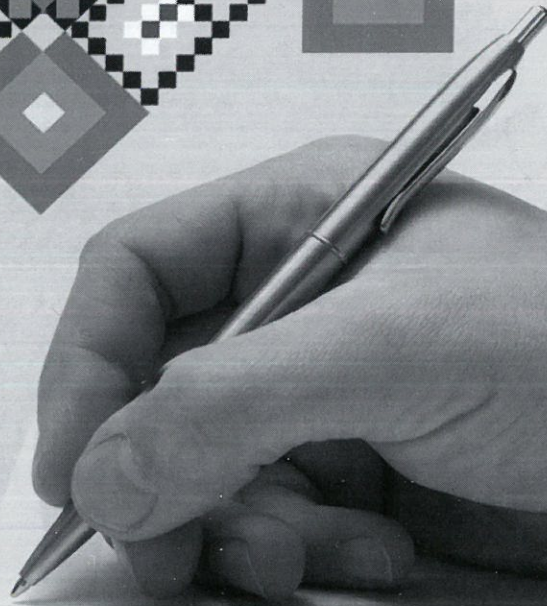
دانشگاه خاتم النبیین (ص)

در سال ۱۳۸۵ توسط عالم فرزانه و آکادمسین کشور

حضرت آیت الله العظمی محسنی (مد ظله العالی)

تأسیس گردید.

پیام خاتم



سال چهارم شماره دهم خزان ۱۳۹۴ پوهنتون خاتم النبیین شعبه غزنی

- ۲ : سرمقاله
- ۶ : مصاحبه
- ۹ : مقاله‌های اساتید
- ۳۵ : مقاله‌های دانشجویان
- ۷۹ : گزارش‌ها
- ۸۷ : ورزشی

- «پیام خاتم» در ویرایش مقاله‌ها آزاد می‌باشد.
- «پیام خاتم» از مقاله‌های اساتید و دانشجویان به گرمی استقبال می‌کند.
- غیر از «پیام اول» مسئولیت مقاله‌ها به عهده نویسندگان آنها است.

یادآوری

از آن عده از دانشجویان عزیز که نوشته‌های‌شان در این شماره از نشر باز مانده است، پوزش خواسته می‌شود.

- صاحب امتیاز: شعبه غزنی، پوهنتون خاتم النبیین (ص)
- مدیر مسئول: محمد ضیاء «حسینی»
- سردبیر: محمد علی «حیدری»
- ویراستار: فاطمه «پاینده» احمدی
- طرح و دیزاین: ابوالفضل جلال‌وندی

- آدرس: کابل: کارته ۴، سرک اول، ۰۷۸۷۷۰۰۷۰۰
- غزنی: شهر غزنی، پلان چهار، ۰۷۸۰۷۰۰۰۰۶
- جاغوری: بازار غجور، ۰۷۸۵۵۳۷۶۱۵
- ایمیل: info.gazni@khu.edu.af
- وب سایت: www.khu.edu.af

اقتصاد و سیاست؛ ثروت و قدرت

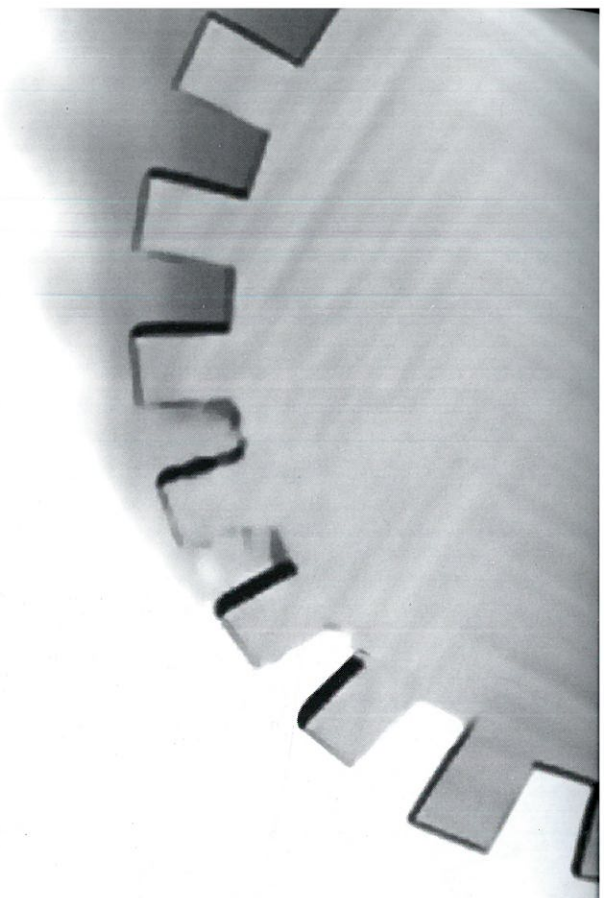
داکتر عبدالقیوم سجادی

اقتصاد و سیاست می باشد. برای سیاست، اقتصاد در جایگاه برتر قرار دارد، زیرا از منابع مهم قدرت و از ابزارهای مهم ارائه خدمات محسوب می گردد. اما برای اقتصاد، اهمیت سیاست به سیاست اقتصادی تنظیم کننده متغیرهای اساسی، تولید، توزیع و مصرف مربوط می گردد.

در مورد رابطه اقتصاد و سیاست دیدگاه واحد و یکپارچه ای وجود ندارد. حد اقل سه مکتب مطرح، به سه نوع رابطه متفاوت میان دو مقوله فوق وجود دارد. در مکتب مارکسیسم اساسا اقتصاد و سیاست فاقد رابطه دو سویه است. هر دو دارای اصول و قواعد خاص بخود می باشد. اما از نظر اهمیت، اقتصاد در جایگاه زیر بنا و سازنده سیاست محسوب می گردد. برای تنظیم و ساماندهی زندگی سیاسی باید از نقطه عزیمت اقتصاد آغاز نمود.

در مکتب مرکانتیلیسم اقتصادی، ثروت مبنای

اقتصاد و سیاست پیوند عمیق و وثیق با یکدیگر دارند. از درون این رابطه عمیق رشته اقتصاد سیاسی ظهور نمود. بحث از رابطه اقتصاد و سیاست همواره یکی از پرسش های اساسی و مهم رشته یاد شده محسوب می گردد. اقتصاد سیاسی از مباحث میان رشته ای است که در جستجوی تبیین و کشف رابطه دو مقوله اساسی



قدرت محسوب می‌گردد. اقتصاد و سیاست دو حوزه کاملاً مرتبط با هم و دارای رابطه دو سویه است. اما از دیدگاه این مکتب، اقتصاد تقدم بر سیاست داشته و ثروت مهم‌ترین منبع سیاست و قدرت محسوب می‌گردد. دقیقاً بر اساس این مفکوره، دولت‌ها و قدرتهای بزرگ تا قرون نوزدهم و بیستم به منظور کسب قدرت در جستجوی ثروت و غارت منابع اقتصادی جهان بودند. تفکر امپریالیستی و تلاش برای تصرف و سلطه بر سرزمین‌های دیگران دقیقاً ناشی از این سیاست بوده است.

لیبرالیسم اقتصادی ضمن تاکید بر رابطه دو سویه سیاست و اقتصاد، بر تقدم سیاست بر اقتصاد تاکید دارد. از این منظر دولت‌ها بیش از هر چیز به دنبال کسب،

حفظ و افزایش قدرت سیاسی بوده و در این راستا از ثروت و فعالیت‌های اقتصادی بهره می‌برند. سیاست گسترش دموکراسی لیبرال، اقتصاد بازار و آموزه‌های لیبرالیسم فرهنگی دقیقاً در راستای تفکر و اندیشه فوق مطرح می‌گردد.

در تفکر اسلامی، سیاست و اقتصاد دارای رابطه متقابل و مکمل بوده و عمدتاً به عنوان ابزاری برای ارائه خدمات و خدمتگذاری به جامعه اسلامی مورد استفاده قرار می‌گردد. سیاست ابزاری است برای تامین نظم و امنیت جامعه اسلامی، از سوی دیگر اقتصاد و تامین معیشت نیز از اولیتهای زندگی عزتمندان امت اسلامی است که رهبری سیاسی در جامعه اسلامی موظف به تامین آن می‌باشد.

رابطه اقتصاد از منظر تفکر اسلامی در گزاره‌های

ذیل قابل طرح می باشد:

۱- سیاست و اقتصاد هر دو ابزاری است برای تامین اهداف متعالی انسانی که در دو حوزه دین و دنیا مورد توجه قرار می گیرد.

۲- سیاست اسلامی با هدف تامین نظم و عدالت و ایجاد جامعه امن و بدون ظلم و تبعیض مطرح گردید. تامین نیازهای مادی جامعه و توزیع عادلانه ثروت از نمونه های مهم عدالت اجتماعی است.

۳- اقتصاد اسلامی و سیاست دینی همزمان با هدف زندگی عزتمندانه دنیوی و فراهم سازی زمینه های سعادت اخروی پایه گذاری گردیده است. بنا براین سیاست اسلامی آبادانی مادی و ارزشمندی معنوی و اخلاقی را بصورت همزمان و توأم باهم مورد تاکید قرار داده است.

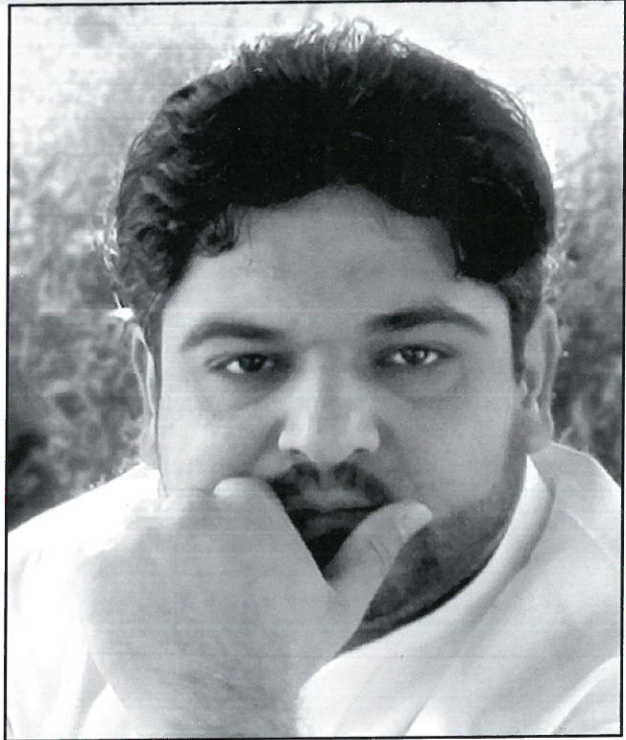
۴- رسالت امروز مراکز علمی کشور تلاش برای تبیین تئوری اقتصادی و سیاسی مورد نظر تفکر و اندیشه اسلامی است. به گونه ای که بتواند رهنمود عملی و اجرایی برای جامعه اسلامی افغانستان را فراهم سازد.

۵- دانشگاه خاتم النبیین بعنوان یک مرکز علمی و دینی افتخار دارد، که همواره برای ترویج علوم عصری توأم با ارزش های دینی تلاش نموده و به منظور تبیین دیدگاه های و اندیشه اسلامی در عرصه های مختلف علوم بشری همت گمارده است. ارزومندم با همت و تلاش بی وقفه همکاران فرهیخته و اندیشمند مان بتوانیم گام های مهم علمی و ارزشمندی را در راستای بومی سازی تئوری های اقتصادی، سیاسی و حقوقی برداریم و در راستای معرفی و تبیین تئوری اسلامی در حوزه های مختلف علوی بشری در عصر مدرن حرکت نماییم.

مصاحبه

۶ • گفتگوی اختصاصی با محترم الحاج محمدجواد محسنی
نماینده تام الاختیار مؤسس و صاحب امتیاز ارشد دانشگاه خاتم النبیین (ص)





به عنوان اولین سوال:

پیام خاتم: حضرت تعالی به عنوان مسئول حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی محسنی تا هنوز چه تعداد از آثار ایشان نشر و در خدمت مردم قرار دارد؟

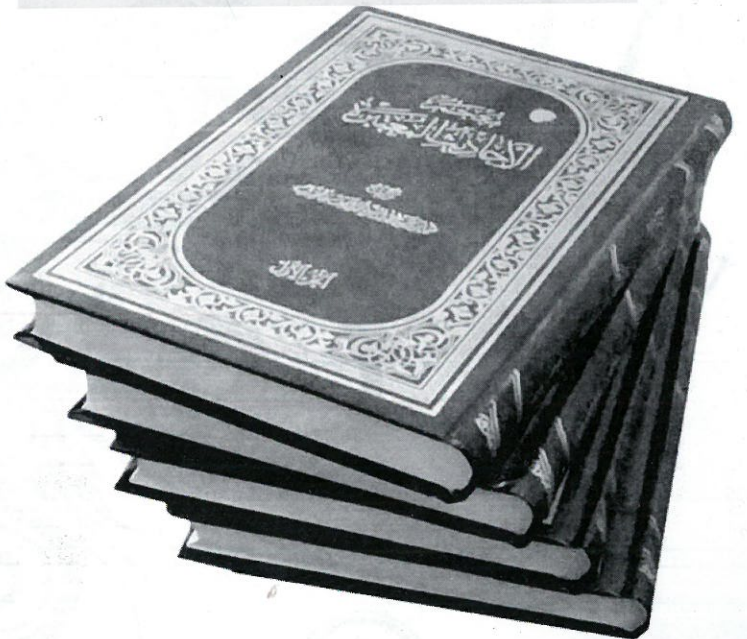
جواب: مهم ترین آثار حضرت آیت الله محسنی دام ظلله العالی، به نحوی بسیار مطلوب به نشر سپرده شده که تعداد آن بیش از ۰۶۱ اثر که بعضی از آنها هر اثر تعداد چندین جلد است به نشر سپرده شده است و برخی از این آثار به عنوان منابع مهم برای تحقیق و پژوهش بوده که محل رجوع بسیاری از پژوهشگران و محققان داخلی و خارجی بوده است.

به عنوان نمونه کتاب گران سنگ معجم الاحادیث المعتمره، فقه و مسائل طیبه، المعاد و... از آثار حضرت ایشان است که محققان و پژوهشگران را به عرصه های جدیدی از مسائل و قضایای اسلامی باز نموده است و در نوع خود از بهترین کتبی است که در دهه های اخیر به نشر رسیده است.

پیام خاتم: به نظر شما ویژگی های کتاب «معجم الاحادیث المعتمره» حضرت آیت الله العظمی محسنی برای برگزیده شدن کتاب سال چه بوده است؟

جواب: همان گونه که مستحضر هستید حدیث به عنوان دومین منبع شناخت اسلام و استنباط احکام از جایگاه بسیار والایی در بین تمامی فرق مسلمین برخوردار است. در طول تاریخ اسلام کتب حدیثی مهمی از سوی دانشمندان مسلمان به جامعه اسلام ارائه شده است که این کتب از ارزش بسیار مهم و بالایی برخوردار است. همه این دانشمندان که به تدوین کتب حدیث و جمع آوری سخنان و سنت رسول خدا و اهل بیت^(ع) پرداخته اند، کاری ارزشمند انجام داده اند، با این حال از کاستی و نقص مبرا نیستند. یکی از این کاستی ها در این کتب و جود بعضی از احادیث است که امروز با روح اسلام سازگار نیست و برخی از احادیث که مهم و اصول شمرده میشود و نیز احادیثی است که دارای سند معتبر نمی باشد. اما کتاب شریف گران سنگ "معجم الاحادیث المعتمره" این نقیصه ها را جبران نموده است و با زاویه دیدی که حضرت آیت الله العظمی محسنی دام ظلله العالی نسبت به حدیث شناسی دارد نگاشته شده است به عبارت دیگر اکنون دانشمندان علوم اسلامی فارغ البال و با اطمینان می توانند به احادیثی که در معجم الاحادیث المعتمره آمده است استنباط نموده و خط مکتب اهل بیت را در موضوعات گوناگون به جهانیان عرضه نمایند.

خوانندگان محترم آنچه می خوانید مصاحبه اختصاصی نشریه پیام خاتم با الحاج محمدجواد محسنی نماینده تام الاختیار مؤسس و صاحب امتیاز ارشد دانشگاه خاتم النبیین^(ص) است. ضمن تشکر از ایشان که وقت گران بهای خود را در اختیار نشریه «پیام خاتم» قرار داده اند.



پیام خاتم: چه برنامه های برای حفظ و نشر آثار حاج دارید؟
جواب: مرکز حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی محسنی مدظله العالی برنامه های زیر را در دستور کار دارد.

۱. جمع آوری تمامی آثار معظم له - صوتی، تصویری و نوشتاری.

۲. چاپ و نشر آثار معظم له با اسلوب های چاپی جدید.

۳. تحقیق و پژوهش حول آثار معظم له.

۴. طبقه بندی آثار معظم له.

۵. موضوع یابی از آثار و پیشکش آن موضوعات به دانشکده های مختلف دانشگاه خاتم النبیین جهت تدوین تحقیق پایانی و پایان نامه

۶. حمایت از پژوهش های مختلف پژوهش گران در ارتباط با آثار معظم له.

موارد فوق برخی از برنامه های است که در دستور کار مسئولین حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی محسنی قرار دارد.

پیام خاتم: در مورد ارتقاء ظرفیت کاری کارمندان دانشگاه تا هنوز چه راهکارهای را ارائه داده و پلان های آینده شما چیست؟
جواب: تغییر در کمیت و کیفیت عملکرد کارمندان دانشگاه از

مهمترین مباحث و برنامه های مدیریت دانشگاه خاتم النبیین^(ص) می باشد. ریاست محترم دانشگاه اهتمام جدی جهت ارتقای ظرفیت کارمندان و تغییر در نحوه مدیریت و عملکرد کارمندان و نیروهای خدماتی دانشگاه داشته اند.

تغییر در لایحه حقوق و مزایای کارمندان و تثبیت آن جهت مشخص شدن وضعیت کاری کارمندان در دانشگاه و ایجاد چشم انداز روشنتر از آینده کاری شان، برگزاری سلسله جلسات مشورتی با کارمندان و طرح مباحث انتقادی و ارزیابی از عملکرد اداره دانشگاه و رویکرد مسلکی و تخصصی در استخدام نیروی کار جدید از مهمترین محورهای مد نظر مدیریت دانشگاه در رابطه با بهبود وضعیت اداری بوده است.

معرفی و تجلیل از کارمند نمونه، برگزاری دوره های آموزشی ضمن خدمت و تلاش برای شفاف سازی وظایف و عملکرد کارمندان در محیط کاری سایر اقدامات روی دست در این رابطه می باشد. همچنین راه اندازی نرم افزار اتوماسیون کامل اداری دانشگاه به عنوان مهمترین عامل در بهبود وضعیت اداری و مالی مد نظر است که در آینده نزدیک تحقق خواهد یافت.

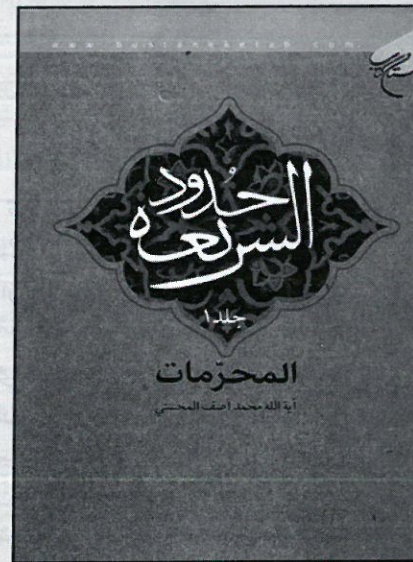
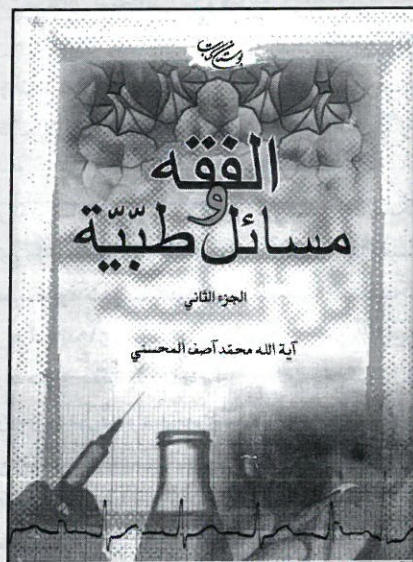
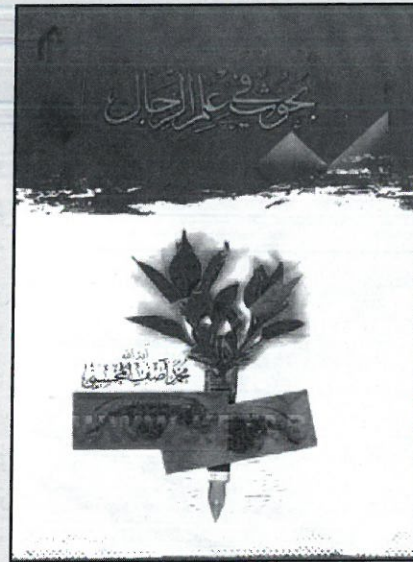
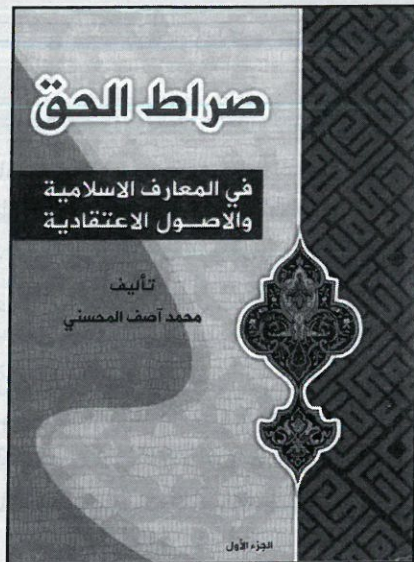
پیام خاتم: با توجه به سه سال کار علمی و اکادمیک دانشگاه خاتم النبیین^(ص) در غزنی ارزیابی شما از کارکرد این شعبه



چگونه می باشد؟

جواب: شعبه غزنی دانشگاه از بدو تاسیس تا کنون با توجه به اعتمادی که مردم به موسس و صاحب امتیاز دانشگاه حضرت آیت الله العظمی محسنی داشته اند و همچنین تلاش و زحمات مدیریت این شعبه، رشدی صعودی به لحاظ کمی و لحاظ کیفی داشته است. تلاش گردیده است تا کیفیت آموزشی با مرکز تفاوت نداشته باشد و حتی جهت تامین این مهم علاوه بر جلب همکاری اساتید با تجربه در این شعبه سعی شده است تا از اساتید مرکز نیز استفاده گردد. همچنین از لحاظ امکانات و تجهیزات آموزشی نیز حساسیت و اولویت خاص برای شعبه غزنی در نظر گرفته شده است تا در حد توان کمبود وجود نداشته باشد.

شعبه غزنی اکنون به یک مرکز مهم علمی و فرهنگی در غزنی تبدیل شده است و علاوه بر آن در مسائل اجتماعی و همکاری های مدنی با مردم و مسئولان نیز

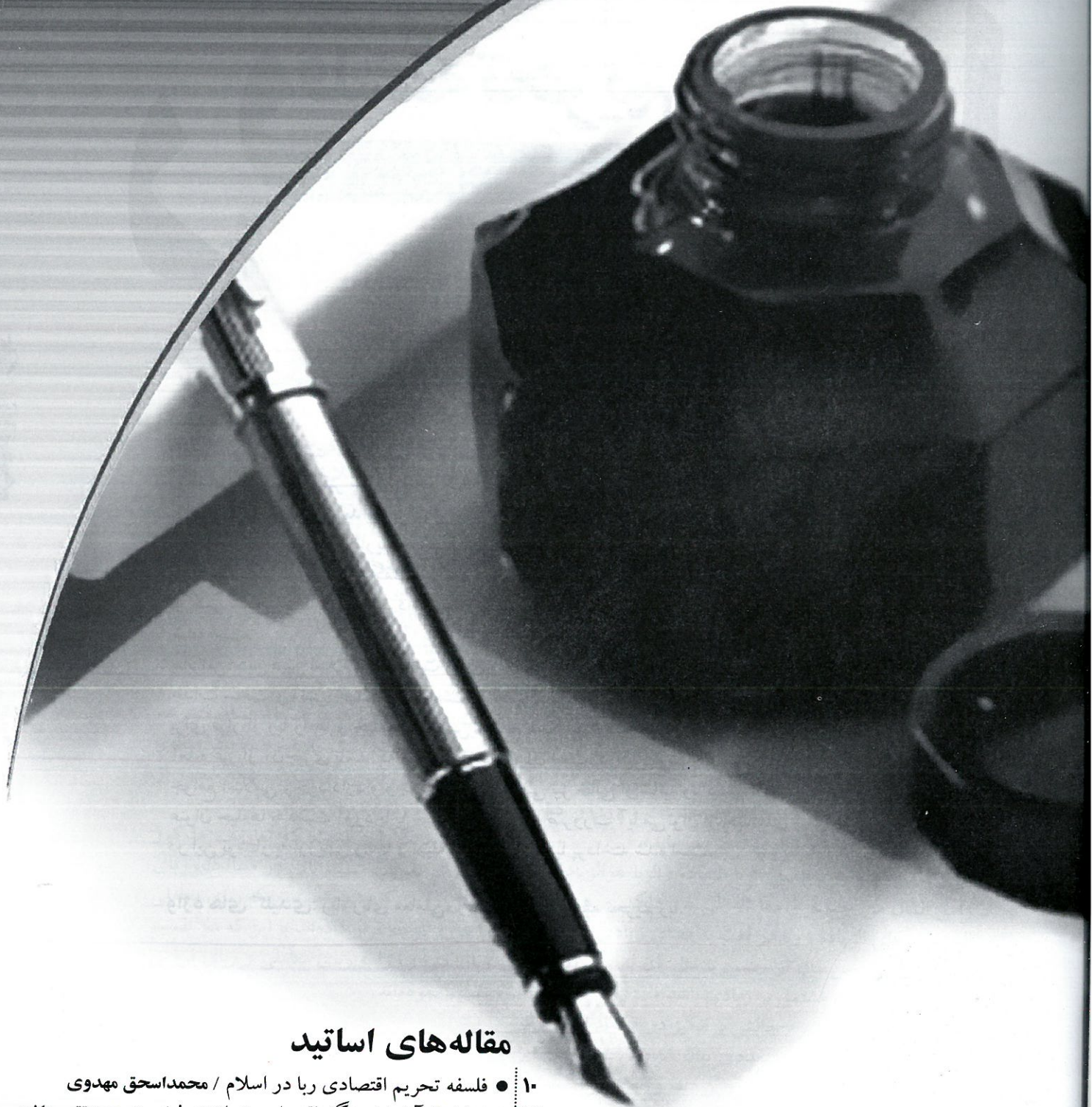


برنامه های مدیریت دانشگاه می باشد. اما از آن جا که اولویت دانشگاه تقویت بنیه علمی و آموزشی و رسیدن به کمیت و کیفیت حداکثری با توجه به پتانسیل های موجود است، لذا تمرکز بیشتر اکنون روی بهبود وضعیت مراکز فعلی می باشد و برنامه هایی در این رابطه روی دست است. اصلاح اساس نامه، بهبود سیستم های نظارتی، تکمیل امکانات و تجهیزات آموزشی مانند کتاب خانه، لابراتوارها، شفاخانه های کادری، دسترسی به انترنت و اصلاح و تنظیم روندهای اداری و مالی از برنامه های جدی و پیگیر مدیریت دانشگاه بوده است.

دخیل است. مدیریت دانشگاه تلاش خواهد کرد تا وزنه علمی و آموزشی دانشگاه روز بروز تقویت گردد.

پیام خاتم: با وجود فعالیت های دانشگاه در کابل، غزنی و جاغوری و استقبال گرم مردم از این پوهنتون، در آینده چه پلان های توسعه ای برای خدمت گذاری بیشتر به مردم دارید؟

جواب: شعبات غزنی و جاغوری دانشگاه خاتم النبیین (ص) با توجه به نیازی که در این ساحات احساس می شد و با اهتمام ریاست محترم دانشگاه جناب آقای دکتر سجادی فعال گردید. برنامه های تاسیس شعبات در سایر ولایات نیز جزء اهداف و



مقاله‌های اساتید

- ۱۰ فلسفه تحریم اقتصادی ربا در اسلام / محمد اسحق مهدوی
- ۱۶ تعامل قرآن با فرهنگ اقتصادی زمان نزول / سید محمد تقی هاشمی
- ۲۴ آشنایی با بانک‌های افغانستان / قمبر علی حسینی
- ۲۹ اقتصاد اسلامی از دیدگاه شهید سید محمد باقر صدر / محمد رحیمی

فلسفه تحریم اقتصادی در اسلام

محمد اسحاق مهدوی معاونت اداری مالی



مقدمه

اقتصاد یکی از رشته های مهم علوم انسانی است که در رابطه با تنظیم رفتارهای اقتصادی شکل گرفته است و هدف از آن حداکثر سازی منافع شخصی است. بنابراین یک آدم اقتصادی در رفتارهای اقتصادی خویش راهی را انتخاب می نماید که برای او بیشترین نفع و سود را در پی داشته باشد. یکی از راه های رایج با تاریخچه بسیار کهن و قدیمی، معاملات ربوی بوده است. خیلی از انسان ها تنها از این راه معیشت و در آمدی هنگفت، کسب می کردند از آنجایی که در طرف دیگر آن ضرر و زیان بسیار عظیم و کمر شکن اقتصادی وجود داشت، در بعضی از ادیان از جمله دین مقدس اسلام از گرفتن و دادن ربا منع شده است.

بنابراین؛ دین مبین اسلام از معاملات ربوی و قرض ربوی به شدت نهی نموده و ربا خوار و ربا دهنده را مستحق عذاب سخت و آتش جهنم دانسته است. به همین دلیل در بعضی از مکاتب و اندیشه ها و افکار برخی از فقیهان برای فرار از ربا راه ها و حیل های خاص مطرح شده است که توجه و تامل به آن ممکن است نتایج به دست آمده غیر از آن چیزی باشد که دیگران به دنبال آن است. در این نوشتار براساس این نیاز که ربا کم و بیش در جوامع اسلامی وجود دارد و وجود بهره های بانکی نیز خالی از شائبه ربا نیست، آیا می توان راه فرار از ربا را با عنوان حیل ها به دست آورد یا خیر؟ براساس این ضرورت آیا می توان از حیل های ربای موجود بهره جست؟ در این نوشتار به ارزیابی راه ها و حیل های گریز از ربا پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: ربا، ربای معاملی، ربای قرضی، فلسفه تحریم ربا.

ماهیت ربا

شناخت از ماهیت ربا بستگی به تعریف آن از دیدگاه اهل لغت و فقها دارد که ماهیت آن از نظر لغت و اصطلاح و بیان دیدگاه فقهی فقیهان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ربا در لغت و اصطلاح

واژه «ربا» در زبان فارسی به معنای بیشی، افزون شدن، نشو و نما کردن، سود یا ربیحه که داین از مدیون می‌ستاند و نسیه خریدن و فزون گرفتن آمده است. از آنجایی که ربا یک لغت عربی است باید از منظر ادیان عرب نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۱. **ربا در لسان العرب:** «والاصل فيه الزيادة من ربا المال اذا زاد وارتفع و نما؛ ربا در لغت به معنای یک نوع زیاده و اضافی است، که در اموال و ثروت به وجود می‌آید.» در لسان العرب معنای شرعی آن را نیز ذکر شده است: «وهو في الشرع الزيادة على اصل المال من غير عقد؛ ربا در شرع اسلام یک نوع اضافی گرفتن از سرمایه در خارج از متن عقد است.»

۲. **ربا در مفردات:** «الربا الزيادة على رأس المال لكن خص في الشرع ربا لزيادة على وجه دون وجه؛ ربا افزایش سرمایه است، اما در شرع اسلام به معنای یک نوع به خصوص اضافی از سرمایه است نه مطلق افزایش.»

۳. **ربا در کنز العرفان:** «الربا لغة هو الزيادة و شرع هو الزيادة على رأس المال من احد المتساويين جنسا مما يكال او يوزن؛ شرعا آن ربا و اضافه حرام است که از اجناس و کالایی گرفته شود که مکیل و موزون است.»

۴. **ربا در مسالك الافهام:** «الربا هو الزيادة، ثبت في البيع مع وصفين: الجنسيه، و الكيل أو الوزن و في القرض مع اشتراط النفع؛ ربا در خرید و فروش با شرط جنسیت و وزن و کیل و در قرض با شرط نفع و زیادی تحقق می‌یابد.»

۵. **ربا در جواهر:** «اصل الربا الزيادة والربا هو الزيادة على رأس المال من جنسيه او مما ثله الى غير ذلك... بيع الربا هو المشتمل على الزيادة؛ ربا در لغت به معنای زیادی و در شرع ربا زیادی بر رأس مال از جنس یا مثل آن به غیر آن... بيع ربوی آن است که مشتمل بر زیادی باشد.»

بنابراین؛ ربا یک موضوع چالش بر انگیز در اقتصاد است برای آن تعاریف گوناگون و متعددی بیان شده است که در این نوشتار به برخی از آنها اشاره گردید و تعاریفی دیگر نیز

نکات چند در تعاریف

۱. در مجموع آنچه از این تعاریف به دست می‌آید این است که ربا در لغت عرب به معنای هر نوع زیادی است و در شرع مقدس اسلام ربا آن زیادی است که در بیع متماثلین و متجانسین معنا و مفهوم پیدا می‌نماید.

۲. ربا یک عنوان حقیقی و عرفی است که قبل از اسلام نیز وجود داشته است و منظور از آن نوع عمل و فعالیت اقتصادی است که در آن زیاده و فزونی لحاظ گردیده است. در شرع مقدس اسلام با یک سری مقومات و خصایص ربا شرعا حرام و معاملات آن نیز باطل اعلام شده است.

۳. ربا با توجه به تاریخچه آن در حاکی از آن است که همه ادیان به نحوی با این پدیده اجتماعی و اقتصادی مبارزه نموده‌اند و آن را حرام و غیر جایز دانسته‌اند.

۴. از روش واحد مبارزه با این پدیده منفور اقتصادی فهمیده می‌شود که هر زیادی حرام نیست، بلکه زیادی که در شرع و لسان متشرعه آمده است، حرام است. به عبارت دیگر منظور از ربا به معنای لغوی آن نیست، بلکه منظور از ربای محرم ربا به معنای شرعی آن است.

۵. نکته دیگر این است که تعاریف مذکور به غیر از تعریف شهید ثانی در مسالك، ربای قرضی را متذکر نشده است، بلکه ربای معاملی را مورد توجه قرار داده‌اند با این که در تقسیم ربا؛ اکثرا ربا را به ربای معاملی و ربای قرضی تقسیم نموده‌اند.

۱. ربای معاملی

با توجه به آیات و سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) فهمیده می‌شود که بدلیل مبادلات پایاپای تأکید بیشتر بر تحریم ربای معاملی شده است. به همین دلیل بخشی مهمی از مباحث ربا در کتاب های فقهی به ربای معاملی اختصاص دارد و در مقابل بسیار اندک و گذرا به ربای قرضی پرداخته شده است. در نتیجه؛ ربای معاملی عبارت است از هرگونه زیادی در معامله دو شی و یا معامله‌ای که مشتمل بر زیادی یکی از عوضین باشد، با فرض تحقق شرایط خاص ربا مانند مکیل و موزون بودن برای مبادله و معامله‌ای اجناس مقیاس های متفاوتی وجود دارد که یکی از آن ها وزن و کیل است. اتفاق نظر وجود دارد که معامله با شرایط ربا در مکیل و موزون حرام و باطل بوده: «الایکون الربا الا فی ما یکال أو یوزن» امام صادق (ع) فرموده است: ربا جز در کالا های که کیل و وزن می‌شود وجود ندارد. بنابراین روایات متعددی وجود دارد که ربایی معاملی را منحصر در کالا های مکیل و موزون می‌دانند و همین‌طور اتحاد در جنس که همان اتحاد در «اسم» است که دارای حقیقت نوعیه که در یک اسم خاص مشترک است باشند؛ و یا اتحاد در مبدأ به این دلیل که اتحاد در اسم، جامع افراد و مانع اغیار نیست و پیشنهاد می‌شود که مقصود از اتحاد در جنس اتحاد در مبدأ باشد، یعنی به یک حقیقت واحد منتهی شود.

۲. ربای قرضی

یکی دیگر از انواع ربا، ربای قرضی است. در ربای قرضی بر خلاف ربای معاملی شرایط مکیل و موزون بودن و اتحاد در جنس لازم نیست، بلکه شرط صدق ربا تنها در مقدار زیادی است که در عقد وام شرط می‌شود. ربای قرضی چه در زمان های گذشته و چه در عصر حاضر، رایج ترین نوع ربایی است که در جوامع مختلف وجود داشته و هم اکنون به اشکال مختلف دیگر تحت عنوان بهره بانکی یا سود مطرح می‌باشد.

قرض چیست؟

قرض به عنوان یکی از عقود در ابواب معاملات فقه مطرح بوده و به دلیل روشن بودن مفهوم قرض بسیاری از علما و فقها تعریفی حقیقی برای آن ارائه نکرده اند، ولی بعضی از بزرگان تعریفی را برای آن ذکر کرده است: «قرض؛ تملیک مال به شرط ضمانت به دیگری است» و همچنین تعاریفی دیگر مانند مالی بر وجه ضمانت نه بر وجه رایگان به ملکیت دیگری

درآید و یا قرض عقلایی مشتمل بر ایجاب و قبول علی وجه ضمانت، نیز ذکر شده است که حاکی از انتقال ملکیت به دیگری بر وجه ضمانت می‌باشد. به هر حال مفهوم قرض بسیار روشن و واضح می‌باشد، علی‌رغم این وضوح می‌توان مشخصه آن را چنین بر شمرد:

الف) عقد است، یعنی بین دو نفر ایجاد می‌شود؛

ب) تملیک مال از سوی مقرض یا داین به مقرض یا مدیون است؛

ج) علی‌وجه ضمانت این ملکیت منتقل می‌شود.

اهمیت خطرات ربای قرضی

از آنجایی که ربای قرضی از دیر زمان تا کنون شدیداً مورد ابتلای مردم بوده و در مقابل ربای معاوضی به دلیل پایاپای بودنش و نادر بودن آن در زمان حاضر، ربای قرضی از حیث خطرات اقتصادی و آنچه که در فلسفه تحریم آن آمده است، (ظلم و...) بسیار با اهمیت می‌باشد.

بعضی از بزرگان به همان دلیل، غالب آیات و روایات تحریم ربا را ناظر به ربای قرضی دانسته‌اند و ادعا کرده‌اند که شاید نکته تحریم ربای معاوضی پل قرار دادن آن برای ربای قرضی است. بنابراین آیات: «وَإِنْ تَبْتِغُوا فَلَکُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره/ ۲۷۹) و «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَتِيمٍ» (بقره/ ۲۷۶) و... ناظر به ربای قرضی است تا ربای معاملی و همچنین روایات تحریم ربا نیز ناظر و متوجه ربای قرضی بوده و فلسفه حرمت ربا مانند اکل مال به باطل، ظلم، تعطیلی و ترک کارهای خیر و نیکو کاری، تعطیلی کارهای اقتصادی و تجارت و تضعیف عواطف انسانی همه با ربای قرضی تناسب دارد.

بنابراین؛ می‌توان اذعان کرد که ربای قرضی، کمرشکن و ظالمانه است و عواطف انسانی را از بین برده و مانع کارهای نیک و فعالیت‌های اقتصادی و تجاری می‌شود. اساساً می‌توان گفت که در زمان فعلی معامله جنس به جنس بسیار کم و نادر می‌باشد و هرآنچه زیاد و شایع است همان ربای قرضی به صورت قرض (وام) به شرط زیادی است. ربای قرضی چه در میان مردم مستقلاً و از یک طرف و چه در میان بانک ها و مردم از طرف دیگر رایج بوده و همچنان مبتلابه است. پس می‌توان نتیجه گرفت که حيله‌ها هم ناظر به این قسم ربا باشد.

وَاحِلَ لِلَّهِ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا

خدایع را حلال کرده و ربا را حرام



پیرم خاتم

پوهنتون
خاتم النبیین (ص)
شعبه غزنی



۱۳

فلسفه تحریم ربا

بحث مهم دیگر «فلسفه تحریم ربا» است که فراروی افراد مؤمن و متدین قرار دارد. ما می دانیم که خداوند حکیم است و کارهای حکیمانه همراه با مصالح و مفاسد آن انجام می دهد، ولی دانستن و علم تفصیلی به فلسفه و علل حرمت ربا فایده عملی و عینی دارد و دانستن حرمت ربا و اینکه ربا چرا حرام شده است، همانند آدم مریضی است که می داند فلان غذای خوشمزه برای او ضرر و زیان دارد، با اشتیاق تمام به دستور طبیبش عمل نموده و به سوی بهبودی کامل پیش خواهد رفت. زیرا هنگامی که انسان به مصالح یک تکلیف واجب پی برد یا از مفسده یک تکلیف حرام آگاه شود، به یقین انگیزه قوی تری برای انجام آن تکلیف و ترک این حرام پیدا می کند. پس لازم است که به فلسفه حرمت ربا اشاره نماییم.

۱. اکل مال به باطل

مراجعه به آیات و روایات حاکی از آن است که ربا یکی از مصداق بارز «اکل مال به باطل» است. اکل مال به باطل به این معنا که انسان بدون دلیل منطقی و عقلی، درآمد بادآورده و بی جهت را کسب و از آن استفاده نماید مانند قمار شراب فروشی، و... که درآمدهای بدون دلیل و سبب می باشند.

در سوره آیات قرآن کریم خوردن اموال مردم بدون دلیل از مصداق کامل اکل مال به باطل شمرده شده و ربا را نیز حرام نموده است: «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ وَبَصَدْتَهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ ما به خاطر ظلمی که از یهود صادر شده و به خاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آن ها حلال بود، حرام کردیم و به خاطر ربا گرفتن در حالی که از آن نهی شده بودند، و خوردن اموال مردم به باطل و برای کافران آن ها، عذاب دردناکی آماده کرده ایم». (نساء/۱۶۰-۱۶۱) در این آیه دلیل و فلسفه نهی از ربا اکل مال به باطل یاد شده و ربا را درآمدی بدون سبب و بی دلیل شمرده است و یقیناً خوردن چنین درآمد باد آورده حرام و از مصداق بارز اکل مال به باطل خواهد بود.

در روایات نیز علت تحریم ربا به خاطر نهی خداوند متعال از آن و اکل مال به باطل دانسته شده است. و همینطور ترس از حرام محرم که دخول در کفر است، دانسته شده است. بنابراین؛ ربا موجب فساد و فناء و زوال اموال است و از این بابت شبیه سرقت بوده و ربا خوار بدون دلیل، اموال دیگران را جزء اموال خویش قرار می دهد و در آن تصرف می نماید.

از طرف دیگر خود همین فساد مالی کم کم موجب فساد اخلاقی و اجتماعی و... خواهد شد. علمای شیعه و سنی بالاتفاق حکم به بطلان زیادی نموده اند و اصل زیادی را حرام و از مصداق اکل مال به باطل می دانند و هیچ نوع مجوزی برای آن قائل نیستند و خوردن ربا را همانند خوردن مال دزدی و سرقت می دانند.

۲. مبارزه با ظلم

ظلم ستیزی و عدالت خواهی در اسلام، اصل اساسی و خدشه ناپذیر است و عدالت خواهی جزء رسالت تمامی انبیاء الهی است. برقراری عدالت در اقتصاد مهم ترین هدف اقتصاد



اسلامی است و عدالت معیار با ارزش برای ارزیابی اسلامی بودن فعالیت های اقتصادی است و هر آنچه با عدالت ناسازگار و در ستیز باشد با اسلام نیز در ستیز خواهد بود. ربا خواری در فعالیت های اقتصادی با این اصل (عدالت خواهی و مبارزه باظلم) در تضاد است و به همین جهت در اسلام از گرفتن و دادن ربا نهی شده و عمل آن حرام اعلام شده است و در آیات مختلف علاوه بر بیان آثار مثبت انفاق، مؤمنان را از رباخواری بر حذر داشته و از عواقب و پیامد های رباخواری که اعلان جنگ و مبارزه با خدا و پیامبر (ص) خبر می دهد و به صراحت بیان می دارد که: «وَإِنْ تُبْتِغُوا فَلَکُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ؛ اگر از این عمل زشت (رباخواری) دست بردارید، اصل مال متعلق به خود شماست و نه ظلم کنید و نه ظلم بپذیرید»^{قره ۲۷۹} این حکم که «نه ستم کنید و نه مورد ستم واقع شوید» دلالت بر یک حقیقت روشن دارد و آن اینکه اصل اساسی در همه معاملات و مبادلات «عدم الظلم» است.

با مراجعه به تفاسیر از این آیات به دست می آید که همه مفسران به قریب اتفاق، معتقدند که ربا و ربا خواری ظلمی است نابخشودنی و باید از آن پرهیز شود. در این قسمت به تعدادی از دیدگاه مفسرین اشاره می شود.

بنابراین یکی از دلایل محکم و استوار حرمت ربا؛ مبارزه باظلم و بی عدالتی است و یقیناً ربا و رباخواری ظلم و ستمی است که بر انسان های فقیر و بینوا وارد می شود. براین اساس در اسلام با این پدیده اجتماعی و اقتصادی برخورد صورت گرفته و از گرفتن و دادن ربا نهی و عمل آن حرام شمرده شده است. و اگر کسی این عمل را مرتکب شود ظلم و ستم سخت را مرتکب شده است.

۳. جلوگیری از کارهای نیک

مکتب حیات بخش اسلام برای ترویج و اشاعه اصول و مبانی مانند تراحم، تعاطف، همکای، همیاری، تأمین نیازمندان، همدردی، روابط انسانی، انفاق، صدقه، قرض الحسنه و... تلاش نموده و بر آثاری بسیار خوب دنیوی و اخروی آن ها تأکید و از آثار و پیامد های هر چه که این اصول را کمرنگ نماید، بر حذر داشته است.

ربا از آنجایی که دقیقاً در مقابل انفاق، صدقه و قرض الحسنه و... قرار دارد، در مکتب متعالی اسلام به شدت از آن نهی شده و عمل به آن حرام شمرده شده است. زیرا ربا و رباخواری؛ از کارهای نیک (معروف) جلوگیری می نماید: «قَالَ: لَيْلًا يَمْتَنِعُ

النَّاسُ مِنَ اضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ؛ ربا به این دلیل حرام شده است تا مانع کارهای خیر و نیک خواهانه مردم نشوند.» یا علت تحریم ربای نسیه آن است که کارهای نیک از بین نرود.» یکی از کارهای معروف «قرض الحسنه» است که به عنوان عمل نیک و خدا پسندانه که دارای آثار و پیامد های اجتماعی مثبت است مورد تأکید فراوان قرار گرفته است: «به خدا قرض الحسنه دهید و هر کاری نیکی را برای خود پیشاپیش بفرستید، پاداش آن بزرگ است» منزل ۲۰/ کسی که در راه خدا قرض بدهد خداوند در آن ثوابی به وزن کوهی از کوه های رضوی و طور سینا قرار می دهد.»

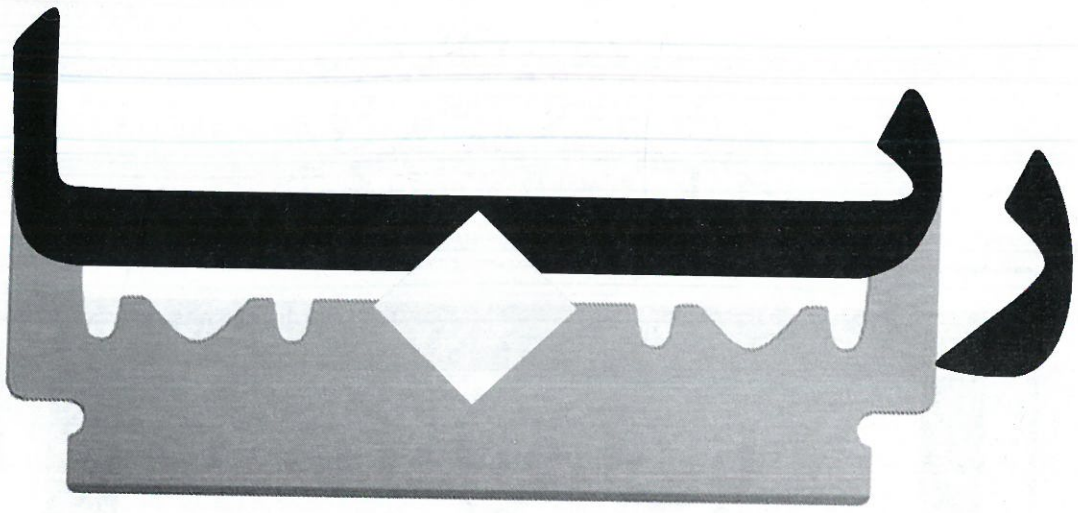
اسلام در کنار تشویق و ترغیب به پرداخت قرض الحسنه و اعلان پاداش های عظیم معنوی برای آن، قرض ربوی و کنز را حرام کرده است. بنابراین؛ گرفتن ربا آن هم از کسانی که برای تأمین حد اقل معیشت دچار مشکل هستند و در تنگنای شدید اقتصادی قرار دارند، به عواطف و روابط انسانی ضربه می زند و پیامد های ناخوشایند روانی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. در عوض، قرض الحسنه و انفاق و صدقه در تحکیم روابط انسانی و توسعه همیاری و همکاری کمک می کند و روح برادری و ایثار را رشد می دهد.

۴. هدایت سرمایه به فعالیت های مولد

یکی دیگر از حکمت ها و فلسفه های حرمت ربا؛ ترک فعالیت های تجاری و یا هدایت سرمایه به فعالیت های مولد اقتصادی است. در اسلام، شرکت عینی مردم در فعالیت های بازرگانی و تولیدی با حضور محسوس در اقتصاد واقعی مورد توجه جدی قرار گرفته است، زیرا؛ «لو كان الربا حلالاً لترك الناس التجارات و ما يحتاجون اليه؛ اگر ربا حلال باشد، مردم تولید و تجارت را که به آن احتیاج دارند، رها می کنند، و نیازهای واقعی خویش و جامعه را از یاد می برند» پس خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به سوی حلال و از ربا به سوی تجارت و داد و ستد روی آورند: «فحرم الله الربا، لتفر الناس عن الحرام الى التجارات، و الى البيع و الشراء»

۵. هدایت انسانها به تعادل روحی و روانی

با حاکمیت فرهنگ ربا و رباخواری، انجام کارهای نیک و اساسی برای پایداری حیات اجتماعی رنگ باخته و به استوارسازی زیربنای اقتصادی توجه نمی گردد. در این میان انسان، رسالت و مسئولیت مهم و بزرگ اقتصادی خویش را به بوته ی فراموشی سپرده و انحراف و ویرانگری در سرمایه



نتیجه


دال مرکزی واصل خدشه ناپذیر در برنامه اقتصادی-اجتماعی و تکاملی اسلام، عدالت گستری و ظلم ستیزی در همه ی گوشه ها و زاویه های زندگی انسان است، بناءً آیات قرآنی و روایات نبوی با عطف توجه به این اصل، تمام رفتارهای اقتصادی-اجتماعی جامعه انسانی و اسلامی را مورد بازبینی و بازرسی قرار داده است، آن دسته از کنش های اقتصادی را که چرخه ی تولید اقتصادی را فعال و حیات طیبه جامعه اسلامی را تامین می سازد، مورد تشویق و ترغیب قرار داده است و آن دسته از شیوه ها و رفتارهای اقتصادی که چرخه ای تولید اقتصاد جامعه اسلامی را متوقف می سازد و یا به رکود، سکوت و مرگ می کشاند و نهایتاً ظلم و تعارضات اجتماعات را به بار می آورد به شدت مورد نهدی و نکوهش قرار داده است.

منابع

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۴۳۶۱.
۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴۱، ص ۴۰۳.
۳. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۷۸۱.
۴. مقداد بن عبدالله السیوری، کنزالعرفان، ج ۲، ص ۶۳.
۵. شهید ثانی، مسالک الافهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۳، ص ۶۱۳.
۶. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۳۲، ص ۴۲۳.
۷. بخش فرهنگی جامعه مدرسین قم، ربا، ص ۴۸۱، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۸۳۱.
۸. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۳۴، ح ۳.
۹. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۳۲، ص ۸۳۳.
۱۰. شرح تبصرة المتعلمین، ج ۵، ص ۸۴۲.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، ربا و بانکداری اسلام، ص ۲۵، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ اول ۶۷۳۱.
۱۲. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ابواب الربا، باب ۱، ح ۱۱، پیشین.
۱۳. موسایی، میثم، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی، چاپ دوم، ۷۷۳۱.
۱۴. الحیاه، ترجمه، ج ۵، ص ۰۱۶.

گذاری و گردش درست دارایی ها، اتفاق خواهد افتاد و به سود آنی و سرشار به جای فعالیت های واقعی توجه می شود. در اینجا است که در نظام ربا و رباخواری، انسان از تعادل روحی و روانی دور شده و نظام اقتصادی روند ویرانگری به خود می گیرد: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» کسانی که ربا می خورند، قوامی ندارند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: «داد و ستد صرفاً مانند رباست» و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است» (بقره/۵۷۲) و این حالت به حالتی ناپایدار و غیر متعادل یاد می شود، حالتی که در آن، اهداف تابع امیال نفسانی فزونخواهی قرار گرفته و حرکت ها بی هدف و به فرمایش رسول خدا (ص) حیات اجتماعی همانند آدمی است که در اثر شکم بزرگ خویش تعادل جسمی ندارند: چون مرا شبانه به آسمان بردند، کسانی را دیدم که می خواستند از جای برخیزند، ولی توانایی آن را نداشتند، و این به سبب بزرگی شکم آنان بود. گفتیم: ای جبرئیل! اینان کیانند؟ گفت: اینان کسانی هستند که ربا می خوردند.» بنابراین ربا و رباخواری حرام شده است تا مردم از حالت جنون سرمایه داری و عدم تعادل خارج شده و به سمت و سوی تعادل روحی و روانی در زمینه حیات اجتماعی و اقتصادی هدایت شوند.





تعامل قرآن با فرهنگ اقتصادی زمان نزول

سید محمد تقی هاشمی - استاد دانشکده اقتصاد

بسم الله الرحمن الرحیم

سال چهارم
شماره دهم
خزان ۱۳۹۴



۱۶

چکیده:

این مقاله از چگونگی تعامل قرآن با فرهنگ اقتصادی زمان نزول قرآن سخن می گوید. به نظر می رسد قرآن در رابطه با فرهنگ زمان نزول نه بطور کلی همه را رد و نه همه را پذیرفته است بلکه فرهنگی را که ریشه در عقلانیت و فطرت بشری دارد و یا برخاسته از نیاز بشری می باشد پذیرفته است و فرهنگ اقتصادی را که باعث ضرر، ظلم، اکل مال به باطل و یا غرر بوده رد نموده است به همین خاطر احکام به امضایی و تأسیسی قابل تقسیم است. نویسنده با آوردن نمونه های متعدد به توضیح برخی از ارزشها و باورهای حاکم بر رفتار اقتصادی و شکل گیری بازاری همسو با آن ارزش ها در زمان جاهلیت، معتقد است که قرآن در مرحله نخست مبانی و ارزشهای حاکم بر رفتار اقتصادی را اصلاح و بعد به گزینش فرهنگ های اصیل برگرفته از فطرت و عقلانیت پرداخته، و در برخی موارد اقدام به زدودن فرهنگ های غلط و مغایر با فطرت و عقلانیت نموده و در برخی موارد هم فرهنگ جایگزین را معرفی نموده است.

واژه های کلیدی: فرهنگ، فرهنگ اقتصادی، جاهلیت.

مقدمه

عربیا لعلکم تعقلون) بر محدود کردن شعاع پیام رسانی قرآن اصرار ورزیده و گفته‌اند: قرآن با فرهنگ اعراب، سازگاری دارد و کاربرد علمی و عملی با فرهنگ‌های دیگر و نسل‌های آینده ندارد.

تعریف فرهنگ

با توجه به گستردگی مفهوم فرهنگ، غالب نویسندگان می‌گویند که هنوز یک تعریف جامع و کامل و قابل قبول همگان از فرهنگ صورت نگرفته است.

منظور از فرهنگ

مجموعه دیدگاه‌ها، ارزشها، اعتقادات و باورهای یک جامعه است که بر رفتار افراد حاکم است که اولاً افراد جامعه غالباً آنرا پذیرفته‌اند و ثانياً در مقام عمل به دلیل عمق مقبولیت آنها غافلانه و غیر ارادی در آن غوطه‌ورند و بر اساس آن بدون توسل به استدلال عمل می‌کنند. ثالثاً ایجاد و تغییر در آن نیازمند گذشت زمان و لذا محدودیت سرعت تغییر، آن را به عامل تعیین‌کننده در تحولات اجتماعی تبدیل می‌کند و از لحاظ نقش آن باید گفت: پایه و اساس همه رفتارهای انسانی فرهنگ است و زیربنای تحولات اجتماعی محسوب می‌شود و لذا جامعه‌ای بدون فرهنگ وجود ندارد. به عبارت دیگر فرهنگ عبارت است از محیط ساخته شده انسانی که هم دارای جنبه‌های معنوی و هم دارای جنبه‌های مادی است و منظور ما از فرهنگ در این تحقیق همان جنبه‌های معنوی فرهنگ است که شامل مجموعه دیدگاه‌ها، ارزشها، اعتقادات و باورهای یک جامعه که بر رفتار آن‌ها حاکم است.

بنابراین «فرهنگ اقتصادی» را می‌توان چنین تعریف کرد: محیط ساخته شده انسانی که دارای جنبه‌های معنوی مانند ارزشها، اعتقادات و باورهای افراد یک جامعه است که در تعامل اقتصادی بر رفتار آن افراد حاکم و متبلور است.

مفهوم تعامل قرآن و فرهنگ جاهلیت

در مورد تعامل قرآن و فرهنگ اقتصادی زمان نزول قرآن به طور کلی می‌توان گفت که مقصود این است که قرآن تا چه اندازه به گزارش دانش‌ها، بینش‌ها و گرایش‌های

رابطه قرآن و فرهنگ زمانه یکی از مسائل جدید در حوزه قرآن پژوهی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که برخورد معقول و منطقی با این مطلب می‌تواند رازگشای برخی آیات مرتبط با عقاید و آداب و رسوم اقتصادی عرب جاهلی باشد و به فهم و تفسیر بهتر قرآن کمک کند، اما پذیرش تأثیرپذیری مطلق قرآن از فرهنگ اقتصادی جاهلی، پیامدهای ویرانگری در حوزه تفسیر علمی دارد و عملاً قرآن را به کتاب تاریخمند و زمان‌مند تبدیل می‌کند و از صحنه زندگی اجتماعی و اقتصادی بشر کنار می‌زند. بنابراین لازم است مسئله بازتاب فرهنگ اقتصادی زمان جاهلیت در قرآن مورد مذاقه قرار گیرد و روشن گردد که قرآن با عهدین تفاوت‌های اساسی دارد.

تاریخچه بحث

با توجه به اینکه بحث قرآن و فرهنگ اقتصادی از زیرمجموعه مباحث «رابطه قرآن و فرهنگ زمانه» است می‌توان گفت این بحث ریشه در تأثیرپذیری کتاب مقدس از فرهنگ زمانه دارد؛ زیرا که دانشمندان غربی با مطالعه متون کتب مقدس به این نتیجه رسیدند که انجیلها نگاشته دست افرادی چند (همچون مرقس، لوقا، متی، یوحنا و ...) است که سال‌ها پس از عیسی با الهام‌گیری از فرهنگ عصر خویش نوشته‌اند. چنانچه ایان باربور ادعا می‌کند که برخی از قسمت‌های تورات هشتصدسال پس موسی نوشته شده است.

سپس نظریه تأثیرپذیری از فرهنگ زمانه که می‌توانست در مورد کتاب مقدس صادق باشد توسط مستشرقان به قرآن نیز سرایت کرد. در پی آن دانشمندان مسلمان مواضعی گوناگونی را در پیش گرفتند و برخی در صدد پاسخ‌گویی برآمدند. و نیز برخی از مفسران بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن را به نوعی پذیرفته‌اند و مورد انتقاد برخی دیگر از مفسران قرار گرفته‌اند. مثلاً زمخشری (۵۳۸ق) مفسر معتزلی ذیل آیه «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ...» (بقره، ۲۷۵) نوشته است که تماس شیطان از پندارهای عرب هاست که قرآن طبق باور آنها نازل شد است.

در میان نویسندگان معاصر با توجه به اینکه قرآن از زبان عربی استفاده کرده و در محیط جاهلی نازل شده است، بعضی از معاصرین را بر آن وا داشته که با دستاویز قرار دادن آیاتی همچون: (و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه) و (انا انزلناه قرآنا



بیشتری می یابند و زنان بی اهمیت وزائد می گردند. از این مهمتر، چون هنگام حمله، زنان یاور نیستند، ولی به وقت فرار سربار هستند، احتمال اسیرشدن آنان به دست دشمن زیاد است و اسارت باعث ناخالصی اصل و نسب قبیله می گردد. بنابراین، شأن و منزلت زنان در بین قبائل به حدی پایین آمد که اقدام به دخترکشی کردند. این رسم همچنان تا ظهور اسلام دوام داشت.

سخنان امیرالمؤمنین^(ع) در بیان اوضاع عرب قبل از اسلام، شاهد زنده ایست که آنان از نظر زندگی و انحطاط فکری و فساد اخلاقی در وضع اسفناکی بودند. امیرمؤمنان^(ع) در این باره می فرمایند:

«خداوند، محمد«ص» را بیم دهنده جهانیان، و امین وحی و کتاب خود، مبعوث نمود. و شما گروه عرب در بدترین آئین و بدترین جاها بسر می بردید. در میان سنگلاخها و مارهای کر(که از هیچ صدایی نمی رمیدند) اقامت داشتید. آب های لجن را می آشامیدید و غذاهای خشن(مانند هسته خرما و سوسمار) می خوردید و خون یکدیگر را می ریختید، و از خویشاوندان دوری می کردید، بتها در میان شما سرپا بود، از گناهان اجتناب نمی نمودید»

ویژگی های فرهنگ اقتصادی دوره جاهلیت

به رغم گسترش تجارت میان اعراب پیش از اسلام، و پیدایش بازارهای متعدد دائمی و موسمی در مسیر راه تجارت جنوب و شمال، نمونه هایی از داد و ستد میان آنها معمول بوده است و به قول سعید افغانی تعجب و شگفتی انسان را بر می انگیزاند؛ زیرا در این گونه مبادلات یا خریدار یا فروشنده مغبون می شدند و این مبادلات بیشتر به قمار شباهت داشت تا به معامله؛ زیرا همه باغبان و ناآگاهی و غفلت همراه است. شیوع این گونه معاملات میان اعراب خود نشانه دیگر از حاکمیت فرهنگ جاهلیت بر آنان است.

عرب جاهلی عصر نزول پرداخته است و تا چه اندازه آنها را پذیرفته و یارد کرده و یا آنها را مورد اصلاح و تکمیل قرار داده است.

باورها و ارزش های جاهلیت

بدون تردید بحث از رابطه قرآن و فرهنگ زمان نزول بدون توجه به ارزشها، باورها و اعتقاداتی که بر رفتار اقتصادی عرب های زمان نزول قرآن حاکم بود ناتمام است. لذا لازم است بدانیم

شرایط زندگی در مرکز جزیره و نوع معیشت اهالی مبین فرهنگ، اخلاق و روحیه ایشان است. زندگی کوچ نشینی و اشتغال دائم به جنگ و غارت اهمیت جنگجویی و غارتگری را زیاد می کند. مردان که در این کار از زنان تواناترند ارزش

الف) ویژگی بازار جاهلیت. زیرشاخه ویژگی های فرهنگ ...

اکنون به معرفی مهمترین معاملاتی که در بازار های قبل اسلام وجود داشته است می پردازیم(اسواق العرب فی الجاهلیه، ۴۶-۵۹).

۱. پرتاب ریگ: الرمی بالحصات

این مبادله به شکلهای گوناگون در بازار دومه الجندل رواج داشته است. در یک شکل، فروشنده به خریدار می گوید: ریگی پرتاب کن، به هر پارچه ای اصابت کرد آن را به یک

درهم به تو می فروشم. چنانچه خریدار ریگ را پرتاب کند، معامله قطعی می شود. و یا می گوید اگر توانستی ریگی به فلان پارچه بیاندازی در صورت اصابت، آن را به فلان مبلغ به تو می فروشم. در شکل سوم، برای فروش گوسفند مرسوم بوده که ریگ به هر گوسفندی که می خورد، فروشنده آن را به مبلغ معینی می فروخت. در شکلهای دیگر مبادله بدین صورت بوده که فروشنده اعلام می کرد به هر کالایی ریگ اصابت کند آن را به خریدار می فروشد و یا مالک زمینی به خریدار اظهار می داشت تا هر جا که بتوانی سنگ را پرتاب کنی، آن مقدار زمین را به تو می فروشم.

از صورت های دیگر این گونه مبادلات این بود که مشتری مشتی ریگ بر می داشت و می گفت به تعداد ریگهای در دست من باید کالا به من بدهی. برعکس، فروشنده ممکن بود در ازاء فروش کالا، مشتی ریگ بردارد و به ازاء هر ریگ در مشتش یک درهم از خریدار طلب کند. یا به خریدار بگوید اگر این ریگ را انداختم معامله انجام شده است. بالاخره، اگر عده ای خواهان کالایی بودند هر کدام شان که به خرید کالا راضی می شد سنگ را می انداخت.

۲. منابذه

این معامله به سه شکل صورت می گرفت. فروشنده و خریدار با هم قرار می گذاردند که اگر پارچه را یکی برای دومی پرت کند، پارچه به فلان مبلغ فروخته می شود و بیع قطعی می گردد. یا هر کدام پارچه ای به سوی هم بیاندازند، بدون اینکه پارچه را قبلاً دیده باشند و ی اینکه با انداختن ریگ همانند شکل قبلی معامله کنند. منابذه نیز از نظر ماهیت شبیه ریگ اندازی است.

۳. ملامسه

این مبادله نیز به سه صورت انجام می گرفته است. نخست اینکه فروشنده پارچه تا شده را به خریدار می فروخته، بدون اینکه وی حق داشته باشد پارچه را ببیند؛ یا در تاریکی پارچه را به او می فروخته است. دوم اینکه لمس پارچه توسط خریدار و فروشنده باعث قطعی شدن معامله می شد؛ همانند منابذه بدون ذکر قبول یا ایجاب. سوم اینکه لمس یا دست زدن به کالا را مانع خیار مجلس می دانستند؛ یعنی با دست زدن به جنس خرید آن اجباری می شد. سعید افغانی در ادامه می نویسد که در بازار مشقَر همین معامله را یا با اشاره انجام می دادند، که در این صورت معامله قطعی می شد و یا با صدای آهسته و نجوا، بدون اینکه با هم صحبتی کنند. جالب است علت شیوه

اخیر را پرهیز از دروغ گفتن، هنگام دادوستد، ذکر کرده اند.

۴. معاومه

فروختن میوه درختان را در دو، سه یا چند سال آینده معاومه می گفتند.

۵. مزابنه

این معامله عبارت است از فروش رطب یا خرما یا نارس سردرخت، به ازای مقدار معینی از خرما رسیده و چیده شده. همچنین فروش هر میوه سر درختی را به مقدار معینی از همان میوه یا فروش هر مقدار مجهولی را به مقدار معلومی از همان کالا، یا حتی به مقدار نامعلومی از همان مزابنه می گفتند.

۶. محافله

همان مزابنه است، منتهی در زراعت است؛ مثلاً گندم مزرعه به مقدار معینی گندم درو شده فروخته شده و معامله می شد.

۷. حبل الحبله

خریدن جنین داخل شکم شتر و گاهی خریدند جنین آینده همین جنین فعلی را حبل الحبله می گفتند

۸. نجش

نجش معامله نبوده است بلکه فروشنده قبلاً با کسی تباخی می کرده که در حین معامله او با افراد دیگر وارد شده و از کالا تعریف و تمجید کند و قیمت زیادتری برای آن پیشنهاد کند.

۹. تلقی رُکبان

هنگامی که کاروان تجاری به شهر نزدیک می شد عده ای به دروازه شهر به استقبال آن می رفتند تا با سوء استفاده از کم اطلاعی صاحبان کاروان در باره قیمت کالاهای آنان در بازار شهر بتوانند اجناس مزبور را به بهای نازلی خریداری کنند. سپس کالای مزبور را به بازار شهر می آوردند و به قیمت گزافی می فروختند. این واسطه گری که هیچ خدمت با ارزش افزوده ای ایجاد نمی کرد، در اسلام نهی شد.

استفاده قرآن از واژگان اقتصادی

با تفحص در آیات قرآن دیده می شود که قرآن کریم نه تنها برخی از فرهنگ ها و رفتارهای اقتصاد را پذیرفته است؛ بلکه خود نیز به این شیوه و روش سخن گفته است زیرا که یک

روش عقلایی است. مثلاً خداوند با توجه به این خصلت بشر که می خواهد نفع خودش را حد اکثر کند و یگانه راه عقلانی آن نیز تجارت است می فرماید «یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تُنجیکم من عذاب الیم» (صف/۱۰) ای کسانی که ایمان آورده اید آیا شما را دلالت کنم بر تجارتی که نجات میدهد شما را از عذاب دردناک. این آیه نشان می دهد که خداوند نه تنها روش عقلانی بشر را برای رسیدن به سود تأیید نموده است بلکه با تأیید این خصلت او را به تجارت پرسود تشویق نموده است. در برخی دیگر از آیات، قرآن عقلانی ترین رفتار به کسانی نسبت می دهد که خودش را در مقابل رضایت الهی می فروشد.

بعضی از مردم اند که در راه خدا و برای خوشنودی او جان خود را می فروشند و خدا به بندگانش مهربان و رؤوف است) و هم چنین خداوند نیز جان و مال مؤمنین را می خرد و در مقابل ثمن آنها بهشت قرار می دهد.

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَوَعْدًا عَلَيْهِ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ، وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ، فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.» (توبه/۱۱۱)

بنابراین خداوند در قرآن کریم از برخی از ویژگی های فطری و ذاتی انسان در راه رساندن پیام هدایتی خویش استفاده نموده است؛ مانند سودطلبی انسان از راه تجارت. لذا خداوند در برخی آیات برای اینکه بفهماند که دنیا و تمام داشته های انسان برای رسیدن به کمال و تقرب الهی است و در غیر این صورت می فرماید:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ» (بقره/۱۶) آنها کسانی هستند که گمراهی را به هدایت خریدند و تجارت شان سود نکرد و راهی بحق نیافتند.

فلسفه پذیرش و رد فرهنگ اقتصادی

قرآن در برابر فرهنگ اقتصادی عرب قبل از اسلام برخوردی منطقی کرده است و نه یکسره همه عناصر فرهنگ عرب را کنار گذشته است و نه همه آنها را پذیرفته است. پرسشی که مطرح می شود این است که این برخورد دوگانه اسلام با فرهنگ اقتصادی عرب ها آیا طبق یک ضابطه و فلسفه ای انجام شده است یا خیر؟ از آنجا که دین اسلام دین عقلانی و منطقی است لزوما پاسخ مثبت است و دوباره این پرسش مطرح می شود که این ملاک های پذیرش و رد چه بوده است؟ با یک استقراء می توان به این نتیجه رسید که خود قرآن فلسفه و حکمت این پذیرش و رد را یادآور شد است. مثلاً وقتی رباخواری که یکی از فرهنگ های اقتصادی دوره جاهلیت

بود مورد مذمت و رد قرار می گیرد؛ علت یا حکمت رد چنین رفتار اقتصادی، ظلم موجود در آن یاد شده است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (بقره/۲۷۸)

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (بقره/۲۷۹)

یکی دیگر از حکمت ها در این مورد «خوردن مال مردم به باطل» است. در حالی که «تجارت» و دادوستد را تأیید کرده است. زیرا که تجارت یک امر عقلایی است که عقلای عالم برای حل مشکل شان به این دستاورد رسیده اند و از آن برای نقل و انتقال اموال از ملکیت شخصی به ملکیت دیگری استفاده می کردند. بنابراین میتوان گفت که رفتارهای اقتصادی که در عصر نزول با عقلانیت، فطرت، عدالت و عدم ظلم، عدم ضرر، انصاف هماهنگ و سازگاری داشت مورد پذیرش قرار گرفته است و رفتار های که در آن غبن، غرر، ظلم، ضرر، بی انصافی، بی خردی، وجود داشته است مورد رد قرار گرفته اند. مانند ربا، کم فروشی، تلقی ربا، بیع عربون، قمار

در این قسمت، چگونگی مواجهه قرآن با فرهنگ های عصر نزول مورد بررسی و تبیین قرار می گیرد و روش هایی در این مواجهه، معرفی می گردد:

۱. فرهنگ گزینی

هرچند جاهلیت، بر دوران شرک و بت پرستی و خرافه قبل از اسلام اطلاق می شود. اما شواهد قرآنی و روایی، برخی از آداب نیک و پسندیده نیز در آن دوران وجود داشته است همانطوری که پیامبر (ص) می فرماید (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق). معلوم می شود که اخلاق پسندیده و خوب و بعضی از شعائر و سنت های ابراهیمی وجود داشته است. مانند اکرام فراوان به مهمان، جود و سخا، جوار (پناه دادن)، هم پیمانی، نمونه آشکار آن همان پیمانی است مشهور به «حلف الفضول» است و پیامبر (ص) نیز یکی از اعضای آن است.

همانطوری که در فلسفه پذیرش و رد فرهنگ اقتصادی عرب ها متذکر شدی اسلام تنها مواردی که با فطرت انسان ها و اصول و مبادی اسلام سازگار بود را پذیرفت و برای عناصر طرد شده، جایگزین هایی معرفی کرد.

ادبیات، فرهنگ واژگان و شیوه های زندگی اجتماعی و اقتصادی شبه جزیره عربستان در مواجهه و تعامل با فرهنگ قرآنی قرار گرفت. قرآن بسان روحی زنده و حیاتی نو، در قالب این فرهنگها دمیده شد و از همان آغاز به تفرج در این فرهنگها پرداخت. اسلام بسیاری از قالبهای فرهنگی شبه

جزیره را حفظ کرد؛ اما مفاهیم و محتویات آنها را گاه حفظ، گاه دگرگون و گاه تصعید بخشید.^۷

تقسیم احکام به امضای و تأسیسی در فقه خود گواه بر این است خیلی از فرهنگ های اقتصادی زمان نزول تأیید شده است. مخصوصاً اینکه اکثر احکام معاملات امضایی اند. به طول مثال بازار یا سوق که یکی از دستاوردهای عقلانی بشر بوده است که فرهنگ اقتصادی هر جامعه ای در آن متبلور است؛ و قوانین و مقررات آن بر اساس نیازهای بشری شکل گرفته است اسلام توجه ویژه‌ای به آن داشته است و با توجه به اینکه اگر اغلب صاحبان بازار مسلمان باشند آثاری را بر آن مترتب ساخت. و در فقه یک قاعده‌ای وجود دارد بنام «قاعده سوق». معنای این قاعده این است که اسلام بازار مسلمین را به عنوان اماره طهارت و تذکیر هنگام شک در آندو نسبت به کالاهای که در این بازار وجود دارد مانند گوشت‌ها، پوست‌ها و ... دانسته است.

۲. فرهنگ زدایی

قرآن کریم فرهنگ اقتصادی عرب های زمان نزول را در ضمن این آیه شریفه (الْهٰكُمُ التَّكْوِيْنُ. حَتّٰی زُرْتُمْ الْمَقَابِرَ) توضیح می دهد که فرهنگ تکاثری در تمام عرصه های زندگی شان مخصوصاً بر اقتصاد و تجارت شان حاکم بود و آنها را از اطاعت خدا و از ذکر آخرت باز داشته بود تا آنجا که برای فخر فروشی بر دیگر قبایل مردگان قبول شان را می شمردند.

آیات زیادی وجود دارد که نشان می دهد عرب های دوران جاهلیت برای خداوند هیچ نقشی در زندگی شان قایل نبودند با اینکه آنان اصل خالقیت خدا را قبول داشتند قرآن چنین یاد می کند:

وَلٰئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُوْلُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيْزُ الْعَلِيْمُ (زخرف/۹)

در حالیکه قرآن با این طرز تفکر مبارزه کرده و ایمان قرآنی به معنای باور به خدایی می داند که کانون عالم هستی است، همه مخلوقات، هستی خود را از او می گیرند و او در همه حال ناظر بر احوال آن هاست. (رک: انعام، ۱۰۳) خداوند علاوه بر اینکه آفریدگار مخلوقات است، پروردگار نیز هست. (رک: سجده، ۵).

آن گاه که قرآن به منظور هدایت و راهبری مردم نازل شد، فرهنگ و آداب و رسوم خاصی بر مردم آن سرزمین حاکم بود. پرستش بتها و سنگها و توتهمای مختلف رواج داشت. باورها و پندارهای خرافی چون اعتقاد به فال و کهنات و انواع قمار گونه‌ها در میان آنان رایج بود.

از آنجا که شبه جزیره عربستان، در بیشتر فصول با خشکی

مواجه بود، مردم برای فرود آمدن باران، چوبهایی را از درختی به نام «سَلْع» و درخت زودسوز دیگری، به نام «عشر» گرد می آوردند و آنها را به دم گاو بسته، گاو را تا بالای کوه می راندند. سپس چوبها را آتش زده، به جهت وجود مواد محترقه در چوب‌های «عشر»، شعله‌های آتش از آنها بلند می شد و گاو بر اثر سوختگی شروع به دویدن و اضطراب و نعره زدن می کرد؛ و آنان این عمل ناجوانمردانه را، به عنوان یک نوع تقلید و تشبیه به رعد و برق آسمانی انجام می دادند. شعله های آتش را به جای برق، و نعره گاو را به جای رعد، محسوب می داشتند، و این عمل را در نزول باران موثر می دانستند.

اسلام به منظور هدایت انسان‌ها و نجات جامعه هم عصر خود از ظلمت و ضلالت، یکی از برنامه‌های اساسی خود را مبارزه با عناصر فرهنگی و عقاید باطل و خرافی جاهلیت قرار داد. بدین منظور، عقاید و باورهای غلط حاکم را بیان و از جاهلیت به زشتی یاد کرده (مانده ۵۰/۵) و بر آداب و رسوم غلط و ضد اخلاقی آن روز سخت شوریده است. قرآن همچنین از اینکه در هنگام ذبح حیوانات، نام خداوند برده نشود، نهی فرمود و آن را فسق و نافرمانی از خداوند نامید. (انعام/۱۲۱) بنابراین هر جا که رنگ و بوی شرک در عادات و تقالید عرب وجود داشته و یاد و نام خدا به فراموشی سپرده شده، قرآن با آن برخورد کرده است و از دیگر سو تأکید دارد نام و یاد خدا در جای جای زندگی آدمی نمود داشته باشد.

همانطوری که در ویژگی های بازار دوران جاهلیت توضیح داده شد اقسام خرید و فروش که خیلی شبیه به قمار و بردو باخت بود وجود داشت. و نیز همانطوری که گفته شد تغییر در فرهنگ به کندی انجام می پذیرد؛ قرآن کریم با برخورد یکباره و قاطع خود با این سنت دیرپای، مردم را از این عمل باز می دارد.

۳. جایگزین سازی

اصولاً از میان برداشتن عناصر منفی فرهنگی، با جایگزینی آنها به وسیله عناصر مثبت و جدید عملی است؛ زیرا مخاطبان پس از رد و طرد عناصر مورد قبول، خود به دنبال شناسایی ارزشها و عناصری هستند که به جای عناصر و اجزاء پیشین قرار گیرد.

با بعثت پیامبر (ص)، آداب و ارزشهای انسانی و اخلاقی، جایگزین سنتهای غلط پیشین شد. فرهنگ تفاخر و تکاثر جای خود را به فرهنگ تقوی و فرهنگ کوشی داد. قرآن، خدا محوری و رضایت الهی را بر تمامی عرصه های زندگی



از جمله بازار چیره ساخت هر آنچه مرضی خدای متعال باشد خوب است ولو آنکه با تمایلات نفسانی انسان ناسازگار باشد. «وَرَضُواْنَ مَنَ اللّٰهَ اَكْبَرُ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ» (توبه، ۷۲) در آیات و روایات الگویی رفتاری برخاسته از مبانی فوق به تفصیل بیان شده است. مدح رفتارهای چون: طلب روزی حلال، بی‌نیازی از دیگران، کم خرج و پرخیر بودن، نظم و انضباط کاری، زهد و قناعت، تعاون و همکاری، تقوا، توکل، اعتدال، آخرت‌گرایی، شکر، صداقت، امانتداری، عدالت‌ورزی، اعتدال، برادری، مواسات، نوع‌دوستی، خوش رویی و... و مذموم شمردن برخی دیگر چون: بطالت و تنبلی، گدایی، حرص، طمع، اسراف و تبذیر، اتراف، وابستگی به مال دنیا، بخل، کنز، احتکار و... نمونه‌هایی از جایگزین سازی فرهنگ قرآنی می‌باشند.

قاعده اکل مال به باطل

یکی از عناوین بسیار مهم و ارزشمند در فرهنگ اسلامی عنوان اکل مال به باطل است این عنوان در قرآن کریم آمده: «یا ایها الذین آمنوا لاتاكلوا اموالکم بینکم بالباطل، الا ان تکون تجارة عن تراض منکم و لا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به ناحق نخورید، مگر آن که تجارتی باشد که هر دو بدان رضایت داده باشید و یکدیگر را مکشید. هر آینه، خداوند با شما مهربان است.

(اکل مال) در این جا کنایه از تملک و تصرف اموال دیگران به ناحق است. روشن است که (خوردن)، هیچ خصوصیتی ندارد و تعبیر (اکل) بدان جهت آمده که خوردن مهم ترین نیاز انسان است و گرنه هر نوع تصرف و تملکی را چه به صورت خوردن باشد و چه به صورت پوشیدن و سکونت دربر می‌گیرد. باطل، از ریشه (بطل) به معنای نابودی و ناپایداری و ضد حق

است. هر چیزی که (حق) نباشد، باطل خواهد بود. ولی باید دید منظور از باطل در این آیات چیست؟ مفسران در این باره احتمالات و وجوهی را ذکر کرده اند و برای بسیاری از آنها شواهدی از کتاب و سنت آورده اند. با مروری بر آیات و روایات، در می‌یابیم که (باطل) بر اموری همچون: رباخوار(نساء آیه ۱۶۱ و بقره آیه ۲۷۵). رشوه گیری(بقره آیه ۱۸۱). سوگند به دروغ(مجمع البیان ج ۱، ص ۱۳۴). ظلم و ستم(همان)، قماربازی(همان)، خوردن مال یتیم(نساء آیه ۲)، لهو و لعب(مجمع البیان، همان)، غصب و تصرفات عداونی، هر شیئی پلیدی(مجمع البیان، همان)، مبادلات و معاملات غیر مشروع و فاسد(نساء آیه ۲۹)، درآمدهای نامشروع(مجمع البیان، همان) صرف اموال در مسیرهای حرام و ناپسند(همان) و بالاخره بر هر غیر حقی(همان) و هر نوع استفاده غیر عقلایی از اموال و داراییها(همان) اطلاق شده است، بر این اساس، منظور از باطل، هر چیزی است که ناحق و بی هدف و غیر عقلانی باشد.

گسترده‌گی مفهوم باطل

با توجه به آنچه در معنای باطل گفتیم، روشن شد که (باطل) محدود و منحصر به موارد خاص نیست، بلکه مفهوم وسیع و عامی دارد و هرگونه تجاوز به حقوق و تصرف در اموال دیگران، اموال عمومی و انفال و حتی تصرفات ناروا و غیرمشروع در اموال خویش و نیز کارهایی از قبیل ربا، رشوه، قمار، ظلم و ستم، غصب و... را در برمی‌گیرد؛ زیرا باطل، در مقابل حق قرار دارد و هر چه غیر حق باشد، باطل به حساب می‌آید. از نظر اسلام، هرگونه تصرف در اموال و داراییها باید براساس حق و عدالت و بر مبنایی صحیح صورت گیرد و هر چه غیر از این باشد، حرام و باطل است. اگر در پاره ای از روایات، باطل بر قمار، ربا، رشوه، سوگند به دروغ و... تفسیر

شده است، از باب انحصار باطل در آنها نیست، بلکه در حقیقت، معرفی موارد و مصادیق روشنی از باطل است. علامه طباطبائی می نویسد:

«الآیة عامة فی الأکل بالباطل، و ذکر القمار وما أشبهه من قبیل عد المصادیق»^{۲۹}. آیه عام است و همه تصرفات ناروا را در برمی گیرد. ذکر قمار و امثال آن در پاره ای از روایات، از قبیل بیان مصداق است.

بنابراین قرآن کریم با این گونه فرهنگ ها مانند دزدی، غصب، رباخواری، احتکار، کم فروشی و برخی معاملات را از اعمال حرام و ناپسند و سرپیچی از اجرای دستورات الهی خواند.

قرآن کریم علاوه بر اینکه از اکل مال به باطل نهی فرمود برای فعالیت های مانند قرض الحسنه، وقف و حق المعلوم ارزش و ثواب بسیاری قایل شد و آنها را به مثابه دادوستد با پروردگار عالم معرفی کردند. (بقره ۲۵۴ و ۲۶۱-۲۶۲ و ۲۷۱-۲۷۲، تغابن ۱۷، حدید ۱۱ و ۱۷، آل عمران ۱۹).

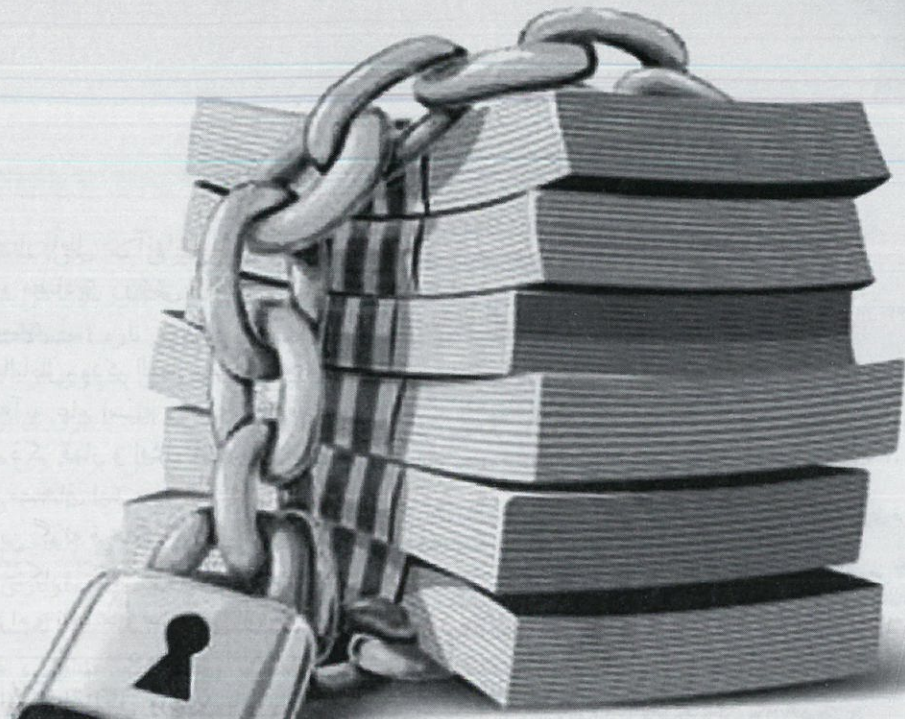
نتیجه

بدون تردید قرآن کریم در مواجهه با نظام و فرهنگ عرب قبل از اسلام رفتار و واکنش کاملاً معقول و منطقی داشته است، بدین مفهوم که فرهنگ اقتصادی و شیوه های معامله و داد ستد در جامعه جاهلی عرب مورد باز بینی و واکاوی قرار گرفته است، نه یک سره تمام عناصر و کنش های اقتصادی جامعه مزبور مترود و کنار گذاشته شده است و نه این که همه آنها بدون تفحص و پالایش پذیرفته شده است، بلکه آن دسته از شیوه ها و رفتارهای که با فلسفه اصلی و تکاملی اسلام سازگار بوده است و بنای عقلای جامعه آن روز نیز تایید می کرده مورد پذیرش قرار داده و آن بخش از آن شیوه ها را که با روح و جوهره آموزه ها و تعالیم حیات بخش اسلام و عدالت آفرین اجتماعی ناسازگار بوده است مردود و باطل اعلان نموده است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. باریور، ایان، علم و دین، ترجمه خرمشاهی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۳۰.
۳. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۰.
۴. سروش، عبدالکریم، بسط تجربه نبوی، «ذاتی و عرضی» مجله کیان، ش ۳۶، ۵. سبحانی، جعفر، فرازهای از تاریخ پیامبر اسلام، تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۱، ص ۱۱.
۶. پویا زاده، اعظم، مواجهه قرآن با فرهنگ مسیحیت، رساله دوره دکتری قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، ۲۰۱.
۷. مصطفوی، سید کاظم، القواعد، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۴۳.
۸. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش، ج ۲۷، ۲۵۴.
۹. ری شهری و حسینی، التمیمه الاقتصادية، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۶، صص ۳۷۳-۳۹۷ و ۴۵۳-۴۶۲.
۱۰. محقق، محمد باقر، دائرة الفرائد در فرهنگ قرآن، ج ۱/۵۶۷، بعثت.
۱۱. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲/۲۵۸، دار الکتب العلمیه.
۱۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱/۵۶، نشر ادب الحوزه، قم.
۱۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱/۱۳۴، دار مکتبه الحیاة، بیروت.





آشنایی با بانک‌های افغانستان

قنبرعلی حسینی استاد دانشکده اقتصاد و مدیریت

مقدمه

کلمه «بانک» که یک اصطلاح قدیمی است، یا از واژه آلمانی بانک (Bank) به معنای نوعی شرکت، گرفته شده است یا از واژه ایتالیایی بانکا (Banco) به معنای نیمکت، مشتق شده است. از آنجایی که صرافان ایتالیایی روی نیمکت‌ها در نزدیکی محل‌های دادوستد می‌نشستند و عملیات صرافی را انجام می‌دادند، ابتدا به نیمکت‌های آنان و به تدریج به محل فعالیت‌های آنها «بانک» گفته می‌شد و بعدها نیز مؤسسات و سازمان‌هایی که این‌گونه معاملات را انجام می‌دادند، به نام «بانک» معروف گردیدند. (یوسف فرجی، ص ۶۶؛ محمد بهمند، ص ۱۵)

به هر حال، مؤسسات صرافی آن روزها با نام «بانک» به تدریج تکامل یافتند و به صورت سازمانی فعال درآمدند که با جلب رضایت مردم و رعایت اصول اخلاقی، صداقت و درستکاری توانستند مرکز کلیه فعالیت‌های پولی و اعتباری و پایه‌گذار بانک‌های امروزی گردند.

صرافان علاوه بر امانتداری و نقل و انتقال وجوه از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر، همانند یک «بانک» برای مشتریان حساب سپرده باز می‌کردند و به موجودی آنها بهره می‌پرداختند. از سوی دیگر از محل سپرده‌ها به اشخاص حقیقی و حقوقی وام می‌دادند.

بعضی «بانک» را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«بانک مؤسسه مالی واسطه است که وام می‌گیرد و با دادن وام با نرخ بهره بیشتر از نرخ بهره پرداختی به سپرده‌گذاران، سود می‌برد.» (یوسف فرجی، ص ۶۶)

امروزه، بانکداری یکی از بااهمیت‌ترین بخش‌های اقتصادی به شمار می‌آید. بانک‌ها با سازماندهی و هدایت دریافت‌ها و پرداخت‌ها، امر مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده و موجب گسترش بازارها و رشد و شکوفایی اقتصادی می‌گردند. اگرچه از زمان‌های قدیم افراد یا مؤسساتی وجود داشتند که پول قرض می‌دادند؛ اما بانک‌ها جدیدترین مؤسسات اقتصادی در این زمینه می‌باشند. بانکداری که از قرن هفدهم میلادی در کشورهای مختلف گسترش یافته است، کمک‌های قابل توجهی به توسعه صنعت آن کشورها کرده است. (یوسف فرجی، ص ۶۶)

واژه‌های کلیدی: بانک‌های افغانستان، بانک‌های تجاری، بانک‌های خارجی، بانک‌های خصوصی

آشنایی با بانک‌ها



در کشور ما افغانستان تا قبل از سال ۱۳۱۲ خورشیدی هیچ اثری از مؤسسات بانکی وجود نداشت و تمام عملیات بانکی و اعتباری توسط صرافان خارجی که بیشترشان هندی بودند، انجام می‌گرفت. این صرافان بیشتر در بازارهای کابل و قندهار فعالیت داشتند. ارزهای (پول‌های خارجی) مورد ضرورت دولت نیز از همین صرافان خریداری می‌شد. این روند ادامه داشت، تا این که در سال ۱۳۱۱ خورشیدی با ابتکار یکی از تاجران برجسته کشور به نام «عبدالمجید زابلی» یک شرکت سهامی به نام «شرکت سهامی هاشمی» تأسیس شد. این شرکت در ماه ثور سال ۱۳۱۲ خورشیدی به «بانک ملی افغان» تبدیل شد و به عنوان اولین بانک در افغانستان پا به عرصه وجود نهاد. در ابتدا «بانک ملی افغان» به عنوان یگانه بانک در افغانستان هم وظایف بانک مرکزی و هم وظایف بانک تجاری را پیش می‌برد و با گذشت زمان هر روز وظایف و فعالیت‌های این بانک گسترش می‌یافتند.

(hameedhallim.blogfa.com)

به دنبال توسعه و گسترش وظایف و فعالیت‌های بانکی، دومین بانک افغانستان به نام «د افغانستان بانک» به عنوان بانک مرکزی افغانستان در تاریخ ۱۳۱۸/۱۱/۱۷ در شهر کابل تأسیس شد.

در سال ۱۳۳۳خ (۱۹۵۴م) «پشتنی بانک» آغاز به کار کرد. در سال‌های پیش از آن بانک توسعه زراعت نیز تأسیس شده بود؛ ولی بعداً منحل گردید.

(www.pashtanybank.com)

از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸خ (۲۰۰۳ - ۲۰۰۹م) پانزده بانک داخلی و خارجی در افغانستان تأسیس شده‌اند. در حال حاضر در افغانستان، غیر از بانک مرکزی «د افغانستان بانک»، هفده بانک تجاری داخلی و خارجی مشغول فعالیت هستند که در میان آنها دو بانک دولتی، هفت بانک خصوصی داخلی و هشت بانک خارجی وجود دارند (www.daneshnamah.com). در اینجا، این بانک‌ها به طور خلاصه معرفی می‌شوند.

الف - بانک مرکزی افغانستان

بانک مرکزی افغانستان به نام «د افغانستان بانک» در تاریخ ۱۳۱۸/۱۱/۱۷ با سرمایه ابتدایی ۱۲۰ میلیون افغانی در شهر کابل تأسیس شد که در سال ۱۳۵۴ سرمایه آن به یک میلیارد افغانی ارتقا پیدا کرد. بعد از تأسیس «د افغانستان بانک» وظایف بانکداری دولتی به این بانک واگذار گردید. چاپ و نشر پول از «بانک ملی افغان» به «د افغانستان بانک» سپرده شد. «د افغانستان بانک» توانست تحولات و توسعه بزرگی را در رابطه به چاپ و نشر پول افغانی به وجود آورد.

همانطوری که بیش از سه دهه جنگ در افغانستان بر سایر بخش‌ها تأثیر منفی گذاشته‌است، بانک مرکزی نیز از گزند این پدیده به دور نماند و دست‌خوش نابسامانی‌های گوناگون گردید. بانک مرکزی افغانستان و نظام بانکداری افغانستان با روی کار آمدن دولت جدید «جمهوری اسلامی افغانستان» به خصوص بعد از توشیح قوانین جدید «د افغانستان بانک» و قانون «پول و بانکداری» وارد مرحله جدید گردید.

«د افغانستان بانک» با تطبیق ریفورم پولی با چاپ و نشر پول جدید به خوبی توانست بحران تورم پولی را در کشور مهار کند و به تغییر شکل پولی افغانستان پایان دهد. زیرا در گذشته با روی کار آمدن هر رژیم جدید شکل و نوع پول افغانی دست‌خوش تغییر بوده‌است.

«د افغانستان بانک» برای اولین بار پلان استراتژیک پنج ساله‌ای را در سال ۱۳۸۸خ به اجرا گذاشت. این پلان که تا پایان ۱۳۹۲خ ادامه می‌یابد، بر تعهدات راسخ این بانک در زمینه تحقق مأموریتش مبنی بر ثبات قیمت‌ها و ایجاد نظام مالی مستحکم تاکید جدی دارد. (hameedhallim.blogfa.com)

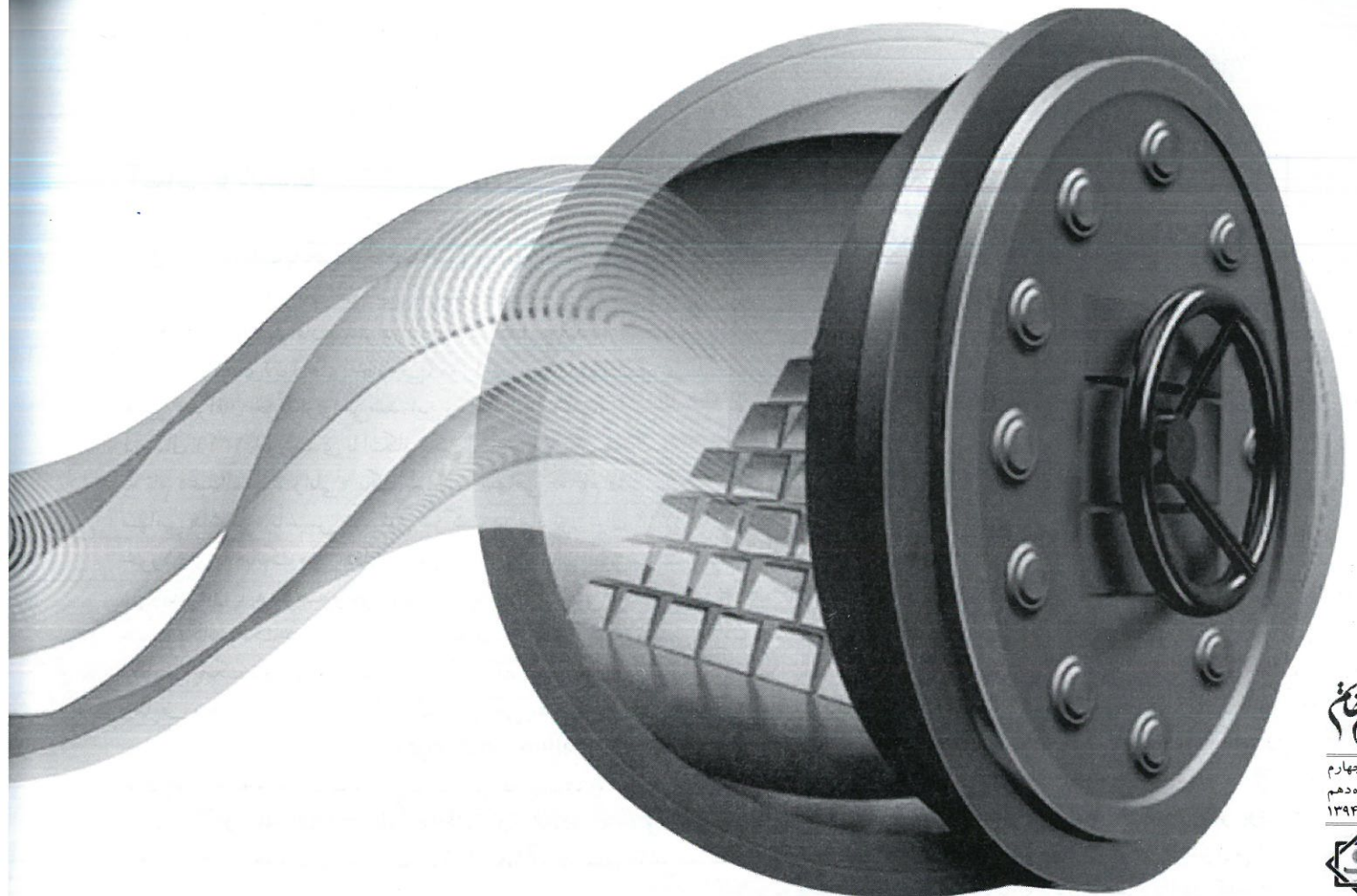
ب - بانک‌های تجاری دولتی افغانستان

۱- بانک ملی افغان: «بانک ملی افغان» اولین و پیشگام‌ترین بانک در افغانستان می‌باشد که در تاریخ ۹ ثور ۱۳۱۲خ تأسیس شده‌است. «بانک ملی افغان» ساختار بانکداری را در افغانستان معرفی کرد و تا تأسیس «د افغانستان بانک» در سال ۱۳۱۸خ وظایف بانک مرکزی را نیز پیش می‌برد. این بانک با سرمایه ابتدایی ۹,۶ میلیون افغانی فعالیت‌های بانکی خود را شروع کرد، که ۷۲ درصد این سرمایه مربوط به بخش خصوصی و ۲۸ درصد آن مربوط به بخش دولتی بود. این بانک در سال ۱۳۵۵خ توسط دولت داودخان ملی اعلان شد.

(www.bma.com.af)

۲- پشتنی بانک: «پشتنی بانک» یک بانک تجاری دولتی است که در سال ۱۳۳۳خ (۱۹۵۴م) در دوران سلطنت ظاهرشاه با کمک بانک توسعه زراعت و سایر سازمان‌های دولتی تأسیس





شد. این بانک با سرمایه ابتدایی ۱۲۰ میلیون افغانی و ۲۲ نفر کارمند فعالیتش را آغاز کرد.

در ماه سرطان سال ۱۳۵۲خ، زمانی که محمد داودخان قدرت را در دست گرفت و حکومت را از سلطنتی به جمهوری تغییر داد، «پشتنی بانک» سهام خصوصی خود را از دست داد و به طور کامل دولتی شد. (www.pashtanybank.com)

ج- بانک‌های تجاری خصوصی داخلی افغانستان

۱- بانک بین‌المللی افغانستان: «بانک بین‌المللی افغانستان» یکی از بانک‌های تجاری خصوصی است که در سال ۱۳۸۳خ (۲۲ مارس ۲۰۰۴م) توسط سه شرکت بزرگ افغانی-آمریکایی ING با پشتیبانی بانک انکشاف آسیایی با سهم هر کدام ۲۵ درصد تأسیس شده است. هدف عمده سهامداران این بانک کمک به توسعه اقتصاد افغانستان و انجام فعالیت‌های تجاری مطابق با استانداردهای بین‌المللی ذکر شده است. بانک بین‌المللی افغانستان در سال ۲۰۱۲م از میان بانک‌های افغانستان لقب بهترین بانک را از سوی روزنامه فایننشیل بریتانیا به دست آورد. (www.aib.af)

۲- کابل بانک: «کابل بانک» یک بانک خصوصی است که در سال ۱۳۸۳خ (۲۶ ژوئن ۲۰۰۴م) در کابل تأسیس شد. این بانک مورد استفاده دولت افغانستان برای پرداخت حقوق افراد پلیس و ارتش بودند. «کابل بانک» به دلیل ضعف

مدیریت در سال ۱۳۸۹خ صدها میلیون دلار سرمایه خود را از دست داد و دچار ورشکستگی شد. بعد از آن، بانک مرکزی افغانستان کنترل آن را به دست گرفت و در ۲۷ حمل ۱۳۹۰ این بانک دوباره برای بخش خصوصی به مزایده گذاشته شد. «کابل بانک» با ۱۴۳ شعبه خود ۱۹ ولایت افغانستان را تحت پوشش خدماتی خود قرار می‌داد. (Wikipedia)

۳- عزیز بانک: «عزیز بانک» نیز یک بانک تجاری خصوصی است که با گرفتن مجوز از «د افغانستان بانک» در سال ۱۳۸۵خ (۱۳ ژوئن ۲۰۰۶م) فعالیتش را شروع کرد. «عزیز بانک» محصول سرمایه‌گذاری و تلاش دو تاجر افغانستانی آقایان میرویس عزیز هوتک و حاجی علی اکبر ژواندی است. ۷۵ درصد آن سهم میرویس عزیز هوتک و ۲۵ درصد آن مربوط به علی اکبر ژواندی می‌باشد. این بانک با تعداد ۷۶ شعبه در کابل و شهرهای مهم افغانستان مشغول فعالیت است. (www.azizbank.af)

۴- افغان یونایتد بانک: این بانک خصوصی تجاری در سال ۱۳۸۶خ (۴ اکتبر ۲۰۰۷م) مجوزنامه بانکداری از «د افغانستان بانک» گرفته است. این بانک با ۸۷۸ میلیون افغانی فعالیت خود را از کابل شروع کرده است و اکنون در بیشتر ولایت‌ها و شهرهای مهم کشور محصولات و خدمات بانکداری متعارف و اسلامی ارائه می‌دهد. (www.aub.af)

۵- غضنفر بانک: «غضنفر بانک» یک بانک تجاری خصوصی



«حیب بانک لمیتد پاکستان» که مرکزش در کراچی می باشد، در سال ۱۹۴۱م با ابتکار محمدعلی جناح بنیانگذار پاکستان و سرمایه خانواده حیب در شهر بمبئی هند با سرمایه ثابت ۲۵۰۰۰ روپیه ایجاد شد.

«حیب بانک لمیتد پاکستان» بزرگترین بانک در پاکستان است؛ بیش از ۱۴۵۰ شعبه در داخل پاکستان و ۵۵ شعبه در سراسر جهان دارد و بیش از ۴۰ درصد در بازار داخلی پاکستان سهم دارد. (Wikipedia)

۲- نشنل بانک پاکستان: این بانک که یکی از بانک های بزرگ تجاری پاکستان است، در سال ۱۳۸۲خ (۷ اکتبر ۲۰۰۳) شعبه نمایندگی خود را در افغانستان باز کرده است و دارای بیش از ۱۲۵۰ شعبه در پاکستان است و دفاتر نمایندگی در کشورهای مختلف جهان نیز دارد. (www.nbp.com.pk)

۳- استاندارد چارترد بانک: این بانک تجاری خارجی که از بانک بین المللی «استاندارد چارتر بانک» انگلستان نمایندگی می کند، در سال ۱۳۸۲خ (۲۰ ژانویه ۲۰۰۴م) در کابل آغاز به کار نموده است.

«استاندارد چارتر بانک» با سرمایه ۱۴۵۰ میلیارد دلار و ۳۰ هزار کارمند در ۵۵ کشور جهان مشغول فعالیت است. (www.pajhwok.com)

۴- فرست مایکرو فاینانس بانک: «فرست مایکرو فاینانس بانک» که به معنای «اولین بانک قرضه های کوچک» می باشد،

افغانستان است که فعالیت خود را در سال ۱۳۸۷خ (ماه مارس ۲۰۰۹م) با ارائه خدمات بانکداری سنتی و اسلامی در کابل آغاز کرد و شعبه هایی هم در شهرهای مهم و کلیدی مانند مزار شریف، حیرتان، قندوز، تخار، جلال آباد و هرات دارد. (www.ghazanfarbank.com)

۶- میوند بانک: «میوند بانک» یکی از بانک های تجاری خصوصی در افغانستان است که در ۱۱ جدی ۱۳۸۷خ (۱ ژانویه ۲۰۰۹م) با سرمایه ۱۵ میلیون دالر شروع به کار کرده است. این بانک دارای ۳۷ شعبه در داخل افغانستان است. (www.maiwandbank.com)

۷- باختر بانک: «باختر بانک» یک بانک تجاری خصوصی است که در سال ۱۳۸۸خ (۲۱ ژوئن ۲۰۰۹م) تأسیس شده است. «عزیزی بانک» با خریدن «بانک توسعه افغانستان» که در حال ورشکستگی بود، از «دافغانستان بانک» در سال ۱۳۸۷خ (۸ مارس ۲۰۰۹م) عملیات بانکی را با بانک جدید به نام «باختر بانک» با داشتن ۱۹ شعبه، شروع کرد. (www.bankhtarbank.com)

د- بانک های تجاری خارجی در افغانستان

۱- حیب بانک لمیتد: این بانک تجاری که شعبه نمایندگی «حیب بانک لمیتد پاکستان» است، مجوز بانکداری در افغانستان را در سال ۱۳۸۲خ (۲۰۰۳م) از «دافغانستان بانک» دریافت و در ۱۸ فوریه ۲۰۰۴ آغاز به کار کرده است.



از طرف مؤسسه «نماینده‌گی آغاخان برای قرضه‌های کوچک» است. این مؤسسه در افغانستان و پاکستان فعالیت می‌کند و متعلق به «شبکه توسعه آقاخان» است. دفتر مرکزی «شبکه توسعه آقاخان» در شهر ژنو سوئیس قرار دارد.

شعبه نمایندگی این بانک در افغانستان در سال ۱۳۸۲خ (۱۸ مارچ ۲۰۰۴) آغاز به کار کرده‌است. این بانک به افغان‌های فقیر و کم‌درآمد برای نیازهای مسکن و بهبود شرایط زندگی آنها قرضه‌های کوچک می‌دهد. (Wikipedia)

۵- آراین بانک: «آراین بانک» یک بانک مستقل تجاری است که با سرمایه‌گذاری مشترک و برابر بانک‌های ملی و صادرات ایران در سال ۱۳۸۳خ (۲۰۰۴م) در افغانستان تأسیس شده است. (www.iraneconomics.net)

بانک ملی ایران در سال ۱۳۰۷خ با سرمایه اولیه ۲۰ میلیون ریال در تهران تأسیس شد. اکنون، بانک ملی ایران، با داشتن بیش از ۳۲۷۶ شعبه در داخل ایران و ۱۶ شعبه در خارج ایران و ۴۵ هزار نفر کارمند، بزرگ‌ترین بانک جهان اسلام است. (www.bmi.ir)

بانک صادرات ایران در سال ۱۳۳۱خ با سرمایه ۲۰ میلیون ریال در تهران افتتاح شد. هم‌اکنون بانک صادرات ایران ۳۳۰۰ شعبه فعال در ایران، ۴ بانک مستقل و ۲۲ شعبه در خارج از ایران و مبلغ ۲۰۱۶۳ میلیارد ریال سرمایه دارد. (www.bsi.ir)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از اول فروردین‌ماه ۱۳۶۳ «قانون بانکداری بدون ربا» در تمام بانک‌های ایران از جمله بانک‌های ملی و صادرات ایران مورد اجرا گذاشته شد.

۶- پنجاب نشنل بانک: این بانک نماینده «پنجاب نشنل بانک» قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین بانک هندوستان می‌باشد. جواز فعالیت این بانک در تاریخ ۲۲ ثور ۱۳۸۳خ (۱۱ می ۲۰۰۳م) از بانک مرکزی افغانستان گرفته شده است. (www.cphd.af)

۷- بانک الفلاح: «بانک الفلاح المحدود» اولین بانک تجاری خصوصی اسلامی در افغانستان است که خدمات بانکداری را مطابق با شرایط اسلامی انجام می‌دهد. این بانک با سرمایه‌گذاری مشترک دو کشور امارات متحده عربی و پاکستان در سال ۱۳۸۴خ (۴ سپتامبر ۲۰۰۵م) در کابل افتتاح شده است. در این بانک ۷۵ درصد کشور امارات متحده عربی و ۲۵ درصد کشور پاکستان سهم دارند.

این بانک در کشورهای پاکستان، عربستان سعودی، قطر، مالیزی، بحرین و بعضی از کشورهای اروپایی نیز خدمات بانکی انجام می‌دهد. مرکز اصلی آن در کراچی پاکستان با بیش از ۳ میلیارد دلار آمریکایی سرمایه فعالیت دارد. (www.pajhwok.com)

۸- برک بانک: «برک بانک» یک بانک تجاری خصوصی مربوط به کشور بنگلادیش است که در تاریخ ۶ میزان

۱۳۸۵خ (۲۸ سپتامبر ۲۰۰۶م) با سرمایه ابتدایی پنج میلیون دلار آمریکایی جواز فعالیت را از بانک مرکزی افغانستان گرفته‌است.

«برک بانک» یک شاخه از مؤسسه بزرگ بین‌المللی غیر دولتی «برک» از کشور بنگلادیش است که در کشورهای مختلف مشغول فعالیت می‌باشد و قرضه‌های کوچک صد تا هزار و پانصد دلاری برای کارآفرینان کوچک و متوسط پرداخت می‌کند. (www.pajhwok.com)

نتیجه

بانکداری که از قرن هفدهم میلادی در کشورهای مختلف گسترش یافته‌است، کمک‌های قابل توجهی به توسعه صنعت آن کشورها کرده‌است. امروزه، بانکداری یکی از بااهمیت‌ترین بخش‌های اقتصادی به شمار می‌آید. بانک‌ها با سازماندهی و هدایت دریافت‌ها و پرداخت‌ها، امر مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده و موجب گسترش بازارها و رشد و شکوفایی اقتصادی می‌گردند.

در حال حاضر در افغانستان، غیر از بانک مرکزی «د افغانستان بانک»، هفده بانک تجاری داخلی و خارجی مشغول فعالیت هستند که در میان آنها دو بانک دولتی، هفت بانک خصوصی داخلی و هشت بانک خارجی وجود دارند. بیشتر این بانک‌ها تنها در کابل و شهرهای مهم کشور فعالیت دارند و به دلایل مختلف، از جمله نبودن امنیت، در همه شهرها و ولسوالی‌ها شعبه ندارند.

دولت باید برای ایجاد امنیت و جلب اعتماد سپرده‌گذاران به نظام بانکی کشور تلاش کند، تا بانک‌ها نبض اقتصاد کشور را در دست بگیرند و یک بستر مالی مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی کشور فراهم شود.

منابع

- ۱- بهمند، محمد و بهمنی، محمود؛ بانکداری داخلی؛ مؤسسه عالی بانکداری ایران، تهران؛ ۱۳۸۶ش.
- ۲- فرجی، یوسف؛ پول، ارز و بانکداری؛ شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران؛ چ دهم، آبان ۱۳۸۶ش.
- ۳- موسویان، عباس؛ بانکداری اسلامی؛ پژوهشکده پولی و بانکی، تهران؛ چ سوم، پاییز ۱۳۸۱ش.
- ۴- آژانس خبری پژواک: www.pajhwok.com
- ۵- سایت‌های بانک‌های افغانستان و بانک‌های ملی و صادرات ایران.
- ۶- سایت دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا: Wikipedia
- ۷- سایت دانشنامه اقتصاد و مدیریت: www.daneshnamah.com
- ۸- وبلاگ معلومات اقتصادی: hameedhallim.blogfa.com

اقتصاد اسلامی

از دیدگاه شهید سید محمد باقر صدر

محمد رحیمی، رئیس دانشکده علوم سیاسی

اقتصاد در مفهوم جدید به معنای تخصیص بهینه منابع کمیاب با هدف تامین نیازهای انسان تعریف شده و یکی از دانشهای کاربردی و مورد نیاز جامعه انسانی است. در این دانش بر نقش تعادل عرضه و تقاضا تاکید شده و آن راهی برای توسعه متوازن دانسته است. برای ایجاد تعادل میان قانون عرضه و تقاضا گرایشها و مکاتب مختلفی شکل گرفته و هر کدام راهی را برگزیده اند. لیبرالها بر اقتصاد باز و دولت حد اقلی تاکید می کنند و معتقدند که خود قانون عرضه و تقاضا می تواند زمینه های تعادل و در نهایت توسعه متوازن را ایجاد نماید. کمونیست ها و سوسیالیست ها بر اقتصاد بسته و دولت حد اکثری تاکید نموده و معتقدند که تنها نظارت حد اکثری دولت می تواند این تعادل را در بازار ایجاد نموده و زمینه های توسعه متوازن را فراهم سازد. کمونیست ها با سوسیالیست ها در دو نکته تفاوت قابل ملاحظه ای دارند: یکی این که سوسیالیست ها برای رسیدن به قدرت از روش های قانونی و شرکت در انتخابات استفاده می کنند اما کمونیست ها معتقدند که باید از راه مبارزات مسلحانه به قدرت رسید. و دیگری این که سوسیالیست ها طرفدار انتقال بخشی از فعالیت های اقتصادی از بخش خصوصی به بخش دولتی است در حال که کمونیست ها معتقدند که باید تمام فعالیت های اقتصادی دولتی شود. اسلام به عنوان یک دین متعادل و میانه در تمام ابعاد زندگی انسانی موضع میانه داشته و در زمینه فعالیت ها و مباحث اقتصادی نیز راه میانه را برگزیده و روش خاصی را برای زندگی اقتصادی انسان تعریف و پیشنهاد می کند. شهید صدر برای تبیین دیدگاه اسلام کتاب گران سنگ اقتصادنا را نوشت که امروزه یکی از منابع مهم اسلامی در حوزه اقتصاد اسلامی است. اقتصادنا از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول و دوم به نقد نظام سرمایه داری و سوسیالیسم می پردازد و بخش سوم که مهمترین بخش این کتاب است، به اقتصاد اسلامی می پردازد. شاهکار شهید صدر، در همین بخش از کتاب تجلی یافته است. در این بخش که مورد نظر ما در این گزارش است، مباحث مختلفی گنجانده شده است: در مقدمه این بخش که با عنوان "نشانه های کلان و اساسی اقتصاد اسلامی" نام گرفته، تأملاتی روش شناختی آمده است و پس از آن، بخش عمده ای به نظریه توزیع پیش از تولید و نظریه توزیع پس از تولید، اختصاص داده شده و پس از آن به نظریه تولید و سپس به مسئولیت دولت در نظام اقتصادی اسلامی پرداخته شده است. این نوشتار در صدد تبیین موضع اسلام نسبت به فعالیت های اقتصادی بوده و می کوشد اقتصاد اسلامی را از منظر شهید صدر مورد ارزیابی قرار بدهد. از این رو، در بخش اول رابطه دین و اقتصاد؛ در بخش دوم اصول اقتصاد اسلامی؛ در بخش سوم بیان اقتصاد اسلامی و در بخش چهارم سیستم توزیع و عوامل تولید در اقتصاد اسلامی مورد کاوش قرار می گیرد.

واژه های کلیدی: دین، اقتصاد، اقتصاد اسلامی، سیستم توزیع و عوامل تولید

پیرم ننگ

پوهنتون
خاتم النبیین (ص)
شعبه غزنی



بخش اول دین و اقتصاد

یکی از مباحث جنجالی در میان دانشمندان اصالت فرد و جامعه یا تقدم آن بوده است. همواره این بحث مطرح بوده که آیا باید مصالح فردی را فدای مصالح جمعی نمود یا برعکس؟ دیدگاههای ماقبل مدرن عمدتاً اولی و در عصر مدرن دومی را برگزیده اند.

از دیدگاه شهید صدر، کاری که دین می کند، این است که نزاع میان فرد و جامعه را حل می کند، (زیرا دین قدرتی معنوی است که می تواند چشم پوشی انسان را از لذایذ موقت دنیوی جبران کند و او را به فداکاری در راه اهداف متعالی تشویق کند و از سود و زیان مفهومی فراتر از محاسبات تجاری اش در اندیشه انسان خلق کند).

شهید صدر معتقد است که اقتصاد اسلامی، بر عکس اقتصاد مارکسیستی که مدعی علمیت است، علم نیست. (اقتصاد اسلامی از این حیث شبیه مکتب اقتصادی سرمایه داری است که کارش تغییر واقعیت است و نه تفسیر آن، زیرا وظیفه مکتب اقتصادی اسلام کشف سیمای کامل حیات اقتصادی بر اساس شریعت اسلام و مطالعه ای افکار و مفاهیمی است که از پس این سیما پرتو افشانی می کنند). شهید صدر معتقد است که اقتصاد اسلامی ادعای علمی بودن ندارد، بلکه از اهداف اجتماعی آغاز می شود و سپس واقعیت اقتصادی را با آن در می آمیزد. وی توضیح می دهد که اسلام بر خلاف مارکسیسم رابطه ای میان تحولات شیوه های تولید و تحولات در روابط اجتماعی و روابط تولید نمی بیند. بر این اساس اگر شیوه های تولید دچار تحول از کمون اولی به برده داری و از برده داری به فئودالی و از فئودالی به سرمایه داری و در نهایت کمون ثانوی شد، لاجرم منجر به تغییر در ساحت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نخواهد شد.

از نظر شهید صدر بین نظام اقتصادی و مذهب اقتصادی تفاوت اساسی وجود دارد. مذهب اقتصادی روشی است که جامعه از آن روش، در حیات اقتصادی و حل مشکلات آن تبعیت می کند. و هر نظریه اساسی در زندگی اقتصادی را که در باره اندیشه عدالت اجتماعی است در بر می گیرد. اما نظام روابط اقتصادی بر اساس اصول ثابت مذهب اقتصادی مورد توجه است. در نگاه اسلامی اقتصاد مجموعه ای از مباحث مکتب اقتصادی، نظام اقتصادی و علم اقتصاد است که با روش خاص خود و با توجه به فرهنگ، بینش و ارزش های اسلامی تنظیم گردیده است. برخی از اندیشمندان دیگر نیز میان مذهب اقتصادی و نظام اقتصادی اسلام تفاوت قایل بوده و معتقد است: مذهب اقتصادی شامل مبادی، قواعد و اصول عامه ای است که در قرآن کریم و سنت نبوی وارد شده اند و برای

همه زمان ها و مکان ها صلاحیت دارند و ثابت تغییر ناپذیرند. اما نظام اقتصادی مجموعه عملیات، تطبیقات و تنفیذاتی است که با حفظ اصول مذهب و متناسب با هر عصر و زمان توسط جامعه پذیرفته می شود.

بخش دوم اصول اقتصاد اسلامی

شهید صدر بر آن است که مشکل اصلی اقتصاد سرمایه داری، کمیابی منابع طبیعی در برابر مقتضیات و نیازهای مدنیت جدید و در اقتصاد سوسیالیستی، تضاد میان روش تولید و روابط توزیع است. از دیدگاه شهید صدر، مخالفت اسلام در اینجا با سرمایه داری از آن رو است که معتقد است در طبیعت، منابع و ثروت های فراوانی برای بشریت فراهم است و از این جهت با کمبود منابع طبیعی روبرو نیست؛ و مخالفتش با سوسیالیسم از آن رو است که مشکل را نه در شیوه های تولید، بلکه در خود انسان می بیند. یعنی مشکل در متدین بودن انسان به ارزش های دینی است. زیرا کاری که دین می کند، این است که نزاع میان فرد و جامعه را حل می کند، (زیرا دین قدرتی معنوی است که می تواند چشم پوشی انسان را از لذایذ موقت دنیوی جبران کند و او را به فداکاری در راه اهداف متعالی تشویق کند و از سود و زیان مفهومی فراتر از محاسبات تجاری اش در اندیشه انسان خلق کند). زمان که انسان تربیت شده وارد عرصه های اقتصادی شود، شیوه های تولید نیز اصلاح خواهد شد. برخی معتقدند که مهمترین نقد اقتصاد سوسیالیستی سیاسی بودن آن است: در اقتصاد های برنامه ریزی شده متمرکز، تصمیم گیری های اقتصادی با توجه به انگیزه های سیاسی انجام می شود و انتخاب های اقتصادی مردم محدود می شود. بعد از نقد دو نظام سرمایه داری و سوسیالیستی اقدام به تبیین اصول اقتصاد اسلامی می کند، سه اصل اساسی را برای نظام اقتصادی اسلام بر می شمرد: مالکیت دوگانه، آزادی اقتصادی محدود و عدالت اجتماعی.

شهید صدر معتقد است که اختلاف اساسی میان اسلام و نظام سرمایه داری و سوسیالیسم، در ماهیت مالکیت مورد پذیرش هر یک از این نظام ها نهفته است، زیرا جامعه و نظام سرمایه داری به شکل خاص فردی از مالکیت باور دارد و مالکیت عمومی را جز در موارد ضرورت اجتماعی به رسمیت نمی شناسد و جامعه ی سوسیالیستی درست به عکس این است؛ اما جامعه اسلامی با هر دو نظام تفاوت دارد، زیرا (اشکال مختلف مالکیت را در آن واحد به رسمیت می شناسد و به جای اصل تک شکی مالکیت که سرمایه داری و سوسیالیسم پذیرفته اند، اصل مالکیت دو گانه یا مالکیت دارای اشکال متنوع را پذیرفته است. اشکال مختلف مالکیت بر سه گونه



اصل فرعی "تکافل عمومی" و "توازن اجتماعی" منقسم می‌شود.

بخش سوم بیان اقتصاد اسلامی
 رویکرد اساسی "اقتصادنا" بر توزیع و شیوه‌هایی استوار است که اسلام از طریق آن توانایی تنظیم توزیع را برای رساندن ثروت اقتصادی به حد اعلای آن داراست؛ که راه آن بهره‌گیری انسان از منابع و ثروت‌های طبیعی است، چنان که گفته آمد، بخش اصلی کتاب به دو بخش (توزیع پیش از تولید) و (توزیع پس از تولید) اختصاص داده شده است.
 دستگاه توزیع در اسلام، از دو ابزار اصلی تشکیل شده است: کار و نیاز. از دیدگاه شهید صدر اسلام تنها کار

است: مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی.

در باب آزادی محدود اقتصادی، شهید محمد باقر صدر معتقد است که دو قید، مانع مطلقیت مالکیت خصوصی در اسلام می‌شود. قید نخست شخصی و درونی است و بر گرفته از ارزش‌های اخلاقی مشارکت در ثروت، آنگونه که اسلام آموخته است. این ارزش‌ها که از حیظه‌ی حکم و جبر حکومت خارج‌اند، قابل سنجش نیستند و صرفاً ابزاری هستند که دین به فرد بخشیده است؛ اما قید دوم که قیدی عینی و واقعی است و در قانون به دقت مشخص شده است، در دو سطح کاربرد دارد: در سطح اعلا (منابع کلی شریعت اسلام، مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، مانند ربا و احتکار و مانند آن باز داشته است) و در سطح دیگر (اصل اشراف ولی امر را بر فعالیت‌های عمومی و اصل دخالت دولت را برای حفظ منافع عمومی و آزادی‌های عمومی مقرر داشته است). در باب عدالت اجتماعی، شهید صدر به خطر کلی گویی‌ها و تعمیم‌های بی‌فایده در باب رابطه‌ی اسلام با عدالت اجتماعی توجه می‌دهد و به اجمال متذکر می‌شود که مفهوم عدالت اجتماعی به دو



را موجب مالکیت کارگر به نتیجه‌ی عمل خویش می‌داند و این مالکیت خصوصی مبتنی بر کار، گویای میل طبیعی انسان به تملک نتایج کار خویش است و قاعده‌ای اسلامی که شهید صدر استخراج می‌کند، این است که کار موجب مالکیت کارگر بر ماده و نه سبب ارزش آن است، بنابراین کارگر، زمانی که لؤلؤ را استخراج می‌کند تنها با این کارش، مالک آن می‌شود و با این کار، به آن ارزش نمی‌بخشد.

شهید صدر، عناصر سه‌گانه‌ی شکل‌دهنده‌ی دستگاه توزیع در اسلام را چنین خلاصه می‌کند: کار به عنوان اساس مالکیت، ابزاری اصلی برای توزیع است؛ بنابراین کسی که در عرصه‌ی طبیعت کار می‌کند، ثمره‌ی کارش را خود می‌چیند و مالک آن می‌شود.

نیاز به عنوان تعبیری از حق انسانی ثابت در زندگی شرافتمندانه، ابزاری اساسی برای توزیع است و به این ترتیب، توزیع متکفل رفع نیازهای جامعه‌ی اسلامی است.

مالکیت، از طریق فعالیت‌هایی تجاری که اسلام در ضمن شرایط خاصی که تعارضی با اصول اسلامی عدالت اجتماعی نداشته باشد، اجازه‌ی آن را داده است، ابزار ثانوی توزیع است. شهید صدر در بحث توزیع، مشکل اساسی اجتماعی را ستم می‌داند.

شهید صدر دو مفهوم "مکتب" و "علم" را از هم تفکیک می‌کند. مکتب، راهی است که یک جامعه در تکامل اقتصادی و درمان مشکلات عملی‌اش می‌پیماید و علم، زندگی اقتصادی و روابط موجود میان حقایق اقتصادی و عوامل از پیش تعیین شده را شرح

می‌دهد. پس از این تفکیک محوری، شهید صدر چهار فرضیه را مطرح می‌کند:

۱ اینکه اقتصاد اسلامی، مکتب است؛ نه علم. مکتبی است که راهی را که پیروانش باید در اقتصاد پیمایند، تبیین می‌کند. ۲ اقتصاد اسلامی بر مبنای ایده‌ی عدالت استوار است و از آن رو که مفهوم عدالت هم به جهان علم منتسب نیست، پس شگفت نیست که اقتصاد اسلامی علم نباشد، زیرا جوهر عدالت، ارزیابی و ارزش‌گذاری اخلاقی است؛ از این رو شهید صدر در پایان این بخش می‌گوید: بنابراین مالکیت خصوصی یا آزادی اقتصادی یا حذف بهره و ملی کردن ابزارهای تولید... همگی در دایره مکتب می‌گنجد، زیرا با ایده‌ی عدالت ارتباط دارند؛ اما اموری مانند قانون عرضه و تقاضا و قانون آهنین مزدها... از قوانین علمی‌اند.

۳ فرضیه‌ی سوم این است که شریعت اسلام، راه نخست اکتشاف اقتصاد اسلامی است.

۴ فرضیه‌ی چهارم آن است که اقتصاد اسلامی بر اکتشاف استوار است؛ نه تکوین. از این رو عالم اسلامی از آزادی کمتری نسبت به دیگران برخوردار است؛ و گزینه‌های فرا روی او به حیطه‌ی قوانین اسلامی محدود است که بر اقتصاد حاکم است.

بخش چهارم سیستم توزیع و عوامل تولید

توزیع پیش از تولید، دارای چهار عامل است که می‌توان آنها را منابع طبیعی تولید نامید: زمین، مواد خام که غالب آنها معادن است، آبها و دیگر منابع طبیعی (دریا، مروارید و...).

عامل اول زمین: شهید صدر بحث مفصلی پیرامون تحلیل حقوق مربوط به اراضی در این بخش آمده است. نخست بحث تحدید تاریخی زمین و شیوه درآمدن یک قطعه زمین مشخص در قلمرو حکومت اسلامی آمده است. مالکیت زمین در عراق، متفاوت از مالکیت زمین در اندونزی است، زیرا عراق و اندونزی در شیوه انضمام به دارالاسلام متفاوت‌اند. می‌توان سه نوع از زمین‌ها را به لحاظ تاریخی از هم تمیز داد: ۱ زمینی که با فتح در قلمرو اسلام قرار گرفته است، مانند عراق، مصر، سوریه و ایران و بخش‌های بزرگی از جهان اسلام. ۲ سرزمینی که با دعوت تحت قلمرو اسلام قرار گرفته است. ۳ سرزمین صلح.

درباره زمین‌هایی که در زمان فتح، آباد بوده است، شهید صدر می‌گوید: فقهای شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که زمینی که هنگام فتح به دست انسان‌ها، آباد و مزروعی بوده است، ملک همه‌ی مسلمانان است؛ از این رو مالکیت خصوصی در این مناطق ممنوع است و مالکیت عمومی بر این اراضی لوازمی دارد؛ از جمله اینکه تابع قوانین وراثت نیست و این

زمین‌ها قابل خرید و فروش و معاوضه نیست و ولی امر مسئول شکوفایی این اراضی و وضع مالیات بر مستأجران آن است و "خراج" هم ملک عمومی است و با پایان زمان اجاره، رابطه‌ی میان مستأجر و زمین قطع می‌شود؛ اما اراضی‌ای که در زمان فتح، متروک (میته) بوده است، تحت مالکیت دولت است و آن هم مانند نوع اول غیر قابل خرید و فروش است؛ اما اراضی‌ای که به طور طبیعی آباد بوده است؛ مانند جنگل‌ها نیز ملک دولت است؛ اما جنگل‌ها و اراضی آباد طبیعی که ازدست کفار گرفته می‌شود، ملک عمومی است.

اراضی‌ای که بر اثر دعوت جزء قلمرو اسلام می‌شود، مانند اراضی مدینه و اندونزی، تنها بخشی از آن که پیش از اسلام به دست انسان‌ها آباد بوده، همچنان به حال خود می‌ماند و مالکیت خصوصی آن مطلق است و گرفتن مالیات از آنها حرام است؛ اما زمین‌های غیر آباد (میته) یا زمین‌های آباد طبیعی در مالکیت دولت است.

وضع قانونی اراضی صلح نیز بدین شکل است: بخشی که به وسیله انسان‌ها آباد بوده است، بر اساس توافقی که به موجب آن ساکنان این منطقه بخشی از جهان اسلام می‌شوند، اداره می‌شود؛ اما اراضی غیر آباد و نیز آباد طبیعی، در صورتی که توافقی نسبت به آن تصمیمی نگرفته باشد، بخشی از دارایی‌های دولت خواهد بود.

تداوم بهره‌برداری و نظریه‌ی مالکیت زمین

با صرف نظر از ماهیت، هر گروه معینی که قطعه‌ی زمینی را تحت تملک خود در آورند، خود آن زمین شرایطی اساسی دارد که بر مالک ایجاب می‌کند، بهره‌برداری از زمین را به شکل پیوسته تداوم دهد و اگر زمینی وانهاده شود و در آن کشت و زرع نشود، مالک سلطه قانونی‌اش را بر آن از دست خواهد داد. در صورت مرگ انسانی که بر روی زمینی کار می‌کرده، قوانین ارث، در ضمن آنچه از او به جهاتی مانده، برای زمین او نیز مقرر شده و وارثان او می‌توانند، در صورتی که بهره‌برداری از آن زمین را به تعطیلی نکشاند، وارث زمین او شوند و اگر بهره‌برداری از آن را تعطیل کنند، به سبب سستی و اهمال کاری ایشان، آن زمین به ملکیت عمومی در می‌آید.

مفهوم کار و نیز مفهوم احیا در نظریه عام مالکیت بر زمین، جایگاه محوری دارند: به این ترتیب، می‌دانیم که مالکیت خصوصی زمین - حقی یا ملکی - محدود به این است که فرد، وظیفه اجتماعی‌اش را در "آباد ساختن" زمین انجام دهد؛ ولی اگر آن را به حال خود رها کرد و از آبادانی آن سر باز زد و آن را به ویرانه تبدیل کرد، رابطه‌اش با آن زمین از بین می‌رود و زمین از قید مالکیت او آزاد می‌شود.

عامل دوم مواد خام: از عوامل ثروتی که براساس نظام اقتصادی پیشنهادی صدر در مرحله پیش از تولید، توزیع می‌شود، مواد خام یا معادن است. در پاسخ به این پرسش که آیا مالکیت بر معادن نیز تابع مالکیت بر زمین است یا خیر؟ پاسخ محمد باقر صدر منفی است، زیرا وجود معادن "در زمین فردی معین، به لحاظ فقهی به تنهایی سبب مالکیت او بر آن معدن نمی‌شود."

شهید صدر نیز مانند فقهای قدیم مانند حلی، شافعی و ماوردی، معادن را به معادن ظاهری (آشکار) و باطنی (درونی) تقسیم می‌کند و معدن نمک و کبریت را از معادن آشکار و طلا، نقره و آهن را از معادن درونی می‌شمارد. معادن آشکار در مالکیت عموم است: "این معادن میان مردم مشترک است و اسلام آن را به هیچ کس اختصاص نداده است؛ از این رو بهره‌برداری از آن تنها حق دولت یا نماینده دولت است." نهایت اینکه هر کس می‌تواند، به اندازه نیاز شخصی‌اش از معادن آشکار استفاده کند.

معادن درونی هم به دو گونه تقسیم می‌شود: معادن درونی نزدیک به سطح زمین که چنان که شهید صدر می‌گوید: "فقط اجازه‌ی مالکیت خصوصی معدن را نداده‌اند و تنها اجازه داده‌اند که فرد به اندازه‌ی نیازش از این گونه معادن استفاده کند؛" اما حکم معادن نهفته در دل زمین، محل مناقشه فقها است؛ برخی مانند کلینی، قمی و مفید آن را انفال و ملک دولت دانسته‌اند؛ در حالی که گروهی دیگر، مانند شافعی آن را ملک عمومی دانسته‌اند که همه‌ی مردم در آن شریک‌اند. عامل سوم و چهارم؛ آبها و دیگر





منابع طبیعی آن‌ها نیز دو گونه‌اند: آب‌های سطحی و آب‌های درونی اعماق زمین. آب‌های آشکار و به تعبیر شهید صدر "منابع مکشوف و آشکار" ملک عمومی است که هر کس به اندازه‌ی تلاشی که به خرج می‌دهد، از آن بر می‌گیرد و آب‌های اعماق زمین نیز که در دسترس همگان قرار ندارد، هر کس به اندازه‌ی که نیاز دارد، می‌تواند استخراج کند و از آن برگیرد.

منابع دیگر طبیعی، از مباحث عمومی است که هر کس با تلاش خود می‌تواند مالک چیزی شود که به دست آورده است؛ مثلاً اگر پرنده‌ای داخل زمین کسی شود، موجب حق مالکیت مالک زمین بر آن پرنده نمی‌شود، بلکه گرفتن پرنده موجب حق مالکیت است.

از مسائل دقیق و حساسی که شهید صدر در بحث معادن به آن پرداخته و آن را حل کرده است، مسئله‌ی نفت است. با اینکه نفت از منابع و معادن آشکار و سطحی است، از دید شهید صدر، نفت در مالکیت عمومی است و از این رو، بخش خصوصی حق بهره‌برداری از آن را ندارد.

تولید و نقش دولت

شهید صدر در دو فصل آخر کتاب، بر نقش دولت در نظام اقتصادی، به عنوان نیروی اساسی ثروت تولیدی و اهداف توزیع تأکید می‌کند. اهمیت نقش دولت در اندیشه شهید صدر از آن روست که راه انداختن پروژه‌ی بزرگ اقتصادی بدون دولت میسر نیست و این پروژه‌های بزرگ نیز نیازمند انباشت سرمایه است که بی‌دولت ممکن نیست، زیرا اسلام ثروت اندوزی کلان را منع کرده است و دولت باید برای اطمینان‌یابی از جریان درست تولید و توزیع منصفانه منابع طبیعی، در اقتصاد دخالت کند.

دولت نقش مهمی در اقتصاد "نظریه شهید صدر" دارد. حیطه‌ی اصلی دخالت دولت، منطقه‌الفراغ است که نویسنده در قسمت‌های آغازی کتابش آن را به تفصیل شرح داده است. در این منطقه خلا، حاکم به دلیل اینکه ولی امر است، به اقدامات اقتصادی دست می‌زند تا "تأمین اجتماعی" و "توازن اجتماعی" را تحقق بخشد. هدف و فلسفه‌ی دخالت دولت، چنان که از کتاب اقتصادنا بر می‌آید، تضمین از بین بردن تفاوت‌ها و فاصله‌های عمیق اجتماعی است. دخالت دولت موجب می‌شود تا تضادها و فاصله‌های اجتماعی به اندازه‌ای شدید نشود که موجب انحصار ثروت در دست اغنیا شود.

منطقه‌الفراغ باید چنان منعطف باشد که اسلام، فرصت پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی و حل مشکلات اقتصادی را در همه‌ی عصرها داشته باشد.

نتیجه

با این که اسلام در تمامی عرصه‌ها و از جمله اقتصاد توان پاسخگویی دارد؛ اما در طول تاریخ دیدگاه‌های اقتصادی اسلام آنگونه که باید تبیین نشده و فعالیت‌های اقتصادی کشورهای اسلامی همواره تحت تاثیر اندیشه‌های لیبرالی یا سوسیالیستی بوده است. شهید صدر یکی از متفکران دوره معاصر اسلامی است که توانسته گامی مهمی را در این حوزه برداشته و دیدگاه‌های اسلامی را در مسایل اقتصادی بشکافد. وی معتقد است که اختلاف اساسی میان اسلام و نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم، در ماهیت مالکیت مورد پذیرش هر یک از این نظام‌ها نهفته است، زیرا جامعه و نظام سرمایه‌داری به شکل خاص فردی از مالکیت باور دارد و مالکیت عمومی را جز در موارد ضرورت اجتماعی به رسمیت نمی‌شناسد و جامعه‌ی سوسیالیستی درست به عکس این است؛ اما جامعه اسلامی با هر دو نظام تفاوت دارد، زیرا (اشکال مختلف مالکیت را در آن واحد به رسمیت می‌شناسد و به جای اصل تک مالکیت که سرمایه‌داری و سوسیالیسم پذیرفته‌اند، اصل مالکیت دو گانه یا مالکیت دارای اشکال متنوع را پذیرفته است. اشکال مختلف مالکیت بر سه گونه است: مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی. شهید صدر مباحث مهمی اقتصادی را در کتاب گرانسنگ اقتصادنا مطرح کرده که در این نوشتار به نکاتی مانند: رابطه دین و اقتصاد، اصول اقتصاد اسلامی؛ بیان اقتصاد اسلامی و سیستم توزیع و عوامل تولید در اقتصاد اسلامی که شهید صدر مورد بحث قرار داده مورد کاوش قرار گرفته است. دانشجویان علاقه‌مند به مباحث اقتصاد اسلامی می‌توانند که یکبار کتاب اقتصادنا شهید صدر را بخوانند تا دیدگاه‌های اسلامی در مورد مسایل اقتصادی را در یابند.

منابع

۱. محمدباقر، صدر، اقتصادنا، ص ۴۴.
۲. محمد مهدی، کرمی، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۰، ص ۱۷.
۳. سعاد ابراهیم، صالح، مبادئ النظام الاقتصادي الاسلامی و بعض تطبیقاته، قاهره، مصر لخدمات النشر، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۱۹۹۵، ص ۲۷.
۴. محمدجواد، نوراحمدی، اقتصاد دینی از منظر اندیشمندان مسلمان و مسیحی، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹، ص ۹۵.

مقاله‌های دانشجویان

- ۳۶ تحریم ربا در اسلام / ریحانه نبی‌زاده
- ۴۲ آیات تحریم ربا / شفیق‌الله اریب
- ۵۴ موارد استثنا حرمت ربا / فرزانه صفری
- ۵۹ بررسی تطبیقی تحریم ربا در اسلام و مسیحیت / فاطمه پاینده احمدی
- ۶۵ بررسی تاریخچه صنعت در افغانستان / میرزا حسین نیکزاد و نورالله خالقیار
- ۷۳ بررسی زراعت و تاثیر آن بالای اقتصاد افغانستان / عنایت‌الله محمدی و علم‌گل حسینی



تحریم ربا در اسلام

ریحانه نبی زاده - محصل سال چهارم دانشکده اقتصاد و مدیریت

چکیده

در منابع اصلی اسلامی (قرآن و سنت)، مکرراً مسئله ربا مورد توجه قرار گرفته است و احکام آن به طور صریح بیان شده است. دست کم هفت آیه قرآن موضوع تحریم ربا را ثابت می کند که به آن اشاره خواهد شد. ربا از جمله حرام هایی است که خداوند شدید ترین تعابیر (جنگ با خدا و رسول او.....) را در قرآن کریم متذکر شده است در حالی که در جهان امروز مسائل مربوط به این پدیده ی شوم در مسائل اقتصادی و کسب و کار مردم همگانی شده است.

واژه های کلیدی: حرمت، ربا، اسلام، قرآن و سنت، دیدگاه اقتصادی

بیت

سال چهارم
شماره دهم
خزان ۱۳۹۴



از نخستین روزهای که انسان به ضرورت مبادله پی برد، در پی ابزاری بود تا امر مبادلات را بر او آسان کند پول - ابزار تسهیل مبادلات - دارای نقش مؤثری در زندگی اقتصادی انسان بوده است بتدریج با پیشرفت انسان در ابعاد گوناگون اقتصادی، این پدیده نیز دچار تحولات فراوانی شده است و امروزه یکی از متغیرهای اساسی در اقتصاد کشور به شمار می رود.

سوال اصلی در این نوشتار این است که چرا ربا در اسلام تحریم شده است؟ پاسخ به این مسئله از دیدگاه اسلام این است که ربا پدیده‌ی زشتی است که باعث ایجاد مشکلات در مسائل مالی و اقتصادی انسان‌ها می شود. این فرضیه در فرایند تحقیق مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

افزون بر آئین اسلام ادیان دیگر مثل «مسیحیت، یهود، هندو» نیز ربا را منع می کنند. در آیین مسیحیت، ممنوعیت یا حرمت ربا تا ۱۴۰۰ سال پس از میلاد مسیح نیز تداوم داشته است، به طوری که دریافت هرگونه بهره ممنوع بود. در اسلام هر چند تبعیت و پیروی از احکام به فرد واگذار شده است اما جامعه اسلامی و بانکداران اسلامی کوشش‌های فراوانی را برای بررسی مشروعیت انواع معامله‌های خاص به عمل آورده‌اند که این امر باعث میشود تجارت، بانکداری و تأمین مالی بتواند در قالب محدودیت‌های شریعت اسلامی سازماندهی و هدایت شوند.

در نگرش دین، جامعه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی خود را بر پایه ربا سامان دهد، به سوی نابودی گام برمی دارد و در راه عصیان‌گری و ناسپاسی است، از رستگاری و شکوفایی واقعی باز می ماند و انواع آشفستگی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و فسادها در آن رواج می یابد و در این روش، توده‌های مردم از نعمت‌های گوارا و لذت بخش محروم می شوند. در نگرش دین بدترین، پلیدترین و خطرناک‌ترین شیوه کسب درآمد و تأمین زندگی، آن است که انسان‌ها از راه ربا توان و رشد اقتصادی خود را افزایش دهند؛ از این رو به مؤمنان یاد آوری می شود که از ربا خواری و ترویج فرهنگ ربا و ساماندهی اقتصاد جامعه براساس آن به شدت پرهیزند و به تقوا و حاکمیت ارزش‌های دینی رو آورند و با دلیل تراشی‌ها و توجیه‌ها، خود و جامعه را به این دشمن پنهانی و فریبنده نیالایند. این نوشتار تلاش دارد تا نگاه گذرا به مباحث ذیل داشته باشد:

۱. تعریف ربا

اکثر کتاب‌های لغت ربا را «افزونی» تعریف کرده‌اند. در برخی آیات قرآن نیز صرفاً معنای لغوی آن اراده شده است؛ مانند «وما اوتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عندالله». اما ربا در اصطلاح فقها گرفتن زیادی در معامله اشیای ربوی و یا در قرض می باشد و گاهی نیز به خود معامله‌ای که مشتمل بر زیادی باشد، نیز ربا گفته شده است.

۲. حرمت ربا

حرمت ربا مورد اتفاق همه مسلمانان و بلکه سایرادیان الهی است. ادله فراوانی از قرآن و روایات بر آن اقامه شده است که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می کنیم.

۳. ربا در قرآن

در منابع اصلی اسلامی قرآن و سنت، مکرراً مسئله ربا مورد توجه قرار گرفته و احکام آن به طور صریح بیان شده است. دست کم هفت آیه قرآن به وضوح تحریم ربا را ثابت می کند:

- در سوره بقره به تشریح حال ربا خواران در قیامت می پردازد که مانند دیوانگان نمی توانند تعادل خود را حفظ کنند در عرصه محشر وارد می شوند، گامی به جلو برمی دارند و زمین می خورند و برمی خیزند و بازهم گرفتار همان سرنوشت می شوند.

۱. صحنه قیامت کانونی برای تجسم اعمال انسان‌ها است؛ آن‌ها که تعادل اقتصادی جامعه را در زندگی دنیا از راه ربا خواری برهم زدند در آن جا به صورت مصروع، دیوانه و غیر متعادل محشر می شوند و وضع ظاهری آنان، همه‌ی افراد محشر را متوجه خود می سازد. این مجازات رسواگر به علت این است که آن‌ها می گفتند: داد و ستد و ربا همانند یکدیگر است؛ یعنی هر دو سود آور و هر دو طبق قرارداد انجام می شود «ذالک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا» (بقره/ ۲۷۵)

در حالی که خودشان می دانند چنین نیست، داد و ستد‌های مشروع در راه منافع جامعه انسانی است و اگر سودی عاید فروشنده یا خریدار می شود سودی هم عاید جامعه می شود و نیازها بر طرف می شود، در حالیکه ربا خواران همچون زالو خون مردم را می مکند و بی آنکه خدمتی کنند ثروت‌های عظیمی به



اموال پاک و حلال را نمی پذیرد و اصل قرآنی «أَمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ التَّقِيْنَ» همه جا حاکم است. آغاز آیه تهدیدی برای ربا خواران است و آخر آن «وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» به وضوح دلالت بر حرمت ربا دارد چرا که هم نسبت کفر به ربا خواران داده شده و هم نسبت اثم (گناه) که تأکیدی بر معنای کفر است.

در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (بقره ۲۷۸) مسئله تحریم ربا به وضوح بیشتری مشاهده می شود. روی سخن را به همه افراد با ایمان کرده و با صراحت و قاطعیت می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی پیشه کنید و آنچه از ربا باقی مانده رها سازید اگر ایمان دارید»

آیه هنگامی نازل شد که آلودگی به ربا خواری به طوری گسترده مردم مکه و مدینه را فرا گرفته بود و قرآن دستور داد وام های ربوی در هر مرحله ای هست متوقف شود. سپس با لحنی فوق العاده تهدید آمیز می افزاید: «فَان لَمْ تَفْعَلُوا فَاذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولٍ» (بقره ۲۷۹)

«اگر فرمان الهی را - ترک کند، خدا و پیامبرش به شما اعلان جنگ می دهد» معنای جمله «فأذنوا» با توجه به مفهوم لغوی آن، این است که خدا و پیامبر به شما اعلان جنگ می دهند و پیامبر اکرم (ص) از آن زمان مأمور شد که اگر ربا خواران دست از کار خود نکشند با توسل به نیروی نظامی آن ها را

بار می آوردند. به همین علت خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است «واحل الله البيع وحرم الربا»

بعد می افزاید: هرکس این موعظه الهی را بشنود و به کار بندد و از ربا خواری باز ایستد برگزیده وی ایرادی نخواهد بود «چرا که قانون عطف به ما ساق نمیشود و در عین حال کار وی به خدا واگذار می شود که وی را مشمول عفو و بخشش خود گرداند»

«فمن جاءه موعظه من ربه فأنتهى فله ما سلف وامره الى الله» و در پایان آیه می فرماید: اما هرکس بعد از این ابلاغ صریح ربا را بیان کرده جایی برای کمترین تردید باقی نمی گذارد. ۲. خداوند ربا را نابود می کند و انفاق در راه خدا را افزایش می دهد «يُمَحِّقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» (بقره ۲۷۶)

محق به معنای نقصان یا هلاکت است در میان بزرگان اهل تفسیر آیه پیش گفته اشاره به نابودی درآمدهای حاصله از ربا در این دنیا است یا اشاره به بی ثمر بودن آن ها در آخرت است هرچند در راه خدا انفاق شود و به وسیله آن کارهای به ظاهر خیر انجام شود.

هر دو معنی می تواند صحیح باشد زیرا تجربه نشان داده که اموال حاصل از ربا دوام، بقا و برکتی ندارد و ربا خواران، گرفتار سرنوشت های شومی می شوند و با وضع بدی از دنیا می روند. در آخرت نیز به آنکه اموال را در راه خدا انفاق کرده باشند چیزی عاید شان نمی شود چرا که خداوند جز

برسر جای خود بنشانند. به هر حال چنین تعبیر تنیدی در هیچ آیه ای از قرآن در باره هیچ گناهی وارد نشده و نشان می دهد که ربا خواری از دیدگاه اسلام تا این حد خطرناک و پرمفسده است. در پایان آیه برای اینکه حق و عدالت رعایت شود می افزاید:

«وإن تبتم فلکم رثوس اموالکم لا تظلمون ولا تظلمون».

«هرگاه توبه کنید می توانید اصل سرمایه های خود را از بدهکاران باز پس بگیرید و به این ترتیب نه ظلم و ستم کنید و نه بر شما ظلم و ستمی میشود»
عبارت «لا تظلمون ولا تظلمون» یک شعار مهم کلی اسلامی است؛ هر چند در اینجا در باره ی ربا خواران آمده اما طبق این اصل قرآنی هیچ کس نباید ظلم کند و نه مورد ظلم قرار گیرد.

۱. در آیه ای از قرآن خداوند^(ع) می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را چند برابر نخورید از خدا پرهیزید، تارستگار شوید و از آتشی پرهیزید که برای کافران آماده شده است» (آل عمران ۱۳۰/۱۳۱).

این دو آیه - برخلاف آیه های گذشته - به قسم خاصی از ربا نظر دارد و آن ربای مضاعف است، یعنی آیه، حرمت ربای مضاعف را اثبات می کند. نه اینکه ربای معمولی را مجاز بشمرد، بلکه در باره ربای عادی ساکت است.

۲. به علت ظلمی که از یهود صادر شد و نیز به علت جلوگیری بسیار آن ها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آن ها حلال بود، حرام کردیم و هم چنین به علت ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل و برای کافران آن ها، عذاب دردناکی آماده کرده ایم (نسا ۱۶۰/۱۶۱).

از آنچه در مجموع آیه های پیشین آمد روشن می شود که آیه های متعددی از قرآن مجید دلالت بر حرمت ربا دارد و قرآن به شدت هر نوع ربا خواری را از ناحیه خدا و رسولش اعلان جنگ می دهد و ربا خوار را مستحق جهنم ابدی می داند و این کار را سبب مجازات دنیوی می شمرد.

هم چنین فرمودند: «یک درهم ربا نزد خداوند سنگین تر است از هفتاد بار زنا کردن با محارم در خانه خدا» (حویزی) و امام صادق^(ع) فرمود: «خوردن یک درهم ربا سخت تر و شدیدتر است در نزد خداوند از هفتاد مرتبه زنا کردن با محارم خود» (قربانعلی لاهیجی)

ب) ربا در احادیث

همان گونه که شدید ترین تعابیر قرآنی در مورد مسئله ربا است شدید ترین لعن و نفرت در روایات نقل شده است از

پیامبر^(ص) و امامان پیشوایان دینی^(ع) معصوم نیز در خصوص ربا می باشد.

۱. امام جعفر صادق^(ع) در حدیثی برای گناهان کبیره هفت مورد ذکر کرده اند:

✓ کشتن مؤمن به عمد

✓ متهم ساختن زن پاکدامن

✓ فرار از جهاد

✓ تعرب بعد از هجرت

✓ خوردن مال یتیم

✓ خوردن ربا

✓ هر چه خداوند به او دوزخ را واجب کرده است.

۲. از امام جعفر صادق^(ع) نقل گردیده است که پیامبر^(ص) در سفارش خود به حضرت علی^(ع) می فرمود: یا علی همانا مردم در آینده به اموال شان امتحان میشوند آنان حرام خدا را با شبهات دروغین و هوس های فریبنده حلال می شمارند پس شراب را به اسم آب انگور، رشوه را به اسم هدیه و ربا را به اسم خرید و فروش حلال می شمارند.

۳. حضرت علی^(ع) می فرمودند: خداوند بزرگ لعنت کند ربا و ربا خوار و وکیل و فروشنده و نوسنده و شاهدان ربا را.

۴. از رسول خدا نقل شده است که فرمودند: شب معراج قومی را دیدم که ایشان را شکم های بزرگ بود هم چون خان ها در راه آل فرعون افتاده و هر بامداد و شبانگاه که آل فرعون ایشان را در زیر پای می گرفتند و می کوفتند گفتم ای جبرئیل اینان کی اند؟

گفت: اینها ربا خواران هستند پیامبر^(ص) فرمود ربا هفتاد باب دارد که کمترین آن در نزد خدا زنا با مادری باشد.

۵. حضرت محمد^(ص) فرمودند: چهار کس را خداوند به بهشت نیاورد و از نعیم آن به وی نبخشاید - شراب خوار - ربا خوار - آن کس که مال یتیم را به ناحق خورد و آن کس که پدر و مادر از او ناراضی باشد.

ج) فلسفه تحریم ربا

یکی از مسائلی که درباره ربا مطرح است فلسفه تحریم آن است. این مسئله مورد توجه امامان معصوم^(ع) و اندیشه وران مسلمان بوده است. برای فلسفه تحریم ربا حداقل چهار دلیل مهم آمده است:

۱. اکل مال به باطل

در قرآن آیه ای است که در مذمت قوم یهود آمده است؛ فظلم من الدین به این مسئله اشاره کرده است که آن قوم ربا می گرفتند و مال مردم را به باطل می خوردند.

فلسفی استدلال بررسی می شود این دیدگاه در پی آن است که ربا یک ظلم است و ردیلت ظلم نیز با حسن وقبح عقلی پذیرفته شده است.

به قول فقها و اصولیون قبح ظلم در دایره مستقلات است ظلم قبح عقلی دارد حتی اگر حکم شرعی نیز برای آن نیامده باشد. بنابراین ربا نیز مصداق ظلم بوده و قبیح و حرام است. در روایت محمد بن سنان از حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) آمده است: ولما فی ذلک من الفساد والظلم... و به خاطر این که ربا منشأ فساد و ظلم است حرام شده است. مسئله ظلم بودن ربا از بعد اقتصادی نیز اثبات می شود.

۴. ابعاد دنیائی ربا

برای فهم فلسفه حرمت ربا می توان به سایر احکام که در کنار ربا و یا در مخالفت ربا در قرآن مجید آمده است نگاهی کرد که یکی از این موارد مسئله قرض الحسنه است.

در آیه از قرآن آمده است: من ذالذی یقرض الله قرضاً حسنه (حدید ۷۱) و... کیست آن کس که به خداوند قرض دهد تا نتیجه اش را برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد.

در روایتی آمده است که صدقه ۱۰ حسنه و ثواب قرض الحسنه ۱۸ ثواب دارد یعنی که ثواب قرض الحسنه از صدقه بیشتر است و علت آن را بدین مضمون گفته اند که قرض الحسنه نه تنها رفع نیاز می کند بلکه حفظ آبروی مؤمن را نیز بعهده دارد.

بنابر این در این امور، فضائل اخلاقی مستتر است و عواطف انسانی و فطرت خدائی انسان دست در کار می شود اما در بحث ربا، شقاوت قلب دنیا دوستی در انسان ها پدیدار شده و ریشه رذائل اخلاقی را می گستراند و این ممکن است به نتایجی بینجامد که فرد را یکسره از جاده ایمان منحرف نماید در روایات معصومین نیز به این مسئله اشاره شده است. سماعه در یکی از روایات معروف و از اصحاب امام صادق^(ع) می گوید: به حضرت عرض کردم چرا خداوند متعال، مسئله ربا را به طور مکرر مطرح کرده و تحریم نموده است. امام فرمود: علت آنرا می دانی؟ عرض کردم نه، فرمود: بخاطر اینکه مردم در اثر ربا خواری از کارهای خیر و شایسته (مانند قرض الحسنه) باز نمانند. (همان)

د) ربا از نظر اقتصادی

معنی و مفهوم ربا تاکنون در اذهان جامعه علمی و مردم کوچه و بازار از منظر فقهی بررسی شده است. این واژه در صورتی که با نگاه اقتصادی بررسی شود به مفاهیمی مثل سود و کارمزد

حضرت امام رضا^(ع) نیز در روایتی برای حرمت ربا دو دلیل را ذکر کرده اند که نخست حرمت ربا به استناد سخنان خداوند در قرآن مجید و دلیل دوم اکل مال به باطل است.

۲. دلایل اقتصادی

برخی از اقتصاد دانان معاصر نیز ربا و بهره را در اقتصاد به عنوان انگل و زمینه ساز رکود و تورم در جامعه دانسته اند و برخی از فقیهان نیز به فلسفه اقتصادی تحریم ربا اشاره کرده اند. هشام بن حکم که یکی از اصحاب معروف امام صادق^(ع) است از آن حضرت پرسید چرا ربا حرام شده است؟

حضرت فرمود: اگر ربا خواری حلال بود مردم کارهای مفید تجاری و تولید آنچه که به آن احتیاج می شد را ترک می کردند.

امام جعفر صادق^(ع) در روایتی دیگر می فرمایند: خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به کسب و کار روی گردانند و به خرید و فروش بپردازند.

آیت الله مطهری نیز در خصوص فلسفه احکام حرمت نگاهی به ابعاد اقتصادی آن دارند ایشان بعد از بر شمردن نظرات دیگران معتقد اند که «ما مسئله حرمت ربا را بر این اساس بیان کردیم که ماهیت ربا قرض است و قرض از آن جهت که قرض است نمی تواند سود داشته باشد یعنی وام نمی تواند سود داشته باشد».

به هر حال نظرات بسیار زیادی هست که معتقد اند حرمت ربا از ابعاد اقتصادی آن قوت بیشتری دارد برخی حرمت آن را به دلیل اینکه پول ارزشی به جز عددی که روی آن گذاشته اند ندارد و هیچ کس نمی تواند از آن ارزش بیافریند. برخی حرمت آن را به دلیل این دانسته اند که سرمایه نمی تواند سود تولید کند.

۳. ربا به عنوان ظلم

در این دیدگاه ربا به عنوان ظلم از دیدگاه



۱۹۴۶) وسیله مبادله و ذخیره ارزش بود و انگیزه معاملاتی و انگیزه احتیاطی برای نگهداری آن در محافل علمی، مطرح بود اما کینز رسماً انگیزه سفته بازی را نیز از آن بیرون کشید و نرخ بهره به دلیل سفته بازی و کنترل پول معنی پیدا کرد. مشخص است که در جامعه مورد نظر کینز سفته بازی نمی گذارد نیاز های واقعی اقتصاد به پول مشخص شود بنابراین چنین جامعه ای به رفاه، عدالت، توسعه اقتصادی نمی رسد. اقتصاد دانان بزرگ با نگاه تیز بینانه خود نفرت خود را از ربا و تحت عنوان بهره و ربا در قالب نفرت از پول که زمینه ساز بهره می گردد در تحلیل های اقتصادی خود نشان داده اند که به برخی اشاره می شود:

۱. پرودون (۱۸۰۹-۱۸۶۵) در فرانسه به دنیا آمد و اولین سوسیالیستی است که در برابر اقتصاد متعارف آن زمان به بحث جدلی پرداخت و او با استفاده ضمنی از نظریه ارزش کار تحصیل هرگونه درآمد نکرده و حتی اخذ اجاره را ممنوع می دانست در عین حال معتقد بود که «بانک مردمی» به سرمایه گذاران وام اعطا کند.
۲. ملتون فریمن (۱۹۱۲-۲۰۰۶) ملتون فریمن در نیویورک و در خانواده مهاجر یهودی به دنیا آمد و در سال ۱۹۷۶ جایزه نوبل گرفت

و بهره نزدیک می شود هر چند نفرت حداقل ۴۰۰۰ ساله از این کلمه وجود دارد. مفهوم ربا در اقتصاد پیش از آن که به تولید مربوط شود به مصرف نزدیکتر است و دلیل آن همان است که اغلب فقها حرمت ربا در قرآن را حداقل در ابتدا به قرض ها داده شده به درماندگان و بیچارگان برای مصارف خود می دانند هر چند حرمت ربا مطلق نیز باشد. اما بالعکس مفهوم بهره در اقتصاد یادآور تولید و نقش سرمایه است در حقیقت بهره و مزد سرمایه پولی است که به سرمایه گذار تعلق می گیرد بین فقر و اقتصاد اشتراک مساعی وجود دارد. که نمونه آن مضاربه است اما شرایطی نیز وجود دارد و از جمله شرایط آن اول درگیر شدن سرمایه گذار با تولید و ریسک های احتمالی آن و دوم مشخص شدن سهم واقعی پس از تولید و... است. اما اقتصاد دانانی هم هستند که هم سو با فقیهان، سود انگلی سرمایه و یا مفت خواری سرمایه گذار را نمی پذیرند هر چند حرمت ربا فقط در بازار پولی نیست و در بازار کالا نیز ربا حرمت دارد اما اهمیت این مسئله و نمود کامل آن مخصوصاً در جهان معاصر به بازار پولی برمی گردد. وظایف پول تا قبل از نظریات کینز (۱۸۸۳-



ای که نرخ های بهره بالا باشد به مفهوم آن است که آنجا سرمایه ارزش بیشتری از کار دارد یعنی انسان از پول ساخته شده بدست خود ارزان تر شده است، اما اینکه چرا این مسئله را تحلیل واقعی نمی کنند یا به علت منافع خود و یا به علت گرفتار شدن در جو جامعه است و یا به علت های دیگر. امام صادق (ع) در ۱۳۰۰ سال قبل می فرماید اگر ربا حلال باشد مردم تولید و تجارت را رها می کنند و نیازهای واقعی خویش و جامعه را از یاد می برند.

نتیجه

۱. مسئله ربا از جمله شدید ترین حرام هایی است که از آغاز خلقت تا امروز مورد نکوهش قرار گرفته است و در منابع اصیل اسلام (قرآن و روایات) با شدید ترین تعبیر مانند جنگ با خدا و رسول او و تعبیر شدید از طرف پیامبر و ائمه معصومین مورد نکوهش قرار گرفته است.

۲. در نتیجه این پژوهش به این نتیجه هم چنان دست یافتیم که ربا انسان را از جاده ی ایمان منحرف می سازد که در نتیجه آن توجه به نیاز های واقعی جامعه از بین رفته و تعادل جامعه را به هم می زند به همین اساس است که مکرراً در قرآن و روایات به این مسئله (تحریم ربا) تأکید زیادی صورت گرفته است. ۳. هم چنان اقتصاد دانانی مانند ملتون فریدمن، پرودن ربا را تحت عنوان نرخ بهره مورد نکوهش قرار می دهند مثلاً **پرودن** معتقد به درآمد بدست آمده از طریق کار بود و حتی مخالف اخذ اجاره بود.

و ملتون فریدمن معتقد بود که اگر قیمت ها افزایش یابد با افزایش قیمت ها عرضه پول بالا رفته و در نتیجه منجر به افزایش نرخ بهره می شود پس باید برای کنترل نرخ بهره باید عرضه پول کنترل شود.

منابع

۳. قرآن کریم
۴. نهج البلاغه بخش ۱۲ ص ۴ - ۴۵۶ الحکم الزهرا ص ۴۲
۵. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، داوود منظور، مهدی یادی پور، سال ۱۳۸۸
۶. توضیح المسائل، مکارم شیرازی
۷. توضیح المسائل، حویزی
۸. توضیح المسائل، قربانعلی لاهیجی
۹. اصول کافی ج ۳ ص ۳۷۹ حدیث ۲
۱۰. وسائل الشیعه، حرعاملی، ج ۱۲ بخشی از حدیث ۱۲ ص ۴۲۶
۱۱. حلیة المتقین علامه مجلسی ص ۴۲ - تفسیر کشف الاسرار تألیف ابوالفضل میری ص ۱۳
۱۲. الحیاه ج ۵ ص ۶۱۰ و ۴۰۴
۱۳. مسئله ربا و بانک و بیمه، مطهری، انتشارات صدرا ص ۴۹
۱۴. اقتصاد دانان بزرگ جهان (مارک بلاگ) ترجمه حسن گلریز، نشر نی.

او مکتب پول گرایان را تأسیس کرد و اعتقاد داشت که مبحث پول و عرضه آن در اقتصاد آنقدر اهمیت دارد که باید در قانون اساسی کشورها درج شود او سطح قیمت ها را به سطح عرضه پول نسبت می داد به عبارتی اگر در جامعه سطح عرضه پول کنترل شود مسلماً نرخ بهره نیز تحت کنترل قرار گیرد. او معتقد بود که بهترین قاعده سیاست پولی در حالتی اتفاق می افتد که رشد پولی منتج از قاعده مذکور، قیمت ها را افزایش ندهد و شرایط لازم و کافی را برای اینکه رشد پولی سبب رشد قیمت ها نشود وجود نرخ بهره اسمی برابر صفر است. فریدمن از این قاعده به نام قاعده پولی بهینه نام می برد.

اقتصاد دانان جهان، نرخ بهره را از مهم ترین عامل تجربه و تحلیل های خود دانسته اند و آنان مبنای بررسی های خود را بر پایه وجود این شاخص در نظام اقتصادی گذاشته اند و بجز معدودی از آنان، جرئت نداشته اند که دستور برکناری و حذف بهره و ربا را صادر نمایند. در حالیکه اگر آنان یک نظام اقتصادی حداقل در ذهن خود بر پایه حذف ربا و بهره می ساختند به نتایج بسیار مهمی می رسیدند. همه آنان می دانند که اگر نرخ بهره صفر باشد سرمایه به سوی بازار های تولید (و نه بازار های سفته بازی) تمایل پیدا می کند و سرمایه گذاری افزایش می یابد و نرخ بیکاری کاهش می یابد و بهبود این شاخص های مهم اقتصادی نهایتاً منجر به رفاه و عدالت اقتصادی می گردد.

همه ی آنان می دانند که اگر نرخ بهره صفر باشد سود و زیان تولید بین تمام مردم جامعه تقسیم می شود و جامعه به دو قطب که در یک طرف دارندگان سرمایه که ربا گرفته اند و هیچ زیان نمی کنند و یک طرف افرادی که ربا می دهند و زیان می کنند، تقسیم نخواهد شد. همه ی آنان می دانند که اگر نرخ بهره صفر باشد اقتصاد و تولید با عرضه پول خود را گره زده و میزان واقعی پول مشخص خواهد شد و پول ابزار حاکمیت سیاسی و قدرت و تکبر آدمی نخواهد شد. اقتصاد دانان می دانند که بهره بهاء سرمایه و دستمزد بهاء کار است در جامعه

آیات تحریم ربا

شفیق‌الله اریب محصل سال چهارم اقتصاد و مدیریت

چکیده

در دین مبین اسلام، ربا یکی از گناهان بسیار بزرگ به شمار می‌رود و گستره‌ی حرمت آن غیر از ربا خواران، شامل ربا پردازان، شاهدان و نویسندگان اسناد ربا نیز می‌گردد. ربا به معنی بخش زیاد شده، فزونی یافته، فزونی، زیادی، افزوده... است، و معادل «بهره» در زبان فارسی است. وقتی چیزی به کسی می‌دهیم و زیاده از آنچه به وی داده‌ایم از وی پس می‌گیریم، آن بخش زیادی ربا نامیده می‌شود. در قرآن فقط از ربا خورنده و ربا خوردن صحبت شده و تحریم شده است. ولی از ربا دادن و ربا دهنده صحبتی نشده است. در آیه ۱۳۱ سوره آل عمران ربا خوردن (بهره گرفتن) نهی شده است. در آیه ۲۷۵ سوره بقره از ربا گیرندگان صحبت شده، و در ادامه حرام بودن ربا مطرح شده. در آیه ۲۷۸ گفته شده «ربا نگیرید» و در آیه ۲۷۹ همان سوره عمل کسانی که ربا می‌گیرند را به مثابه اعلام جنگ با خداوند قلمداد نموده است. تحریم ربا از مسائل مهم اسلامی است و بازتاب گسترده‌ای در آیات و روایات دارد.

واژه‌های کلیدی: آیه، ربا، احکام، حرمت

مقدمه

یکی از احکام اجتماعی بسیار مهم اسلام که در قرآن کریم و روایات مطرح گردیده است و بخشی از فقه معاملات را تشکیل می‌دهد، حرمت ربا است.

رباخواری، از عادات زمان جاهلیت بود که مسلمانان صدر اسلام نیز به آن آلوده بودند. از زیان‌های اجتماعی رباخواری می‌توان به برهم خوردن تعادل اقتصادی در جامعه اشاره کرد. رباخواری ثروت‌ها را در یک قطب جمع می‌کند زیرا جمعی بر اثر آن فقط سود می‌برند و زیان‌های اقتصادی همه متوجه جمعی دیگر می‌گردد. همچنین رباخواری یک نوع تبادل اقتصادی ناسالم است که عواطف و پیوندها را سست می‌کند و بذر کینه و دشمنی را در دل‌ها می‌پاشد و در واقع رباخواری بر این اصل استوار است که رباخوار فقط سود پول خود را می‌بیند و هیچ توجهی به ضرر و زیان بدهکار ندارد. و سایر زیان‌های شخصی و اجتماعی را نمی‌بیند.

همچنین با توجه به آیه‌ی «ومن عاد فأولئك اصحاب النار هم فيها خالدون» درک می‌شود که تهدید عظیمی نسبت به رباخوار وجود دارد و رباخواری از گناهان کبیره شمرده می‌شود و بر این مطلب اجماع مسلمین وجود دارد. در روایتی از امیرالمومنین^(ع) است که پیامبر^(ص)، رباگیرنده، وکیل او، شاهد و کاتب ربا را لعن کرده است.

سوال اصلی اینست که حکم ربا در قرآن چیست؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که ربا در قرآن بصورت قطعی حرام شمرده شده و یکی از گناهان کبیره به حساب می‌آید. در نوشته حاضر کوشش شده این موضوع در هفت محور مورد ارزیابی واقع شود. ۱. کلمه ربا به چه معنی است؟ ۲. ترتیب نزول آیات ربا و اثبات آن، ۳. سیر تحریم ربا، ۴. شان نزول آیات ربا، ۵. مفاد آیات ربا، ۶. احکام ربا، ۷. اصل (قاعده) عدالت و چگونگی پرداخت بدهی، ۸. تفسیر آیات ربا.

معنای لغوی و اصطلاحی ربا

راغب اصفهانی ربا را اینگونه تعریف کرده است: «الربا زیاده علی رأس المال لکن خص فی الشرع بالزیاده علی وجه دون وجه». طبری نیز ربا را اینگونه تعریف کرده است: «ربا زیاده بر چیزی است و ربا یعنی زیاده، ربا الشیء: در جای به کار می رود که چیزی بر آنچه بوده اضافه شود و آن چیزی بزرگتر شود. بلندی های زمین را ربا می گویند به خاطر بزرگی و اشرافش بر زمین صاف»

ربا در اصطلاح شرع به زیاده مخصوصی اطلاق می شود. صاحب جواهر در تعریف ربا گفته است: «لیس المراد من الربا مطلق الزیاده، کما هو معناه لغه، بل المراد به کما فی المسالک و غیرها بیع احد المتماثلین او اقتراض احدهما مع الزیاده». سپس صاحب جواهر از فقه راوندی چنین نقل می کند: «الربا هو الزیاده علی رأس المال من جنسه او مماثله: ربا زیاده بر سرمایه است چه از همان جنس باشد یا از مثل آن» بعضی از فقهای حنفی ربا را اینگونه تعریف کرده اند: «الربا: هو الفضل الخالی عن العوض المشروط فی البیع».

واژه ربا در زبان فارسی به معنای افزون شدن، نشو و نما کردن؛ سود یا ربحتی که داین از مدیون می ستاند و نسیه خریدن و فزون گرفتن آمده است از آنجایی که ربا واژه عربی است، با استفاده از کتاب های لغت عربی، این واژه را بررسی می کنیم. ریشه اصلی کلمه ربا که در قرآن کریم نیز به کار رفته، رب است. عرب ها هنگامی که چیزی زیاد می شود و رشد می کند، می گویند: ربا الشیء. به همین دلیل، زمانی که مال افزون می گردد، گفته می شود: ربا المال. این تعبیر هنگامی که پهلوی های اسب از دویدن بسیار می پندد، نیز به کار می رود: ربا الفرس. به بلندی ها و برجستگی هایی که بر روی زمین مشاهده می شود، نیز ربوه می گویند.

در قرآن، مشتقات واژه ربا به معنای فزون شدن و بالا آمدن آمده است: «فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ» و چون آب را فرو فرستادیم، زمین جنبش گرفت و (به سبب رشد گیاهان) بالا آمد «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ» (بقره/۲۷۶) خداوند ربا را از بین می برد و صدقات را می افزاید.

اقسام ربا

فقهاء ربا را به دو نوع ربای معاملی و قرضی تقسیم کرده و اینگونه تعریف کرده اند که ربای معاملی فروش یکی از دو هم جنس به دیگری همراه با زیاده عینی است مانند فروش یک من گندم به دو من یا فروش یک من گندم به یک من و یک درهم. زیاده در ربای معاملی ممکن است زیاده حکمی

باشد مانند فروش یک من به صورت نقد به یک من گندم به صورت نسیه. اقوی این است که این ربا مختص به بیع نیست بلکه در سایر معاملات مثل صلح و نظیر آن جاری است. البته باید خاطر نشان کرد که در ربا معاملی (بیع) ربا در صورتی محقق می شود که دو جنس مورد معامله (عوضین) از مکمل و موزون یعنی پیمانه ای و وزن کردنی باشند.

اما ربای قرضی آن است که ده دینار به کسی قرض دهند مشروط به این که هنگام سررسید دوازده دینار باز گرداند؛ یا اینکه ده دینار برگرداند و یک لباس را برای قرض دهنده بدوزد. و تفاوت ربای قرضی با معاملی در این است که در ربای قرضی هر نوع زیاده موجب تحقق ربا می شود چه این که عوضین از مکمل و موزون باشند یا از معدودات و شمردنی ها و فرقی نمی کند که ربا قرضی مصرفی باشد یا تولیدی.

آیات حرمت ربا و ترتیب آن

۱. ((وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ)) روم/۳۹ ترجمه: آنچه به عنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آن چه را به عنوان ذکات می پردازید و تنها رضا خدا را می طلبید مایه برکت است، کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعف اند.

ربا خواری پدیده ی رایج و عادی و امری عام و شایع در دوران جاهلیت و حتی عهد ظهور اسلام بوده است؛ از این رو در انظار عمومی قبحی نداشت. با توجه به اینکه بنیانگذاری اندیشه ای نو و یا اینکه کم رنگ کردن اندیشه و یا سستی رایج و مذموم مستلزم ایجاد جریان فرهنگی و سیری تدریجی و مبارزه ای پیگیر و بی امان است، خداوند تعالی برای ریشه کن کردن این پدیده زشت، در گام اول این فکر را که ربا موجب باروری و افزونی مال و بازگشت دو چندان آن می شود رد کرده و به آنان گوشزد نمود هر چند ربا به نظر شما سبب افزایش مال و دارائی است؛ اما بدانید ربا موجب افزایش حقیقی مال و بالا رفتن آن در پیشگاه خدا نیست. بلکه این زکات است که چنین خصوصیتی دارد و حقیقتاً مایه برکت است. از این رو خداوند متعال آیه ۳۹ سوره روم را به منظور ایجاد تزلزل و تردید در اندیشه ربا خواران و یا آنانکه ربا خواری را پدیده عادی می شمردند نازل کرد تا بر ربا خواران آشکار شود که نه تنها ربا خواری عمل شایسته نزد خدا نیست، بلکه عمل شنیع و زشت است. البته مخفی نماند که این زمینه سازی در مکه انجام شد.

۲. ((وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا)) نساء/۱۶۱

ترجمه: همچنین بخاطر ربا گرفتن در حال که، از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل و برای کافران آنها عذاب دردناک آماده کرده ایم.

دومین گام برای زمینه سازی اعلام حکم تحریم ربا، نزول آیات ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء بود که در آن خداوند متعال فرمود: چون قوم یهود ظلم کردند و نیز چون آنان مردم را از راه خدا باز می داشتند و ربا می گرفتند در حالی که مامور به اجتناب از ربا بودند و به خاطر اینکه اموال مردم را باطل می خوردند بخشی از نعمت ها را بر آنان حرام کردیم و برای کافران از قوم یهود عذاب دردناکی آماده کردیم.

اگر این ادعا درست باشد که این آیه دومین مرحله از مراحل اعلام حکم تحریم رباست، می توان چنین برداشت کرد که خداوند متعال به مخاطبان و همه مسلمانان اعلام می کند به جهت مخالفت ربا با دین و فطرت، در شریعت حضرت موسی (ع) مبعوض و منهی عنه بوده، پس در نزد شما نیز چنین باشد. باید توجه داشت که ربا در روایات، حرام و گناهی کبیره شمرده شده است که خداوند وعده ی آتش به آن داده و به زبان همه پیامبران و در همه کتاب های آسمانی حرام شمرده شده است: «اعلم یرحمک الله ان الربا حرام سحت من الکبائر، ومما قد و عدا الله علیه النار فعوذ (بالله) منها، وهو

محرم علی لسان کل نبی و فی کل کتاب»

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» آل عمران/ ۱۳۰

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا و سود پول را چند برابر نخورید از خدا بهره‌یزید تا رستگار شوید.

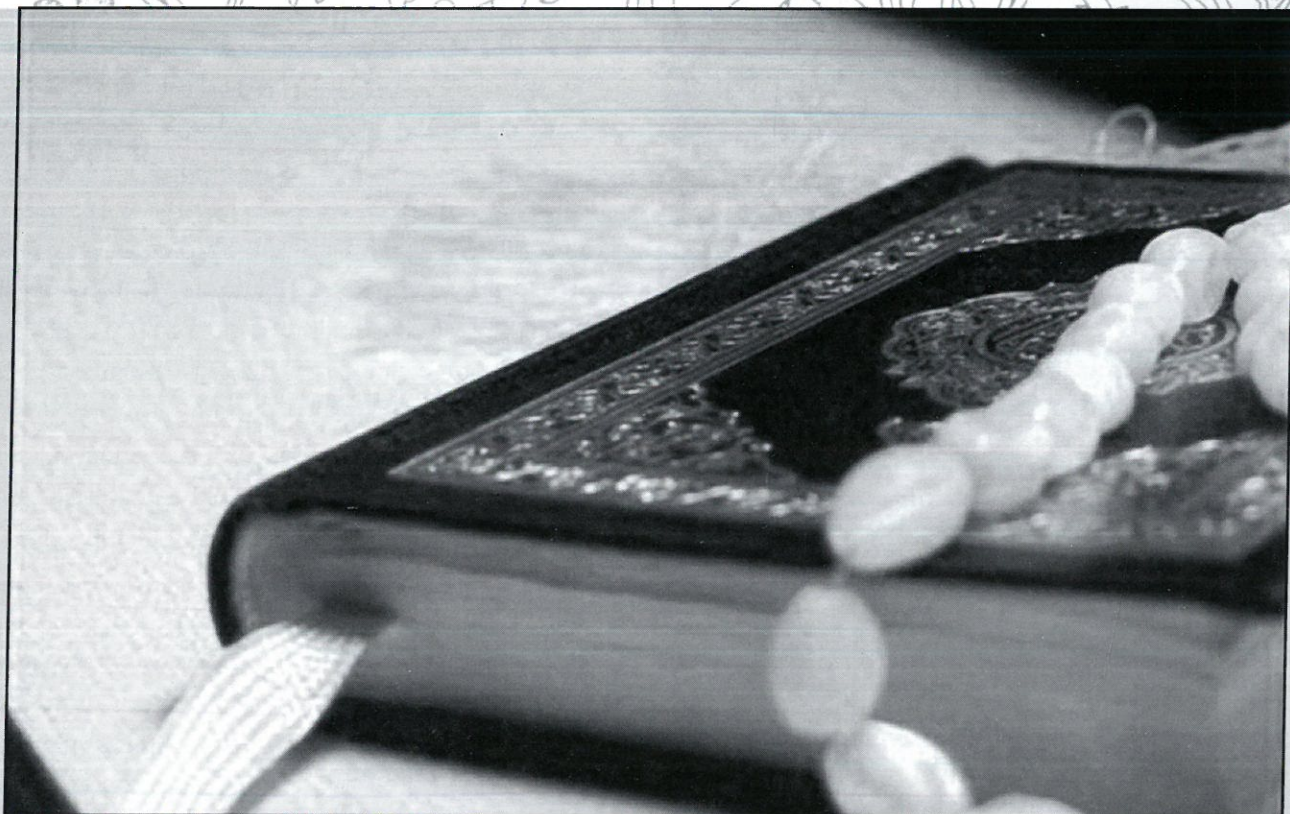
نزول این آیه سومین گام برای ابلاغ حکم تحریم ربا بود؛ این آیه به طور صریح و در قالب فعل نهی که ظهور در حرمت دارد همه ایمان آورندگان را به ترک گناه رباخواری دعوت می کند. موید اشتمال آیه بر ابلاغ حرمت بیع (پایین آیه)،

زمینه سازی های قبلی و نیز حرمت در بیان امت یهود است.
۴. «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ بقره/ ۲۷۵

ترجمه: کسانی که ربا می خوردند در قیامت بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی بر زمین می خورد و گاهی بلند می شود این بخاطر آن است که گفتند بیع و معامله مانند ربا است و تفاوت میان آن دو نیست در حال که خدا بیع را حلال کرده است و ربا را حرام و فرق میان این دو بسیار است.



يَمْحِقُ
اللَّهِ
الرِّبَا
وَيُرِي
الْمُصَدِّقَاتِ



الف: ابن عباس نقل کرده است که ربا دو گونه است: ربایی که صحیح نیست یعنی ربای بیع و دیگری ربایی است که اشکال ندارد و آن هدیه است که کسی به کسی بدهد و بیشتر از آنرا توقع داشته باشد.

ب: ابن عباس سخن دیگری شبیه سخن قبلی دارد: منظور از ربا در این آیه هبه است که انسان به کسی بدهد و در دلش باشد که بیشتر از آنچه داده به او دهند، این ربایی است که نزد خدا افزایش نمی یابد و بالا نمی رود (برکت ندارد) صاحب آن نه اجری دارد و نه گناهی کرده است.

شاید اشکالی به ذهن خواننده این قسم برسد و آن اینکه پیش از این گذشت که این آیه به منزله ی ایجاد شک و تزلزل در مخاطب نسبت به تحریم ریاست در حالی که دو روایت ذکر شده که دلالت دارند بر اینکه مراد از ربا در آیه ۳۹ سوره روم هدیه است. جواب به این اشکال را چنین می توان بیان کرد که، هدیه ای با ارزش است و در زمره ی اخلاق پسندیده محسوب می شود که هدیه دهنده به بازگشت بهتر و یا عدم بازگشت و جبران هدیه، از سوی کسی که به او هدیه داده شده نظر نداشته باشد؛ به عبارت دیگر هدیه ارزشمند است که با طیب نفس و بدون توجه به جبران از طرف مقابل باشد. مفاد آیه این است که اگر در هدیه شرط شود که طرف مقابل جزای بهتری دهد محل اشکال است؛ اما چون قراردادی در میان نیست اشکالی هم ندارد. بنا بر این، آیه صلاحیت آنرا

چهارمین مرحله، مرحله تاکید بر تحریم ربا و اصرار و پافشاری قرآن بر حرمت آن است تا خیال همه را راحت کند و ذره ای ابهام و شبهه در عدم حلیت آن باقی نماند. این مرحله، با نزول آیات ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره بقره تکمیل شد.

۵. ((وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ)) (بقره: ۱۸۸)

ترجمه: اموال یک دیگر را به باطل و ناحق در میان خود نخورید و برای خوردن بخش از اموال مردم بگناه (قسمت آن را به عنوان رشوه) به قضات ندهید در حال که می دانید این کار گناه است.

این بیانگر است که ربا از مصادیق اکل مال به باطل و در زمره اموال خبیثه است؛ بنابراین مورد نهی قرار گرفته هر چند آیات تحریم ربا، بعداً نازل شده است در تفسیر عیاشی هم ربا از مصادیق خبیث در آیه مذکور شناخته شده است.

شان نزول آیات ربا

۱. وَمَا آتَيْتُمْ مِّنْ رَبًّا لَّيْرَبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِّنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (روم/۳۹)

مفسران نزول این آیه را مربوط به جهات خاصی نمی دانند و بیشتر آنان روایتی را نقل کرده اند که در آن نوعی ربا مشروع و خوردنی خوانده شده که همان هدیه ای است که انسان به کسی بدهد و انتظار دریافت هدیه ای بیشتر از او داشته باشد:

دارد که زمینه ای برای تحریم ربا به حساب آید. با این تنظیر که اگر چیزی به کسی دهی و شرط کنی بهتر از آن به او دهد اشکال دارد و اگر شرط نکردی ولی انتظار جواب بهتر داشتی یا به حکم اینکه جواب باید بهتر از اصل باشد؛ اشکالی در میان نیست.

ودراین مورد روایتی است که می فرماید «الربا رباء ان، احدهما حلال و الاخر حرام فاما الحلال فهو أن يقرض الرجل اخاه قرصاً طمعا ان يزیده و يعوضه باكثر يأخذ به بلا شرط بينهما فان أعطاه مما اخذه على غير شرط بينهما فهو مباح له و ليس له عندالله ثواب فيما اقرضه و هو قوله فلا يربوا عندالله و اما الربا الحرام فالرجل يقرض قرصاً و يشترط ان يرد اكثر مما اخذه فهذا هو الحرام.

۲. «فَيُظْلَمُ مِنَ الدِّينِ هَٰذَاوَا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء / ۱۶۰) مفسران این آیه را بیان گواه هایی از تاریخ قوم یهود در قرآن می دانند که در جریان آن خداوند متعال از گناهان آن قوم از قبیل ربا، خوردن اموال مردم به باطل و جلوگیری از راه خدا سخن گفته است روح آیه بیانگر این است که ربا در پیشگاه خدا امری مذموم و منهی عنه است و به دلالت التزامی بیانگر این است که ای مردم و ای مسلمانان شما نیز از این امر پرهیزید همانگونه که قوم یهود مامور به پرهیز بودند.

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۳۰)

این آیه در مدینه و در سال سوم هجرت، بعد از جنگ احد نازل شده است. مشرکان بعد از شکست در جنگ بدر با هزینه کردن اموالی که از ربا جمع آوری کرده بودند، لشکری بر ضد مسلمانان تجهیز کردند؛ شاید این عمل انگیزه ای شد که بعضی از مسلمانان نیز به این فکر بیفتند از طریق ربا مالی گرد آورند و لشکری آماده سازند و از مشرکان انتقام بگیرند. خداوند متعال با فرستادن این آیات آنان را از این کار نهی فرمود البته این ادعاء در تفسیر نیشابوری به صورت یک احتمال بیان شده است.

۴. «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره / ۲۷۵) درباره شان نزول این آیه به طور مشخص در کتاب های تفسیر نکته ای ذکر نشده اما درباره آیه ۲۷۸ که ادامه این آیه بوده و به همراه آن نازل شده چنین نقل کرده اند: این آیه در باره بنی عمرو بن عوف از ثقیف و بنی مغیره از بنی مخزوم نازل شده است. فرزندان مغیره از طایفه ثقیف ربا می گرفتند. هنگامی که خدای تعالی، پیامبر (ص) را بر مکه مسلط کرد، همه اقسام ربا برداشته شد.

از اینرو فرزندان مغیره گفتند: ربا از مردمانی غیر ما برداشته شده و فرزندان عمرو بن عمیر گفتند: ما مصالحه کرده ایم که بر ایمان ربا باشد. عتاب بن اسید حاکم مکه در این باره به پیامبر (ص) نامه نوشت. به دنبال آن این آیه و آیه بعد «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (بقره / ۲۷۹) نازل شد.

زرکشی معتقد است آیه ربا از مدینه به مکه برده شده به این خاطر که ثقیف و بنی مغیره برای حل مشکل پیش عتاب بن اسید کارگزار مکه رفته بودند. پس عتاب این آیه را بر آنان تلاوت کرد و آنان به تحریم ربا اقرار کردند و سرمایه شان را گرفتند.

تفسیر آیات ربا

مفصل ترین جایی که در قرآن به ربا پرداخته شده سوره بقره آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ می باشد که این آیات و ترجمه آن به این قرار است:

۱. «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره / ۲۷۵)

ترجمه: آنان که ربا می خورند، در قیامت چون کسانی از قبر برمی خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده باشند و این به کیفر آن است که گفتند: ربا نیز چون معامله است. در حالی که خدا معامله را حلال و ربا را حرام کرده است. هر کس که موعظه خدا به او رسید و از رباخواری باز ایستاد، خدا از گناهان پیشین او درگذرد و کارش به خدا واگذار می شود. و آنان که بدان کار بازگردند، اهل جهنم اند و جاودانه در آن خواهند بود.

نخست در یک تشبیه گویا و رسا، حال رباخواران را مجسم می سازد، می فرماید: کسانی که ربا می خورند، بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان با او دیوانه شده و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاه به زمین می خورد و گاه بر می خیزد «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ».

در این جمله شخص رباخوار، تشبیه به آدم مصروع یا دیوانه بیمار گونه ای شده که به هنگام راه رفتن قادر نیست تعادل خود را حفظ کند و به طور صحیح گام بردارد.

آیا منظور ترسیم حال آنان در قیامت و به هنگام ورود در صحنه رستاخیز است؟

یعنی آنها به هنگام ورود در عرصه ی محشر به شکل دیوانگان و مصروعان محشور می شوند؟

اکثر مفسران این احتمال را پذیرفته اند. ولی بعضی می گویند منظور تجسم حال آن ها در زندگی این دنیا است،

زیرا عمل آن‌ها همچون دیوانگان است، آن‌ها فاقد تفکر صحیح اجتماعی هستند و حتی نمی‌توانند منافع خود را در نظر بگیرند و مسائلی مانند تعاون، همدردی، عواطف انسانی، نوع دوستی برای آن‌ها، مفهومی ندارد و پرستش ثروت آن چنان چشم عقل آنها را کور کرده که نمی‌فهمند استثمار طبقات زیر دست، و غارت کردن دسترنج آنان بذر دشمنی را در دل‌های آن‌ها می‌پاشد، و به انقلاب‌ها و انفجارهای اجتماعی که اساس مالکیت را به خطر می‌افکند منتهی می‌شود، و در این صورت امنیت و آرامش در چنین اجتماعی وجود نخواهد داشت، بنابراین او هم نمی‌تواند راحت زندگی کند.

اما از آنجا که وضع انسان در جهان دیگر تجسمی از اعمال او در این جهان است ممکن است آیه اشاره به هر دو معنی باشد، آری رباخواران که قیامشان در دنیا بی‌رویه و غیر عاقلانه و آمیخته با ثروت اندوزی جنون آمیز است، در جهان دیگر نیز بسان دیوانگان محشور می‌شوند.

جالب اینکه در روایات معصومین (علیهم السلام) به هر دو قسمت اشاره شده است در روایتی در تفسیر آیه می‌خوانیم که امام صادق (علیه السلام) فرمود: *اکل الربا لا یخرج من الدنیا حتی یتخطه الشیطان یعنی*، رباخوار از دنیا بیرون نمی‌رود مگر این که به نوعی از جنون مبتلا خواهد شد.

در روایت دیگر برای مجسم ساختن حال رباخواران شکمبار که تنها به فکر منافع خویش هستند و ثروتشان و بال آن‌ها خواهد شد، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نقل شده که فرمود: هنگامی که به معراج رفته دسته‌ای را دیدم بحدی شکم آنان بزرگ بود که هر چه جدید می‌کردند برخیزند و راه روند، برای آنان ممکن نبود، و پی در پی به زمین می‌خوردند از جبرئیل سوال کردم این‌ها چه افرادی هستند و جرمشان چیست؟

جواب داد: اینها رباخواران هستند.

حدیث اول حالت آشفته‌گی انسان را در این جهان منعکس می‌سازد و حدیث دوم حالات رباخواران در صحنه قیامت را بیان می‌کند و هر دو مربوط به یک حقیقت است، همانطور که افراد پرخور، فربهی زنده و بی‌رویه‌ای پیدا می‌کنند، ثروتمندانی که از راه رباخواری فربه می‌شوند نیز زندگی اقتصادی ناسالمی دارند که وبال آن‌ها است.

در اینجا سوالی پیش می‌آید و آن این است که آیا سرچشمه جنون و صرع از شیطان است که در آیه بالا به آن اشاره شده است با این که می‌دانیم صرع و جنون از بیماری‌های روانی هستند و غالباً عوامل شناخته شده‌ای دارند.

در پاسخ به این سوال باید گفت، جمعی معتقد هستند که تعبیر

مس شیطان کنایه از بیماری روانی و جنون است و این تعبیر در میان عرب معمول بوده نه اینکه واقعا شیطان تاثیری در روح انسان بگذارد ولی هیچ بعید نیست که بعضی از کارهای شیطانی و اعمال بی‌رویه و نادرست سبب یک نوع جنون شیطانی گردد، یعنی به دنبال آن اعمال، شیطان در شخص اثر بگذارد و تعادل روانی او را بر هم زند از این گذشته اعمال شیطانی و نادرست هنگامی که روی هم متراکم گردد اثر طبیعی آن از دست رفتن حس تشخیص صحیح و قدرت بر تفکر منطقی می‌باشد.

سپس به گوش‌هایی از منطوق رباخواران اشاره کرده، می‌فرماید: این به خاطر آن است که آن‌ها گفتند: بیع هم مانند ربا است و تفاوتی میان این دو نیست (ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربوا).

یعنی هر دو از انواع مبادله است که با رضایت طرفین انجام می‌شود.

ولی قرآن در پاسخ آن‌ها می‌گوید: چگونه این دو ممکن است یکسان باشد حال آن که خداوند بیع را حلال کرده و ربا را حرام (واحل الله البیع و حرم الربوا).

مسلمانان تفاوت، دلیل و فلسفه‌ای داشته که خداوند حکیم، به خاطر آن چنین حکمی را صادر کرده است، قرآن در این باره توضیح بیشتری نداده و شاید به خاطر وضوح آن بوده است، زیرا:

اولاً: در خرید و فروش معمولی هر دو طرف به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند، گاهی هر دو سود می‌کنند و گاهی هر دو زیان، گاهی یکی سود و دیگری زیان می‌کند در حالی که در معاملات ربوی رباخوار هیچگاه زیان نمی‌بیند و تمام زیان‌های احتمالی بر دوش طرف مقابل سنگینی خواهد کرد و به همین دلیل است که موسسات ربوی روز به روز وسیع‌تر و سرمایه‌دارتر می‌شوند و در برابر تحلیل رفتن طبقات ضعیف بر حجم ثروت آن‌ها دائماً افزوده می‌شود.

ثانیاً: در تجارت و خرید و فروش معمولی طرفین در مسیر تولید و مصرف گام بر می‌دارند در صورتی که رباخوار هیچ عمل مثبتی در این زمینه ندارد.

ثالثاً: با شیوع رباخواری سرمایه‌ها در مسیرهای ناسالم می‌افتد و پایه‌های اقتصاد که اساس اجتماع است متزلزل می‌گردد، در حالی که تجارت صحیح موجب گردش سالم ثروت است. رابعاً: رباخواری منشا دشمنی‌ها و جنگ‌های طبقاتی است، در حالی که تجارت صحیح چنین نیست و هرگز جامعه را به زندگی طبقاتی و جنگ‌های ناشی از آن سوق نمی‌دهد.

سپس راه را به روی توبه کاران گشوده، می‌فرماید: هر کس اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند،



(بقره ۲۷۶) خداوند، ربا را ناچیز می گرداند و صدقات را افزونی می دهد و هیچ کفران کننده گنهکار را دوست ندارد. در این آیه مقایسه ای بین ربا و انفاق در راه خدا می کند، می فرماید: خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد (یمحق الله الربوا و یربی الصدقات).

سپس می افزاید: خداوند هیچ انسان بسیار ناسپاس گنهکار را (که آن همه برکات انفاق را فراموش کرده و به سراغ آتش سوزان رباخواری می رود) دوست نمی دارد (و الله لایحب کل کفار اثم). محق به معنی نقصان و نابودی تدریجی است، و ربا نمو و رشد تدریجی است از آن جا که رباخوار به وسیله ثروتی که در دست دارد حاصل دسترنج طبقه زحمتکش را جمع می کند و گاه با این وسیله به هستی و زندگی آنان خاتمه می دهد و یا لاقفل بذر دشمنی و کینه در دل آنان می پاشد به طوری که تدریجا تشنه خون رباخوار می گردند و جان و مالش را در معرض خطر قرار می دهند.

قرآن می گوید: خدا سرمایه های ربوی را به نابودی سوق می دهد این نابودی تدریجی که برای افراد رباخوار هست برای اجتماع رباخوار نیز می باشد.

در مقابل، کسانی که با عواطف انسانی و دلسوزی در اجتماع گام می نهند و از سرمایه و اموالی که تحت اختیار دارند انفاق کرده و در رفع نیازمندی های مردم می کوشند، با محبت و عواطف عمومی مواجه می گردند و سرمایه آن ها نه تنها در معرض خطر نیست بلکه با همکاری عمومی، رشد طبیعی خود را می نماید این است که قرآن می گوید و انفاق ها را

سودهایی که در سابق (قبل از حکم تحریم ربا) به دست آورده مال او است و کار او به خدا واگذار می شود و گذشته او را خدا خواهد بخشید (فمن جاءه موعظه من ربه فانتهی فله ما سلف و امره الی الله).

اما کسانی که (به خیره سری ادامه دهند) و باز گردند (و این گناه را همچنان ادامه دهند) آنها اهل دوزخ هستند و جاودانه در آن می مانند (و من عاد فاولئك اصحاب النار هم فیها خالدون). در جمله قبل تصریح شده بود که این قانون مانند هر قانون دیگر گذشته را شامل نمی شود، و به اصطلاح عطف به ما سبق نمی گردد، زیرا اگر قوانین بخواد زمان قبل از تشریح خود را شامل شود، مشکلات فراوانی در زندگی مردم به وجود می آید، به همین دلیل همیشه قوانین از زمانی که رسمیت می یابد اجرا می شود.

البته معنی این سخن آن نیست که اگر رباخواران طلب هایی از افراد داشتند می توانستند بعد از نزول آیه چیزی بیش از سرمایه خود از آن ها بگیرند، بلکه منظور این است سودهایی که قبل از نزول آیه گرفته اند بر آن ها مباح شده است.

جمله «وامره الی الله» گر چه ظاهرش این است که آینده این گونه افراد از نظر عفو و مجازات روشن نیست، بلکه بسته به لطف الهی است، ولی با توجه به جمله قبل از آن (فله ما سلف)، معلوم می شود که منظور همان عفو است، گویا اهمیت گناه ربا سبب شده است که حتی حکم عفو درباره کسانی که قبل از نزول آیه دست به این کار زده اند به طور صریح گفته نشود. « یمحق الله الربا و یربی الصدقات و الله لایحب کل کفار اثم ».



افزایش می دهد.

این حکم در فرد و اجتماع یکی است، در اجتماعی که به نیازمندی های عمومی رسیدگی شود قدرت فکری و جسمی طبقه زحمتکش و کارگر که اکثریت اجتماع را تشکیل می دهد بکار می افتد و به دنبال آن یک نظام صحیح اقتصادی که بر پایه همکاری عمومی و بهره گیری عموم استوار است به وجود می آید.

کفار (از ماده کفور بر وزن فجور) به کسی گویند که بسیار ناسپاس و کفران کننده باشد و ائیم کسی است که گناه زیاد مرتکب می شود.

جمله فوق می گوید: رباخواران نه تنها با ترک انفاق و قرض الحسنه و صرف مال در راه نیازمندی های عمومی شکر نعمتی که خداوند به آن ها ارزانی داشته به جا نمی آورند بلکه آن را وسیله هر گونه ظلم و ستم و گناه و فساد قرار می دهند و طبیعی است که خدا چنین کسانی را دوست نمی دارد.

و در آخرین آیه مورد بحث سخن از گروه باایمانی می گوید که درست نقطه مقابل رباخواران اند، می فرماید: کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و زکات را پرداختند اجر و پاداش شان نزد خدا است، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می شوند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»
(بقره/۲۷۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید، و اگر ایمان آورده اید، از ربا هر چه باقی مانده است رها کنید. در آیه نخست خداوند افراد با ایمان را مخاطب قرار داده و برای تاکید بیشتر در مساله تحریم ربا می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا به پرهیزید و آنچه از ربا باقی مانده رها کنید اگر ایمان دارید (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربوا ان کنتم مومنین).

جالب اینکه: آیه فوق هم با ایمان به خدا شروع شده و هم با ایمان ختم شده است. و در واقع تاکید می کند بر این معنی که رباخواری با روح ایمان سازگار نیست، بنابراین هنگامی ایمان برای آن ها حاصل می شود که تقوا را پیشه کنند و باقی مانده ربا یعنی مطالباتی که در این زمینه دارند رها سازند.

منظور این نیست که رباخواران کافرند آن گونه که خوارج در مورد گناهان کبیره به طور کلی می پندارند بلکه با ایمان راسخ و ثمر بخش سازگار نیست.

در آیه بعد لحن سخن را تغییر داده و پس از اندرزهایی که در آیات پیشین گذشت با شدت با رباخواران برخورد کرده، هشدار می دهد که اگر به کار خود همچنان ادامه دهند و در برابر حق و عدالت تسلیم نشوند و به مکیدن خون مردم

محروم مشغول باشند، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ناچار است با توسل به جنگ جلو آنها را بگیرد، می فرماید: اگر چنین نمی کنید بدانید با جنگ، با خدا و رسول او روبرو خواهید بود.

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَکُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» بقره آیه ۲۷۹ و هرگاه چنین نکنید، پس جنگ با خدا و رسول او را اعلام کنید. و اگر توبه کنید، اصل سرمایه از آن شماست. در این حال نه ستم کرده اید و نه تن به ستم داده اید.

این همان جنگی است که طبق قانون قاتلوا التی تبغی حتی تفیء الی امر الله با گروهی که متجاوز است پیکار کنید تا به فرمان خدا گردن نهاد انجام می گیرد.

لذا در روایتی می خوانیم هنگامی که امام صادق (علیه السلام) شنید شخص رباخواری با نهایت جرات ربا می خورد و نام آن را شیر آغاز می نهاد.

فرمود: اگر دست بر او یابم، او را به قتل می رسانم. البته از این حدیث استفاده می شود که حکم قتل در مورد کسانی است که منکر تحریم ربا هستند.

«فأذنوا» از ماده اذن هر گاه با لام متعدی شود به معنی اجازه دادن است و هر گاه با باء متعدی گردد به معنی علم و آگاهی است، بنابراین «فأذنوا بحرب من الله» مفهومی است آگاه باشید که خدا و رسولش با شما رباخواران، پیکار خواهد کرد، و در واقع اعلان جنگ از سوی خدا و رسول به این گروه خیره سر است.

بنابراین آن چه در سخنان بعضی معروف است که در ترجمه آیه می گویند: اعلان جنگ با خدا بدهید درست نیست در هر حال از آیه بالا بر می آید که حکومت اسلامی می تواند با توسل به زور جلو رباخواری را بگیرد.

(ضمناً آمدن حرب به صورت نکره دلیل بر اهمیت جنگ است).

سپس می افزاید: و اگر توبه کنید سرمایه های شما از آن شما است نه ستم می کنید، و نه ستم بر شما می شود (و ان تبتم فلکم روس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون).

یعنی اگر توبه کنید و دستگاه رباخواری را بر چینی حق دارید سرمایه های اصلی خود را که در دست مردم دارید (به استثنای سود) از آنها جمع آوری کنید و این قانون کاملاً عادلانه است زیرا که هم از ستم کردن شما بر دیگران جلوگیری می کند و هم از ستم وارد شدن بر شما، و در این صورت نه ظالم خواهید بود و نه مظلوم.

جمله «لا تظلمون و لا تظلمون» گر چه در مورد رباخواران آمده ولی در حقیقت یک شعار وسیع پر مایه اسلامی است

که می گوید: به همان نسبت که مسلمانان باید از ستمگری به پرهیزند از تن دادن به ظلم و ستم نیز باید اجتناب کنند، اصولاً اگر ستمکش نباشد ستمگر کمتر پیدا می شود و اگر مسلمانان آمادگی کافی برای دفاع از حقوق خود داشته باشند کسی نمی تواند به آن ها ستم کند باید پیش از آنکه به ظالم بگوییم ستم مکن به مظلوم بگوییم تن به ستم مده.

در مورد آخرین عبارت ۲۷۹ شهید مطهری منطق قرآن در مورد ربا را این گونه تبیین نموده اند: از این تعبیر قرآن به نظر می رسد که اساساً قرآن سود گرفتن از قرض را ظلم می داند و می دانیم که ظلم یعنی گرفتن چیزی بدون حق و بدون یک مجوز. البته مجوز طبیعی نه مجوز قانونی در واقع عدل هم یعنی به هر مستحقی آنچه را که استحقاق دارد دادن و ظلم تجاوز به حقوق دیگران است. قرآن ربا گرفتن را تجاوز به حق قرض گیرنده تلقی می کند و به قول ما اصلاً نامشروع می داند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات می فرماید: خدای سبحان در این آیات در امر ربا خواری شدتی به کار برده که در باره هیچ یک از فروع دین این شدت را به کار نبرده است مگر یک مورد که سخت گیری در آن نظیر سخت گیری در امر ربا است، و آن این است که: «مسلمانان، دشمنان دین را بر خود حاکم سازند»، و اما بقیه گناهان کبیره هر چند قرآن کریم مخالفت خود را با آن ها اعلام نموده و در امر آن ها سخت گیری هم کرده، ولیکن لحن کلام خدا ملایم تر از مساله ربا و حکومت دادن دشمنان خدا بر جامعه اسلامی است و حتی لحن قرآن در مورد «زنا» و «شرب خمر» و «قمار» و «ظلم» و گناهانی بزرگتر از این، چون کشتن افراد بی گناه، ملایمتر از این دو گناه است.

و این نیست مگر برای اینکه فساد آن گناهان از یک نفر و یا چند نفر تجاوز نمی کند، و آثار شومش تنها به بعضی از ابعاد زندگانی را در بر می گیرد و آن عبارت است از فساد ظاهر اجتماع، و اعمال ظاهری افراد، به خلاف ربا و حکومت بی دینان که آثار سوئش بنیان دین را منهدم می سازد، و آثارش را به کلی از بین می برد و نظام حیات را تباہ می سازد، و پرده ای بر روی فطرت انسانی می افکند، و حکم فطرت را ساقط می کند.

و همین طور در مورد این که رباخواری خارج از نظام صحیح زندگی و برهم زنده نظم اجتماعی است این گونه می فرمایند: ربا خوار چیزی برای مدتی به دیگری می دهد، و در عوض همان را با مقداری زیادتر می گیرد، و این عمل بر خلاف فطرت آدمی است، چون فطرت که پایه و اساس زندگانی اجتماعی بشر را تشکیل می دهد حکم می کند که آنچه را که

آدمی دارد و از آن بی نیاز است با آنچه که دیگران دارند و او به آن نیازمند است معاوضه کند (آن مقدار، که از مال خود می دهد به همان مقدار از مال دیگران گرفته جای خالی را پر کند، نه بیشتر بگیرد و نه کمتر) و اما اینکه مالی را بدهد، و عیناً همان را بگیرد با چیزی زائد (از دو جهت غلط است، اول اینکه مبادله ای صورت نگرفته، دیگر اینکه زیادی گرفته)، و این، حکم فطرت و اساس اجتماع را تباہ می سازد، برای اینکه از طرف ربا خوار، منجر به اختلاس و ربودن اموال بدهکاران می شود و از طرف بدهکاران، منتهی به تهی دستی و جمع شدن اموال شان در دست ربا خوار می گردد، پس ربا خواری عبارت است از کاهش یافتن بنیه مالی یک عده، و ضمیمه شدن اموال آنان به اموال رباخوار.

این کاهش و نقصان، از یک طرف، و تکاثر اموال از طرف دیگر، نیز منجر به این می شود که به مرور زمان و روز به روز خرج بدهکار و مصرف او بیشتر می شود، و با زیاد شدن احتیاج و مصرف، و نبودن درآمدی که آن را جبران کند روز به روز خرج بیشتر می شود، و ربا نیز تصاعد می یابد و این تصاعد از یک طرف، و نبودن جبران از طرف دیگر، زندگی بدهکار را منهدم می سازد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۳۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا نخورید به افزودن های پی در پی. و از خدای بترسید تا رستگار شوید.

این دو آیه بر خلاف آیات گذشته به قسم خاصی از ربا نظر دارد و آن ربای مضاعف است، یعنی آیه شریفه، حرمت ربای مضاعف را اثبات می کند، نه این که ربای معمولی را مجاز بشمرد، بلکه نسبت به ربای عادی ساکت است.

در این دو آیه بر حرمت رباخواری تاکید دارد و رباخواران را به عذاب بیم می دهد که برای کفار آماده شده است.

بنابراین، در حرمت ربا هیچ گونه تردیدی وجود ندارد. اما در رابطه با ربای «اضعافاً مضاعفة» برخی از مفسران، آن را به «ربح مرکب» تفسیر کرده اند که بعد از پایان دوره اول و تداوم قرض، در مرحله بعد بر سود نیز ربا تعلق می گیرد و این موجب تراکم سرمایه می شود؛ بعد از چند دوره بدهی چند برابر و موجب ورشکستگی بدهکار خواهد شد.

گروهی دیگر از مفسران منظور از ربای «اضعافاً مضاعفة» ربای جاهلی می دانند؛ یعنی اگر شخص صد درهم به دیگری وام می داد، در پایان مهلت، اگر بدهکار قادر به بازپرداخت نبود، تقاضای مهلت می کرد. بر اساس این دیدگاه، وام دهنده در ابتدا سودی مطالبه نمی کرد؛ در پایان مهلت، اگر بدهکار قدرت پرداخت بدهی خود را داشت، بدون اضافه



بودند، و همچنین اموال مردم را بنا حق میخوردند، همه اینها سبب شد که گرفتار آن محرومیت شوند.)
گذشته از این کیفر دنیوی، ما آنها را به کیفرهای اخروی گرفتار خواهیم ساخت و برای کافران آن ها عذاب دردناکی آماده کرده ایم: (و اعتدنا للکافرین منهم عذابا الیما)

آثار ربا

۱. **شیطانی بودن عمل رباخواری:** «یتخطبه الشیطان من المس» و پیدا است که عمل شیطانی، عمل رحمانی نیست. چنانکه خداوند در این آیه شریفه فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده / ۹۰)

۲. **ظلم بودن ربا خواری:** ربا خواری چه در سطح خرد و

چه در سطح کلان، چه در ربای معاملی و چه در ربای قرضی، چه در قرض مصرفی و چه در قرض تجاری ظلم و حرام است. منتها در ربای مصرفی ممکن است ظلم بیشتر باشد و در ربای تجاری ظلم کمتر. بیشتر و یا کمتر بودن ظلم، ملاکی برای حرمت یکی و حلّیت دیگری نمی تواند باشد. به هر حال نتیجه ربا این است که باعث می شود پولدار، پولدار تر شود

می پرداخت؛ در صورت ناتوانی از بازپرداخت، از طلبکار تقاضای مهلت در برابر تعهد پرداخت بیشتر را می کرد «زدنی فی الاجل و ازیدک فی المال» یا طلبکار از او می خواست: «انقضی ام تربی» «بدهی ات را می پردازم یا بر مبلغ آن اضافه می کنی»؟

اگر معاملات به صورت کالا بود؛ مثلا شتر یک ساله را بدهکار بود در پایان مهلت و عدم توان بدهکار در بازدهی قرض، در برابر تمدید زمان و مدت دین، شتر یک ساله تبدیل به دو ساله، در صورت تمدید مجدد تبدیل به شتر سه ساله می شد؛ این قسم دیگری از «ربای جاهلی» بود. بنابراین، منظور از ربای «اضعافا مضاعفه» ربای جاهلی به این معنا می باشد.

«وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء / ۱۶۱)

نیز به سبب رباخواریشان و حال آنکه از آن منع شده بودند، و خوردن اموال مردم را به باطل. و ما برای کافران نشان عذابی دردآور مهیا کرده ایم.

تفسیر

و نیز بخاطر اینکه (رباخواری میکردند با اینکه از آن نهی شده

و مال در دست اغنیاء دست به دست شود.

أَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَسْهَدُونَ». این ترک اوامر الهی به دو صورت انجام می شود. گاه کسی ربا را حرام می شمارد و در عین حال به گناه رباخواری تن در می دهد، اما گاهی انسان در اثر فتنه زندگی ربا را عین بیع و حرام را عین حلال می داند منتها این اعتقادات او نشأت گرفته از شبهه و هوی و هوس است.

نتیجه

آیات ربا در قرآن به صورت تدریجی نازل شده است و سیر آن شبیه آیات تحریم شرب خمر بوده است. ربا با همه اقسام آن یعنی ربای معاملی، قرضی، مصرفی و تجاری از نظر آیات قرآنی حرام است و این حرمت از کلمات «لای نهی»، «حرم الربا»، «یتخطبه الشیطان من المس» و «کافر خوانده شدن ربا خوار و وعده آتش داده شدن به او» استنتاج می شود.

ربا در ذات خود مفسد بوده و یک نوع ظلم پنداشته می شود؛ از همین خاطر حکمت تحریم ربا اشمال آن بر ظلم است پس تفاوتی میان ربای مصرفی و ربای تجاری وجود ندارد؛ به خاطر که در هر دوی این ها ظلم وجود دارد.

باید یاد آور شد که فرار از ربا، با حیل‌های مختلف، مشروعیت ندارد و نمی تواند جنگ با خدا و رسول خدا را مهار و منتفی سازد و اگر مشروعیت داشته باشد امری استثنایی است.

همچنین از آیه شریفه زیر ظلم بودن ربا و ممنوع بودن ارتکاب آن فهمیده می شود: «فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» ۲۷۵ بقره. بیان می کند وجه لزوم پرهیز از ربا ظلم است. ظلم گاهی به صورت ظلم فردی است که در جریان آن آدمیان به هم ظلم می کنند به گونه ای که به مرور زمان این گناه بزرگ فراگیر و همه جاگیر می شود و آثار اجتماعی و اقتصادی در پی دارد که همگی از آثار ربا به حساب می آید.

حکمت اصلی و اساسی در تحریم ربا که در آیه ۲۷۵ سوره بقره به آن تصریح شده این است که ربا مستلزم ظلم است؛ مراد از ظلم در اینجا اقسام سه گانه ظلم است؛ هم ظلم به نفس است چون گناه است و هم ظلم به غیر است چون خوردن حق الناس است و هم ظلم به خداست برای اینکه اعلان جنگ با خدا و رسول خداست.

۳. جنگ با خدا و رسول خدا(ص): وقتی که رباخواری

جنگ با خدا و رسول(ص) محسوب می شود نمی توان گفت چون در بعضی از رباها جنگ با خدا و رسول گسترده و ادامه دار نیست پس جنگ و آن ربا مشروع است.

۴. کفر ربا خوار: در سه جای قرآن به رباخوار، عنوان کافر اطلاق شده است:

در آیه ۱۶۱ سوره نساء که خداوند در باره سرگذشت قوم یهود می فرماید علی رغم اینکه آنان مامور به ترک ربا بودند اما مرتکب ربا خواری می شدند و بعد خداوند می فرماید: ما برای کافران از قوم یهود عذاب دردناکی آماده کرده ایم. با این بیان کسانی که از راه خدا جلو گیری می کنند و کسانی که ربا می گیرند و اموال مردم را به باطل می خورند در زمره ی کافران هستند که در آیه به آن ها اشاره شده است.

در آیه ۱۳۱ آل عمران که به دنبال نهی از رباخواری می فرماید: «وَأْتَقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»

در آیه ۲۷۶ سوره بقره که می فرماید «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ»

کفوری که در آیات ربا آمده است کفر قرآنی است که علامه طباطبائی آنرا در کتاب خویش به پنج وجه تقسیم بندی نموده است. که در این مقاله از تشریحات آن پنج بخش صرف نظر نموده فقط وجه چهارم که در اینجا به آن ضرورت احساس می شود را به صورت خلاصه نقل می کنیم: «وجه چهارم: ترک اوامر الهی». که در سوره بقره آیه ۸۴ به آن چنین اشاره شده است «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرَجُونَ

منابع

۱. قرآن کریم
۲. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۱۶۳۴؛
۳. مرتضی مطهری، مسأله ربا و بانک ص ۲۳ و ۲۴
۴. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص: ۶۲۸
۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۳، ص ۸۸
۶. محمد رشید رضا، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفت، جلد ۴؛
۷. حسن محمد تقی الجواهری، الربا فقیها و اقتصادیا، قم: مؤلف ۱۴۰۵ ق، صص ۱۴-۱۷.
۸. بخشی فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا، قم پستان کتاب ۱۳۸۱.



موارد استثناء حرمت ربا

فرزانه صفری - محصل سال چهارم دانشکده اقتصاد و مدیریت

واژه های کلیدی:

ربا، استثنائات، حرمت، اسلام

چکیده

ربا از اموری است که قرآن با قاطعیت به مخالفت با آن برخاسته و به شدت از آن نهی کرده و از گناهان کبیره دانسته است چنانچه امام صادق در این باره فرموده است «یک درهم ربا نزد خدا شدیدتر از هفتاد زنا است که تمام آن با محرم باشد» و همه فقهای شیعه و سنی، گرفتن ربا را حرام شمرده‌اند. بخاطر این که ربا عامل ورشکستگی و بحران اقتصادی است. همچنان باعث ایجاد تورم در جامعه می‌شود، حرمت ربا تا سال ۱۴۰۰ سال پس از میلاد مسیح نیز تداوم داشته است و دریافت هر گونه زیاده حرام بود. در میان بحث های اقتصاد اسلامی ربا اهمیت ویژه دارد. زیرا عمده ترین فرق بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه داری است زیرا اقتصاد دانان سرمایه داری ربا را عاملی تخصیص دهنده منابع و تعادل اقتصادی می دانند. اما با تمام تاکیداتی که اسلام بر حرمت این پدیده فاسد اقتصادی داشته، مشهور فقهای استثنائاتی هم برای آن قائل شده اند. یعنی گرفتن ربا را جایز دانسته است که عبارت است از عدم حرمت ربای پدر از فرزند. شوهر از همسر خود. سید از عبد مسلمان از کافر. که در این بحث به موضوعاتی چون تعریف ربا، مستثنیات ربا پرداخته می‌شود.

مفاهم و کلیات

۱. تعریف ربا

معنای لغوی ربا

ربا بر گرفته از واژه لاتین (USURA) که به معنایی بر خورداری و بهره‌مندی و نیز پرداخت وجه بابت استفاده از پول است. کلیسا در قرون وسطا با تمایل قرض دهنده به دریافت مبلغی مازاد بر اصل قرض مخالف بود و این همان مفهوم است که امروزه به آن بهره می‌گویم. یعنی تفاوت بین اصل مبلغ دریافت شده از قرض دهنده و مبلغ پرداختی به وسیله قرض گیرنده.

ربا در اصطلاح

اما ربادر اصطلاح فقها، گرفتن زیادی در معامله ربوی و یا در قرض میباشد و گاهی نیز به خود معامله ای که مشتمل بر زیادی باشد ربا گفته شده است.

ریشه اصلی کلمه «ربا» که در قرآن کریم نیز به کار رفته «رب» است عرب ها هنگامی که چیزی زیاد می شود یا رشد میکند. می گویند: «ربا الشيء» در قرآن کلمه «ربا» به معنای افزون شدن مال از سرمایه اولیه است. یعنی اینکه اگر پول را

به کسی میدهم، علاوه بر اصل پول زیاده نیز از آن می طلبم که خداوند زیاده گرفتن را حرام قرار داده است و گرفتن هر نوع زیادی را حرام دانسته است. چه زیادی عینی باشد. مثلاً ۱۰۰ کیلو برنج در مقابل ۱۱۰ کیلو برنج.

چه زیاده حکمی باشد مثلاً شی کوچک‌تر را قرض بدهد و شرط کند که قرض گیرنده شی بزرگتر از آن را باز گرداند. چنانچه که خداوند در قرآن کریم فرموده است.

«و ذروا ما بقی من الربوا إن کنتم مومنین فإن لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله ورسوله وإن تبتم فلکم رءوس أموالکم لا تظلمون و لا تظلمون» (بقره/۲۷۸-۲۷۹).

ترجمه: (آنچه را از ربا باقی مانده است، رها کنید. اگر چنین نمی کنید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی بر خاسته اید. اگر توبه کنید (اصل) سرمایه های شما از آن شما است). رسول خدا^(ع): «شرّ المکاسب کسب الرّبا». بدترین کسب ها، ربا خواری است.

امام صادق^(ع) فرموده است: «أخبت المکاسب کسب الرّبا؛ ترجمه: پلید ترین کسب ها ربا خواری است» قرآن نوع خاص از زیاد شده مال را نفی میکند. افزون شدن مال را در اثر تجارت تنها از آن نفی نشده بلکه مورد تشویق نیز قرار گرفته است تجارت که در آن زیاده نباشد به عنوان مثال در زمان های قدیم کسی که توسط اموال دیگران تجارت انجام می داند مالک مال

تنها در سود آن شریک بود در زیان آن شریک نبود چنین تجارت از طرف خداوند نهی شده است. اما تجارتنی که در آن مالک مال هم در زیان آن هم در سود آن شریک بود نفی نشده است بلکه خداوند این چنین تجارت را حمایت می کند. ربا به علاوه اینکه از نظر معنوی یک عمل زشت است از نظر مادی یا اقتصادی نیز زیان بار است زمانی که ربا یا معامله ربوی در جامعه زیاد شود. اثر هایی منفی در جامعه ایجاد میشود اقتصاد دانان یکی از عواملی ورشکستگی، بحران اقتصادی و تورم را ربا می دانند.

از همه مهم تر ربا باعث می شود که در جامعه اختلاف طبقاتی ایجاد شود یعنی ثروتمندان ثروت مند تر می شود و طبقه فقیر، فقیرتر، ثروت طبیعی به صورت درست توزیع نمی شود. ربا در بعضی موارد جایز است که مورد بررسی قرار می گیرد.

۲. مستثنیات ربا

در کتاب های فقهی معمولاً چهار چیز از تحریم ربا استثنا شده است:

ربا بین پدر و فرزند: یکی از موارد استثنا ربا، ربا بین پدر و فرزند است. که همه فقهاء اتفاق دارند که گرفتن زیادی بین پدر و فرزند جایز است. بنابراین هر کدام می توانند با یکدیگری معامله ربوی انجام داده و یا قرض ربوی بدهند. البته اختلافاتی در تفصیل آن وجود دارد از آن جمله ابن جنید گفته است: این حکم در صورتی است که پدر بخواهد از فرزند خود زیادی بگیرد. یعنی اینکه اگر پدری به فرزند خود پول قرض بدهد پدر می تواند از فرزند خود زیاد بگیرد، جایز است. همچنین برخی حکم را در جانب فرزند مختص به پسر دانسته و گفته اند که شامل دختر نمی شود. بنابراین بین دختر و پدر ربا جایزه نیست اما برخی دیگری معتقداند که پدر با دختر هم می تواند معامله ربوی انجام دهد به عنوان مثال پدر می تواند یک گرام طلا را به فرزند خود (دختر یا پسر) بفروشد و در برابر یک گرام طلا، دو گرام طلا بگیرد.

شیخ طوسی در مقام استدلال بر عدم ربا بین پدر و فرزند. گفته است: مال فرزند در حکم مال پدر است.

و ابن ادریس در رد استدلال شیخ گفته است: استدلال شیخ با توجه به عبارت «ولا بین الرّجل وأهله» باطل می شود؛ زیرا مال زن در حکم مال شوهر نیست.

شیخ طوسی تاکید بر آن دارد که مال مربوط به فرزند است مربوط به پدر هم است یعنی مال پدر و فرزند مشترک است. ابن ادریس دلیل شیخ را بر زن و شوهر رد می کند.

یعنی مال که مربوط به زن است مربوط به شوهر او نیست



مولا و عبدش جایز است بنابراین اگر فرزندی محتاج پدری ثروتمند است؛ آن گاه پدر به فرزند خویش قرض ربوی می دهد یا بر عکس پدر محتاج ثروت فرزند است.

ربا بین زن و شوهر: یکی دیگر از موارد استثنا ربا بین زن و شوهر است.

چنان که امام صادق^(ع) فرمود: «لیس بین المسلم و بین الذمی ربا ولا بین المرأة و بین زوجها ربا؛ بین مسلمان و کافر ذمی و بین مرد و همسرش ربا وجود ندارد»

فقیهان معاصر در باره ربا پدر و فرزند ربای شوهر و همسر فتاوی مختلفی داده اند. صاحب عروه، حکیم^(ره) و بسیاری دیگر بر طبق نظر مشهور فتوا داده اند و گرفتن ربا را در این موارد جایز دانسته اند، اما مرحوم خوئی گفته است که احتیاط واجب در ترک آن است یعنی پدر و فرزند، و شوهر و زن نباید با هم دیگر معامله ربوی انجام دهد.

در توجیه این دواستناد گفته شده که شرط زیادت از جانب پدر و فرزند و یا زن و مرد نوعاً و به طور معمول بی اثر است. زیرا اگر یکی از آنها زیادی را ندهد، معمولاً طرف مقابل به

علامه به اشکال ابن ادریس چنین پاسخ گفته است: احکام مساوی گاهی علل مختلف دارند جاری نشدن علت مورد نظر درباره زوج و زوجه، موجب بطلان استدلال شیخ بر علت ربا درباره پدر و فرزند نیست، علاوه بر این که نفی ربا نسبت به زن و شوهر نیز از جهت شدت ارتباط بین آنهاست؛ طوری که مال هر کدام از آن دو در حکم مال دیگری است.

علاوه بر آن، روایاتی است که درباره آن نقل شده است. **الف)** قال أمير المؤمنین^(ع): لیس بین الرجل و ولده ربا و لیس بین السید و عبد ربا؛

امیر مؤمنان علی^(ع) فرمود: بین مرد و فرزندش و بین مولا و عبدش ربا وجود ندارد.

ب) در فقه الرضوی آمده است: «ولیس بین الوالد و ولده ربا ولا بین الزوج والمرأة ولا بین المولی والعبد ولا بین المسلم والذمی» که ربا بین پدر و فرزندش، زن و شوهر، مولا و عبدش، مسلمان و کافر ذمی جایز است.

ج) امام جعفر^(ع) فرمود: «لیس بین الرجل و ولده و بینه و بین عبده ولا بین أهله ربا»

امام جعفر^(ع) فرمود: ربا بین پدر و فرزندش زن و شوهرش

دلیل علقه و گرایش پدر و فرزندی یا زوجیت از دیگری شکایت نمی کند. گاهی نیز گفته می شود که اموال آنان گرچه از نظر حقوقی تفکیک شده است اما از نظر اخلاقی و عاطفی یکی به شمار می آید.

ربا بین مسلمان و کافر:

ربا بین مسلمان و کافر بر دو قسم است. مسلمان و کافر حربی. مسلمان و کافر ذمی

الف) مسلمان و کافر حربی: راجع به ربا بین مسلمان و کافر حربی اختلاف نظر وجود دارد.

که بعضی از دانشمندان معتقد اند که گرفتن

زیادی جایز است ولی دادن زیادی جایز

نیست. ولی بعضی از دانشمندان معتقد اند

که گرفتن و دادن جایز است. ولی بعضی از

دانشمندان معتقد اند که گرفتن و دادن جایز

نیست.

الف) صا حب جواهره معتقد است که تنها

گرفتن زیادی از کافر حربی جایز است، اما

دادن زیادی به وی جایز نیست.

ب) ابن براج گرفتن و دادن زیادی را جایز

می داند وی می گوید: برای مسلمان و کافر

حربی جایز است که یک درهم را در مقابل

دو درهم و یک دینار رادر مقابل دودینار با

یک دیگر معامله کنند.

ج) قال رسول الله (ص) «لیس بیننا و بین اهل حربنا

ربا نأخذ ربا منهم ألف درهم بدرهم ونأخذ

منهم ولا نعطيهم؛ بین ما و اهل حربی ربا نیست،

ما هزارهزار درهم را در مقابل درهمی از آنان

می ستانیم و از آنها می گیریم، ولی به آنها

نمی پردازیم.»

د) از بین فقیهان معاصر، مرحوم خوئی احتیاط

واجب را در ترک گرفتن ربا از کافر حربی

می داند. مگر این که بعد از وقوع معامله، مال

کافر از باب «استنقاذ» گرفته شود، زیرا مال

کافر حربی احترامی ندارد و می توان آن را از

راه ها مختلف از وی ستاند.

ب) مسلمان و کافر ذمی: همان قسم که ربا بین پدر و فرزند،

زن و شوهر، سید و عبد جایز است و می تواند معاملات ربوی

یا قرض ربوی انجام دهد. مسلمان و کافر ذمی نیز می تواند

معامله ربوی انجام بدهد از جمله دانشمندان که معتقد است

که ربا بین مسلمان و کافر ذمی جایز است، عبارتند از:

۱. سید مرتضی می گوید جواز ربا بین پدر و فرزند، زن و شوهر،

سید و عبد، مسلمان و کافر ذمی است.

دانشمندانی مانند شیخ طوسی، ابن ادریس، معتقدند که

مسلمان نه می تواند از کافر ذمی ربا بگیرد و کافر ذمی نیز

نمی تواند از مسلمان ربا بگیرد، به دو دلیل زیر:

۱. عموم نهی از ربا

۲. اموال اهل ذمی مانند اموال مسلمان محترم است و

نمی توان آن را با عقد فاسد گرفت.

ربا بین دولت و ملت: همان گونه که برخی با استفاده از

حیله ربا، بعضی از موارد را از تحت موضوع ربای حرام خارج

ساختند، در استثنات ربا نیز همین امر اتفاق افتاده است یعنی با

قیاس بعضی از موارد به یکی از استثنیات ربا، مثلا قیاس ربا

بین دولت و ملت به ربای بین پدر و فرزند، کوشیده اند ثابت

کنند این موارد حکما از تحت ربای حرام خارج شده است.

بعضی از نویسندگان معاصر اهل سنت ادعا کرده اند که ربا

بین دولت و مردم اشکالی ندارد؛ زیرا ربا بین دولت و ملت

مانند ربا بین سید و عبد است.

اگر دولت به مردم قرض دهد یا بر عکس باشد، زیادی که

می گیرند ربا نیست زیرا همانند ربایی است که در خانواده

است، که اساسا ربا نیست و در واقع از موضوع ربا خارج است

و یا سرمایه هایی که در بانک دولتی است مربوط به دولت

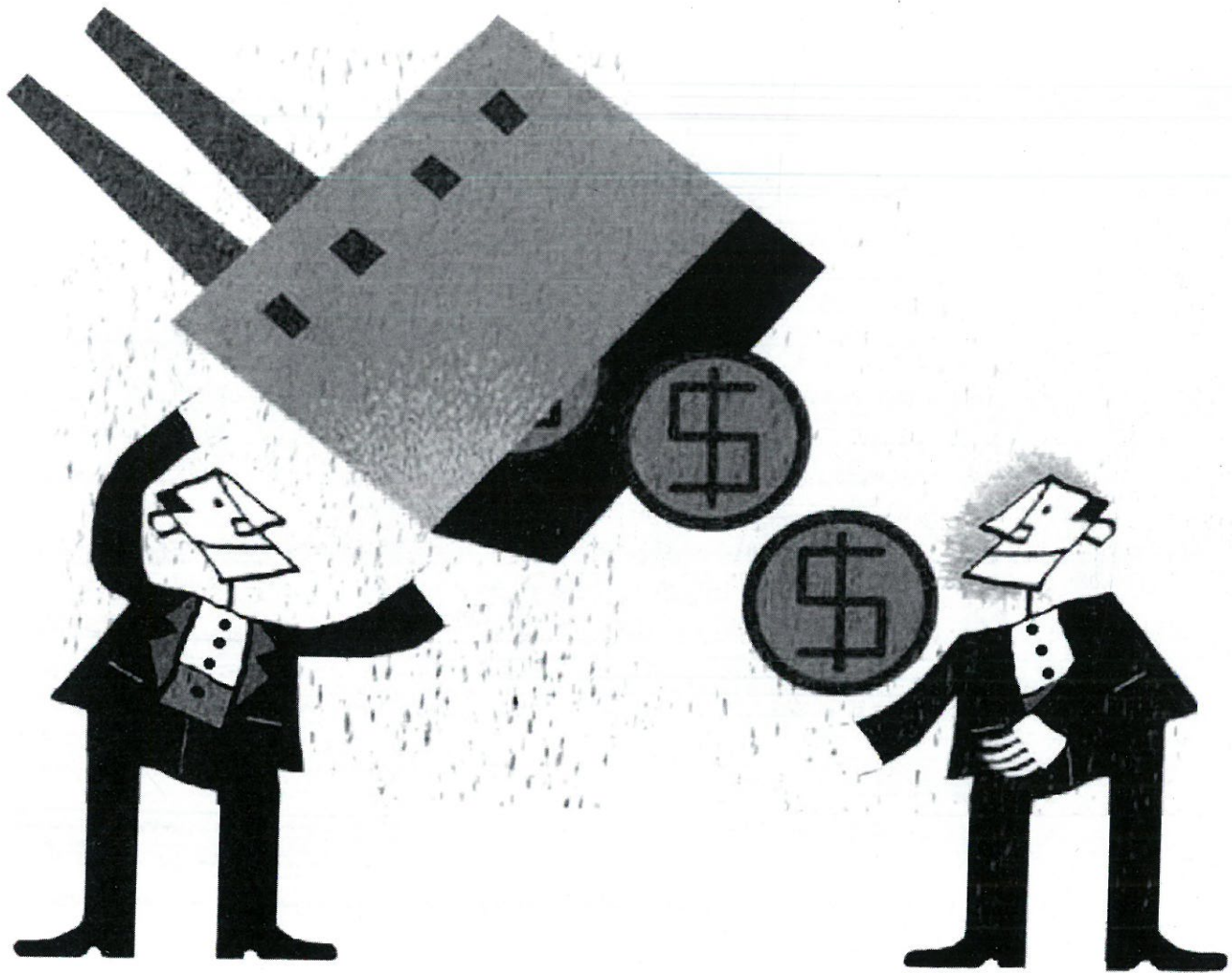
است و به همه مردم تعلق دارد. هر گاه از مردم بهره بگیرد،

چون این بهره نصیب شخص نمی شود. بلکه به همه مردم

تعلق پیدا می کند یا اگر از مردم بهره بگیرد دوباره برای مردم

مصرف می شود. پس ربا بین دولت و ملت وجود ندارد. مانند

اینکه ربا بین پدر و فرزند، زن و شوهر حرمت ندارد.




نتیجه

همان گونه که قبلا بیان شد ربا از مواردی است، که خداوند در قرآن کریم آن را حرام کرده است. گرفتن و دادن هر نوع زیاده را چه عینی باشد چه حکمی در بین مسلمان جایز ندانسته و ربا را از گناهان کبیره دانسته است. چنانچه که خداوند در قرآن کریم در سوره بقره/ ۲۷۹ می فرماید ربا خواری مانند این است که کسی با خدا و رسول خدا بجنگد. هم چنین روایاتی که در باره ی ربا وجود دارد ربا را حرام دانسته است. ربا، علاوه بر اینکه از نگاه معنوی به ضرر انسان و جامعه است از نگاه مادی نیز جامعه را به ورشکستگی، تورم و بحران اقتصادی مواجهه می کند. علاوه بر اسلام ادیان دیگر مانند یهود، مسیحیت و هندو نیز ربا را جایز نمی دانند و گرفتن هر نوع زیاده را حرام دانسته اند.

حرمت ربا در اسلام اهمیت ویژه ای دارد زیرا با ربا می توان اقتصاد اسلامی را از اقتصاد سرمایه داری تفکیک کرد در عین حال در برخی موارد ربا جایز است. مانند ربا بین پدر و فرزند، زن و شوهر، سید و عبد و مسلمان و کافر که کافر بر دو قسم است: کافر حربی و کافر ذمی. هر چند که علما در جزئیات موارد فوق با هم اختلاف دارند.

منابع

۱. قرآن کریم
۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، بیست جلدی، چاپ پنجم: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۳م
۲. شیخ طوسی، النهایة و نکتها، با حاشیه محقق حلی، چاپ اول: انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۴۱۲ هجری قمری
۳. نجفی، محمد حسن، جواهر اکلام، چاپ هفتم، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م
۴. یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، انتشارات داوری، قم
۵. علم الهدی، شریف مرتضی، الانتصار، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۵ هجری قمری
۶. شیخ طوسی، النهایه، انتشارات قدس محمدی، قم.
۷. حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه، چاپ اول: انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۰ هجری قمری
۸. بخشی فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پیشینه تاریخی ربا، ربا در قرآن و سنت، انواع ربا و فرار از ربا، بستان کتاب، چاپ اول ۱۳۸۱ ص ۴۳۹



بررسی تطبیقی تحریم ربا در اسلام و مسیحیت

فاطمه پاینده احمدی، محصل سال سوم دانشکده اقتصاد و مدیریت

چکیده

در میان بحث‌های اقتصاد اسلام، ربا اهمیت ویژه‌ای دارد. اسلام طرفدار اقتصاد متعادل می‌باشد که در آن نه افراط پذیرفته شده و نه تفریط. در اسلام پول طوری باید به جریان انداخته شود که اگر در جریان نقصان نمود صاحب پول از نقصان و اگر مفاد نمود از مفاد بهره می‌گیرد نه زیاد نه کم. در این مقاله مسئله ربا و حرمت آن در اسلام و مسیحیت بررسی شده و مشابهت‌ها و اختلاف‌های بین این دو مکتب مورد مطالعه قرار گرفته است. افزون بر آیین اسلام، آیین یهود، مسیحیت و هندو نیز ربا را منع می‌کنند به طوری که دریافت هر گونه بهره ظالمانه ممنوع می‌کند. ربا مفاد یک جانبه و متصاعد بوده که به یک مفاد معین و ثابت سرمایه به گردش انداخته می‌شود و جهت تفریط آن که نقصان مفاد بوده پذیرفته نمی‌شود.

واژه های کلیدی: ربا، تحریم، اسلام، مسیحیت

ربا از عمل های غیر انسانی، غیر اسلامی و غیر شرعی می باشد که از قدیم تا به امروز در بین مردم متاسفانه رایج می باشد. این پدیده نه تنها در اسلام بلکه در ادیان دیگر از جمله در مسیحیت نیز ممنوع شده است. چون انسان ها طبیعتاً به دنبال این هستند که بیشترین سود را در وقت کم به دست بیاورند. به همین خاطر است که این پدیده نه تنها از بین نرفته بلکه روز به روز زیاد شده است. زیادترین ضربه اقتصادی را طبقه محروم و محتاج می بینند. موضوع ربا در بین ملت های مختلف از قدیم الایام وجود داشته است هر چند آنان در نوع میزان و حرام بودن آن دیدگاه های متفاوت داشتند و حرام بودن ربا را به معتقدات خرافات انسان های ابتدایی ارتباط می دادند، سپس ادیان بزرگ آسمانی دستورات و نصایح ارزنده ای را راجع به ربا به ارمغان آورده اند.

ربا در ادیان الهی

ربا در تمام ادیان الهی از جمله در یهودیت، مسیحیت و همچنان در اسلام یک عمل ناروا شمرده می شود، چون ما می خواهیم تحریم ربا را در اسلام و مسیحیت مورد بررسی قرار بدهیم از این رواج دین یهودیت صرف نظر کرده ربا را در مسیحیت و اسلام مطالعه می کنیم تا مشابهت ها و تفاوت هایی احکام ربا در اسلام و آیین مسیحیت روشن گردد.

۱. تحریم ربا در اسلام

الف) قرآن:

خداوند^{عز}، هیچ چیز را بیهوده حرام نمی کند و هیچ چیز را بدون حکمت حلال نمی کند. تمام موجودات را از روی قاعده و میزان خلق کرده است و قانون هایش دقیق و حساب شده است. در اسلام بار بار در مورد تحریم ربا، آیه های زیادی بیان شده است و آیه های متعدد درباره تحریم ربا بیان شده است که درین جا چند تا از آن اشاره شده است.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» آل عمران/ ۱۳۰ ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید.

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ» بقره ۲۷۷ ای کسانی که ایمان آورده اید! از مخالفت با فرمان خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید اگر ایمان دارید.

۳. «فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ

رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» بقره ۲۷۹ اگر (چنین) نمی کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد، و اگر توبه کنید، سرمایه های شما، از آن شماست (اصل سرمایه بدون سود) نه ستم می کنید و نه ستم بر شما وارد می شود. چنین تعبیر تنیدی در هیچ آیه از قرآن درباره هیچ گناهی از گناهان وارد نشده و نشان می دهد که رباخواری از دیدگاه اسلام تا این حد خطرناک و پرمفسده است.

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» بقره ۲۷۵ کسانی که ربا می خورند، در قیامت بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می خورد، گاهی به پا می خیزد) این، به خاطر آن است که گفتند: داد وستد هم مانند ربا است و تفاوتی میان آن دو نیست). در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام (زیرا تفاوتی میان آن دو نیست). در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از ربا خواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست، و این حکم گذشته را شامل نمی گردد و کار او به خدا واگذار می شود و گذشته او را خواهد بخشید. اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتش اند؛ و همیشه در آن می ماند.

۴. «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ» بقره ۲۷۶ خداوند ربا، را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسیاس گنهکاری را دوست نمی دارد.

۵. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» نساء ۲۹ ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتی باشد که رضایت شما انجام گیرد، و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است.

۶. «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» نسا/ ۱۶۱ و همچنین به خاطر رباخواری در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال، مردم به باطل و برای کافران آن ها عذاب دردناکی آماده کرده ایم.

ب) روایات

۱. قال رسول الله (ص): لعن الله أكل الربا و موكله و شاهده و كاتبه، خداوند ربا خوار و ربا دهنده و شاهدان بر آن و نوسنده عقد آن را لعنت و نفرین کرده است. (جامع الترمذی، ۱۷۷۲)
۲. قال رسول الله (ص): اجتنبوا السبع الموبقات، قالوا وماهن يا رسول الله؟ قال الشرك بالله والسحر وقتل النفس التي حرمه الله الا بالحق و أكل الربا و أكل مال اليتيم و تولی يوم الزحف و قذف المحصنات الغافلات المؤمنات. از هفت گناهان بزرگ که هلاک کننده است، پرهیز کنید، گفتند یا رسول الله آنها چیست؟ فرمود شریک برای خدا قرار دادن، سحر و جادو گری، و کشتن انسان به نا حق که کشتن انسان حرام است، مگر به حق باشد و ربا خواری و خوردن مال یتیمان و فرار کردن از جهاد در روز حمله به دشمن و متهم ساختن زنان پاک دامن نا آگاه و مومن به زنا، (الفقه الاسلامیه و ادلته، ص ۳۶۹۸)
۳. قال رسول الله (ص): اذا ظهر الزنا والربا في قرية فقد اهلوا بانفسهم عذاب الله، وقتی زنا کاری و ربا خواری در قریه آشکار شود مردم آن قریه خود شان عذاب خدا را برای خود فراهم ساخته است. (دیدگاه های فقهی معاصر، ۵۲)
۴. قال رسول الله (ص): من اخذ الربا و جب عليه القتل و كل من اربا و جب عليه القتل، هر کسی ربا بگیرد کشتنش واجب است و هر کس ربا بدهد کشتنش واجب است. (تفسیر قمی، ۹۳)
۵. قال رسول الله (ص): من اكل الربا ملاء الله بطنه نار جهنم بقدر ما اكل. خداوند در روز قیامت شکم ربا خوار را به اندازه ربا که خورده است، از آتش جهنم پر می کند. (سفینه البحار، ۵۰۷)
۶. علی (ع) اذا اراد الله بقریه هلاکا ظهر فیما الربا، زمانی که خداوند بخواهد مردم را نابود کند ربا در میان شان رواج پیدا می کند. (مجمع البیان، ۳۹۰)

ب) تحریم ربا در مسیحیت

- آیین مسیحیت از سه منبع عمده سرچشمه می گیرد.
۱. انجیل به ویژه کتاب بشارت و تعلیمات حضرت مسیح (ع)
 ۲. احکام کلیسا که بعد از حضرت مسیح، کلیسا به نهادی سازمان یافته تبدیل شد، سخنان حضرت مسیح به تنهایی پاسخ گوی تمام پیش آمدها نبود.
 ۳. پژوهشگران علوم دینی که به تبیین مبانی الهیات مسیحی بر اساس اصول اخلاقی فلسفه افلاطون و ارسطو پرداختند.
- حال به بررسی ربا در این منابع می پردازیم.
- عهد جدید در سه مورد و عهد عتیق در چهار مورد به موضوع ربا اشاره کرده است، مانند:
۱. اما شما، دشمنان را دوست بدارید و به آنان خوبی

کنید، قرض بدهید و نگران پس گرفتن نباشید. در این صورت پاداش آسمانی شما بزرگ خواهد بود، زیرا همچون فرزندان خدا رفتار کرده اید، چون خدا نیز درباره حق شناسان و بدکاران مهربان است.

۲. اگر به یکی از افراد قوم خود که محتاج باشد، پول قرض دادی، مثل رباخوار رفتار نکن و از وی سود نگیر.
۳. اگر یکی از هم نژادان اسرائیلی تو فقیر شد، وظیفه تو است که به وی کمک کنی. پس از وی دعوت کن تا به خانه تو بیاید و مانند مهمان با تو زندگی کند. از وی هیچ سود نگیر، بلکه از خدای خود بترس و بگذار برادرت با تو زندگی کند. برای پولی که به وی قرض می دهی سود نگیر و بدون منفعت به وی خوراک بفروش.
۴. وقتی به برادر اسرائیلی خود پول، غذا یا هر چیز دیگری قرض می دهید، از وی بهره نگیرید. از یک غریبه می توانید بهره بگیرید اما نه از یک اسرائیلی. اگر این قانون را رعایت کنید خداوند زمانی که وارد سرزمین موعود شوید به شما برکت خواهد داد.
۵. ای خداوند، چه کسی می تواند به خیمه تو وارد شود؟ چه کسی می تواند در خانه مقدس خداوند، به خیمه تو وارد شود؟ چه کسی می تواند در خانه مقدست بماند پول قرض دهد اما سود آن را نگیرد و از گرفتن رشوه برای دادن شهادت بر ضد بی گناه خودداری کند. چنین شخصیتی همیشه پایدار خواهد ماند.

۲. احکام کلیسا

این احکام به وسیله شوراهای جهانی مسیحیت، پاپ ها صادر شده است. برای نخستین بار شورای آرل در سال ۳۱۴ میلادی و به دنبال آن شورای نیسا در سال ۳۲۵ میلادی و شورای لاوودیسیا در سال ۳۷۲ میلادی ربا را تحریم کردند. نخستین حکم کلیسا درباره ممنوعیت ربا مربوط فتوای پاپ لئو قدیس کبیر پاپ به فتوای پاپ لئو قدیس کبیر پاپ در سالهای ۴۶۱-۴۴۰ میلادی است.

واپسین فتوای پاپ در تحریم ربا در سال ۱۷۴۵ میلادی به وسیله پاپ بنه به دیکت صادر شد. در این بین کلیسای کاتولیک همواره مخالفت خود با رباخواری را در عمل نشان داده است، هر چند شدت تاکید بر حرمت ربا در طول زمان متفاوت بوده است. کلیسا ابتدا فقط روحانیون مسیحی را از رباخواری منع می کرد اما به مرور زمان نخستین شورای کاریج در سال ۳۴۵ میلادی افراد غیر روحانی را نیز از دریافت ربا منع کرد.

۳. آموزه‌های آکویناس قدیس (۷۴-۱۲۲۵)

سومین عامل اثر گذار در دیدگاه ضد ربوی کلیسا برگرفته از تربیت یافتگان مدرسی قرون وسطی به ویژه افرادی مانند توماس آکویناس قدیس است که از بزرگترین فیلسوفان مدرسی آن دوران بوده و هم تراز با فیلسوفانی مانند: افلاطون، ارسطو، کانت و هگل شمرده می‌شد. وی کامیاب شد تا پدران کلیسا را متقاعد کند که مبانی فلسفی کلیسا را باید بر اساس دیدگاه‌های ارسطو بنا گذاشت به این ترتیب، توماس قدیس به احیای دیدگاه‌های ارسطو درباره ربا پرداخت هر چند یونانی‌ها و رومی‌ها حرمت یا کراهتی برای دریافت بهره قائل نبودند، اما افلاطون از ربا بیزار بود و در مدینه فاضله مورد نظر وی هیچ گونه معامله اعتباری جز بر مبنای دوستی و برادری جایز نبود، و به صراحت هر گونه قرض همراه با بهره را نهی می‌کرد.

ج) دلایل حرمت ربا در اسلام

یکی از مسائلی که درباره ربا مطرح است، فلسفه تحریم آن است. این مسئله مورد توجه و اندیشه وران مسلمانان بوده است. هر گاه مسلمانان قانون و شریعت اسلام را در مورد ربا درک کنند، خیر و برکت را در همه امورات اجتماعی، اقتصادی و ... زندگی دینی و دنیایی را بدست می‌آورد.

«هشام بن حکم از امام صادق^(ع) درباره علت تحریم ربا پرسید، امام فرمود اگر ربا حلال بود، مردم تجارت و معامله‌ها را که به آن احتیاج دارند ترک می‌کردند. پس خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به سوی حلال و از ربا به سوی تجارت و داد و ستد امام رضا^(ع) در پاسخ نامه محمد بن سنان نوشتند علت تحریم ربا این است که خداوند عزوجل، از ربا نهی کرد چون مایه تباهی است زیرا انسان اگر یک اموال درهم را با دو درهم بخرد، بهای یک درهم، یک درهم است؛ بهای درهم دیگر به ناحق است. پس خرید و فروش ربوی در هر حال برای فروشنده و خریدار باعث خسارت است.

خداوند عزوجل، ربا را بر بندگان حرام کرد، زیرا باعث نابودی اموال است و علت تحریم ربا در نسیه، از بین رفتن کارهای نیک و نابودی اموال و گرایش مردم به سودجویی و رها کردن قرض است و حال آنکه قرض از کارهای نیک است و نیز ربا سبب فساد و ظلم و از دست رفتن ثروت‌ها است، وقتی اسلام با شدت هر چه تمامتر با ربا و رباخواران به مبارزه برمی‌خیزد مسلماً مصلحت انسانی را از جهات اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی رعایت نموده و می‌خواهد جامعه اسلام و دور از هر گونه انحرافات را به وجود بیاورد.

بسیاری از علما در مورد ربا وجه‌های زیبا گفته‌اند که

تحقیقات و علوم جدید نیز آن‌ها کشف و بر اهمیت آن‌ها افزوده و برخی نکاتی را که امام فخر رازی بیان نموده، موارد ذیل رو آورده‌اند:

۱. ربا موجب اخذ مال دیگران به طور رایگان و بلاعوض می‌گردد، چون کسی که یک افغانی می‌دهد در مقابل دو افغانی از طرف می‌گیرد، در مقابل یک افغانی که به دست می‌آورد چیزی پرداخت نموده است؛ مال انسان که مورد نیاز او است از نظر اسلام دارای احترام به سزایی است تا جایی که پیامبر گرامی می‌فرماید: «احترام مال انسان، احترام خون اوست».
۲. عادت کردن و اتکا بر رباخواری موجب روگردانی از کسب و کار و تعطیل مشاغل حیاتی در جامعه خواهد شد، چون وقتی شخصی بتواند بدون تحمل رنج فقط با انعقاد یک قرارداد به پول و مال فراوان دست یابد دیگر حاضر نیست به کارهای مشکل و پر زحمت صنعتی، تجاری، کشاورزی و غیره تن در دهد و این امر باعث خواهد شد که مردم از اشتغال به کسب‌های مفید و کارهای ثمربخش دوری نمایند و در نتیجه نظام جامعه دچار اختلال می‌گردد و مصالح آن که بر اساس تجارت، صنعت و مهارت‌های حرفه‌ای است با خطر مواجه خواهد شد و مسلماً از لحاظ اقتصادی این موضوع مورد تایید و فلسفه آن قابل تحسین است.
۳. رباخواری موجب از بین رفتن نیکوکاری و داد و ستد بین مردم از طریق قرض الحسنه خواهد شد. وقتی ربا حرام باشد و مردم اجازه نداشته باشند در مقابل چیزی که به عنوان قرض می‌دهند بیشتر از این را پس گیرند، مردم به قرض الحسنه عادت می‌کنند و با طیب خاطر به نیازمندان قرض می‌دهند و اصل قرض را پس می‌گیرند اما اگر ربا حلال می‌شد مردم در اثر نیاز ناچار می‌شدند که به دو برابر و بیشتر قرض بگیرند و این امر باعث از بین رفتن کمک، همکاری، خیر و احسان در بین مردم می‌شد. البته این نکته از جنبه اخلاقی کاملاً مورد تایید می‌شد.
۴. اکثر کسانی که قرض می‌دهند از طبقه ثروتمندان و آنانی که وام می‌گیرند جزء مستمندان و فقرا هستند. چنانچه عقد ربا از طرف شرع جایز می‌شد به معنای این بود که ثروتمندان حق دارند به میل خود، فقیران را استثمار نمایند و مسلماً این امر با رحمت الهی که ارحم الراحمین است سازگار نیست. این نکته زیان جنبه اجتماعی ربا را مدنظر قرار داده که در اثر رواج آن دامن گیر جامعه می‌شود و معنای آن این است که ربا استثمار ضعیفاً و مکیدن خون فقرا و تقویت اغنیا، می‌باشد. در نتیجه ثروتمند، ثروتمندتر و فقیر، فقیرتر می‌گردد. طبقه‌ای به حساب

وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ

وَحَرَّمَ الرِّبَا



طبقه ی دیگر از هر امکاناتی برخوردار خواهد شد و این امر باعث بوجود آمدن کینه و عداوت در بین افراد جامعه و روشن شدن آتش دشمنی و اختلاف خواهد شد. خطراتی که از جانب ربا و ربا خواران متوجه سیاست و حکومت و امنیت محلی و دولتی در عصر حاضر گردیده است، گواه بر این امر می باشد.

۵. ربا سبب قطع رابطه میان سرمایه و کار می شود. چون در ربا سرمایه بدون زحمت و کار بدست می آید، در حالی که در اسلام همیشه تاکید زیاد روی کار صورت گرفته است.

۶. ربا سبب از بین رفتن کارهای نیک از قبیل دستگیری بینویان، همدری و ... می شود. چون انسانان رباخوار همیشه در فکر نفع شخصی می باشد و دیگر کارهای خیرخواهانه کدام ارزشی ندارد.

۷. از همه مهمتر ربا سبب رکود اقتصادی می شود، چون ربا فعالیت های اقتصادی را کمتر می کند. بیکاری افزایش پیدا می کند و سرمایه گذاری متوقف می شود، تولی کاهش می یابد و مردم قدرت خرید کالا را ندارند که این همه عوامل سبب رکود اقتصادی می شود.

(د) فلسفه تحریم ربا در مسیحیت

از بررسی منابع مسیحی درباره ربا شامل انجیل، احکام کلیسا و آثار مکتوب پدران و اصحاب مدرسی فلسفه یونانی، می توان دست کم به ۱۰ استدلال درباره تحریم ربا از طرف اصحاب کلیسا اشاره کرد که در این قسمت به ذکر چند نمونه از آن پرداخته می شود.

۱. رباخواری بر خلاف آموزه های مسیح است. اگر چه عبارت گوسپل به طور متفاوتی قابل تفسیر است، اما عدم صراحت در نهی ربا نمی تواند این حقیقت را کتمان کند که قرض دادن پول در برابر بهره بدترین نوع کسب درآمد است.

۲. در نسخه های گوناگون انجیل قرض به شدت محدود شده است، به طوری که حتی دریافت وثیقه رهن به وسیله قرض دهنده نیز منع شده است. در کتاب خروج انجیل این محدودیت چنین بیان شده است: (اگر لباس وی را گرو گرفتی، پیش از غروب آفتاب آن را به وی پس بده) ۳. ربا در اندیشه ارسطو نیز نهی شده است. هنگامی که

اصحاب کلیسا تحت تاثیر آموزه های ارسطو تمایز بین اقتصاد طبیعی اکتساب غیرطبیعی پول را پذیرفتند، علم اقتصاد به صورت مجموعه قوانینی شناخته شد که باید صحت اخلاقی فعالیت های اقتصادی را تضمین کند. به باور ارسطو، پول ابزار تسهیل کننده انجام معامله های مشروع و بر روی کالاهای طبیعی به منظور کسب مطلوبیت برای مصرف کننده است. از این جهت، پول عقیم است. ربا منفورترین نوع ثروت است که فرزند ناخواسته ای را که جزء هدف های طبیعی پول نیست، پدید می آورد. پول به منظور تسهیل مبادله ها پدید آمده است نه افزایش ثروت. از بین انواع روش های کسب ثروت، رباخواری غیرطبیعی ترین روش ممکن است.

۴. توماس آکینواس قدیس، دیدگاه ارسطو را با دکترین قوانین رومی در می آمیزد که بر اساس آن کالاها به دو گروه کالاهای قابل مصرف و غیرقابل مصرف تقسیم می شوند، چنانکه فردی بخواهد کالای مصرفی را مستقل از استفاده آن بفروشد، مانند آن است که یک چیز را دو بار فروخته باشد یا حتی چیزی را که وجود ندارد،

دریافت می کند. کار یک فضیلت مثبت است که سود و رشد اقتصادی مترتب بر آن قابل توجه است. به گفته انجیل تا آخر عمر به عرق پیشانی ات نان خواهی خورد و سرانجام به همان خاکی باز خواهی گشت که از آن گرفته شده‌ای؛ زیرا تو از خاک سرشته شده‌ای و به خاک هم بر خواهی گشت.

نتیجه

هر چند ربا در اسلام و مسیحیت ممنوع قرار داده شده و تحریم ربا دارای شباهت هایی نیز می باشند، اما آیین مسیحیت نتوانست که در این امر پا برجا بماند. با اینکه مجازات سخت نیز برای ربا خواران در نظر گرفته بودند. چون نسخه های انجیل زیاد مورد تحریف قرار گرفت و یک منبع شفاف و واضح وجود ندارد و اگر انجیل در نظر گرفته شود که عهد جدید و عتیق شامل آن است در مورد ربا تضادهایی وجود دارد و به همین قسم احکام کلیسا که کتاب انجیل را توسعه می داد در جریان، بسیاری از چیزها را در کتاب انجیل کم و زیاد کردند و یا در دوران رنسانس و ظهور اصلاح طلبان به سرکردگی «لوتر و تزوینگل» با اخذ ربا موافقت کردند، در حالیکه قرآن کریم ازین همه پاک و مبرا می باشد. به همین دلیل حرمت ربا تا به امروز در دین مقدس اسلام پا برجاست و همه مسلمین به آن پابند هستند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. جامع ترمذی، ابواب البیع، حدیث ۱۲۰۶ حدیث ۱۷۷۲
۳. وهبه الذهلی، الفقه الاسلامیه وادلته، دارالفر دمشق ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۳۶۹۸
۴. فقه السننه، سید سابق، ترجمه محمود ابراهیمی، ج ۴، ص ۲۵۹
۵. دکتور یوسف قرضاوی، دیدگاه های فقهی معاصر، ج ۲، ترجمه دکتور احمد نعمتی، تهران احسان ۱۳۸۹، ص ۵۲
۶. یاری پور، داود، فصلنامه علمی تربیتی پژوهش اقتصاد اسلام: ۹۸
۷. یاری پور داوود منظر مهدی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۸
۸. تفسیر کبیر، فخر رازی، جلد ۷
۹. روایات ابن الحکیم، تفسیر فخر رازی: ۴
۱۰. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پیشینه تاریخی ربا، درقران و سنت، انواع ربا، فرار از ربا، قم بستان کتاب ۱۳۸۱
۱۱. علی ابراهیم قمی، تفسیر قمی، قم، موسسه دارالکتاب، چاپ ۱۴۰۴، ج ۱ ص ۹۳
۱۲. عباس قمی، سفینه البحار، تهران فراهانی، چاپ ۱۳۶۳، ص ۵۰۷
۱۳. طبرسی، مجمع البیان، تهران، فراهانی ۱۳۵۰، ص ۳۹۰



بفروشد که این امر همانا ارتکاب گناه و بی عدالتی است. از آنجایی که استفاده درست از پول، مصرف آن است، طبیعی است که دریافت بهره بابت قرض مجاز نباشد. ۵. دیدگاه دیگر ناظر به این است که ربا عدالت طبیعی را نقض می کند. هنگامی که پولی قرض داده می شود و قرض گیرنده با آن کالایی را خریداری می کند، مالکیت آن کالا و منافع حاصل از آن به قرض گیرنده انتقال می یابد. چرا بستانکار باید در برابر منافع آنچه اکنون در مالکیت دیگری قرار دارد، وجهی را مطالبه کند؟ این امر به مثابه تعدی به کسی است که پول خود را در مصارف سودآور به کار گرفته و سودی به دست آورد. ۶. توماس قدیس همچنین ربا را به علت پدید ساختن نابرابری و نقض عدالت محکوم می کند. انجیل به دنبال سرزنش و نکوهش ربا نسبت به رسیدگی فقیران، زنان بی سرپرست و یتیمان سفارش کرده و قرض دادن رایگان و بدون چشم داشت به آن ها را تشویق کرده است. حرمت ربا با اندیشه (قیمت عادلانه) که در اخلاق ارسطویی به آن اشاره شده است، هم پیوند است. ۷. بر اساس دیدگاه های قرون وسطا، شخص ثروتمند با دریافت بهره یک عاید بدون زحمت را از شخص بینوایی



بررسی تاریخچه صنعت در افغانستان

میرزا حسین نیکزاد و نورالله خالقیار
محصّلین سال سوم - دانشکده اقتصاد و مدیریت

چکیده

در این تحقیق ابتدا به تاریخ توسعه و تکامل صنعت از دورترین دوران تا به امروز پرداخته شده است. طوریکه می دانیم، امروز پیشرفت صنایع یکی از شاخص های اساسی توسعه و تکامل در جهان مدرن محسوب می شود و میزان پیشرفت آن جایگاه هر کشور را در شمار کشورهای توسعه یافته مانند کشورهای بزرگ صنعتی و اقتصادی GA و یا G20 تثبیت می نماید. فیصدی سهم صنایع در تولید ناخالص داخلی یکی از شاخص های سنجش آن می باشد. البته باید گفت که فرایند انکشاف صنایع مانند هر پدیده ی دیگر از یک نقطه آغاز شده و به شکل تدریجی پروسه تکامل را تا این حد پیموده است و این انکشاف توسط دولت ها بر اساس سیاست های اقتصادی و در چوکات سیاست صنعتی و در مراحل معین توأم با سیاست های حمایتی (به مجموعه تدابیر و تمهیداتی اطلاق می شود که دولت برای حمایت از محصولات ملی در مقابل رقابت محصولات خارجی در پیش می گیرد)، انجام شده است.

واژه های کلیدی: انرژی، کارخانه، تولید انبوه، تخصص گرایی و کار اجرتی.

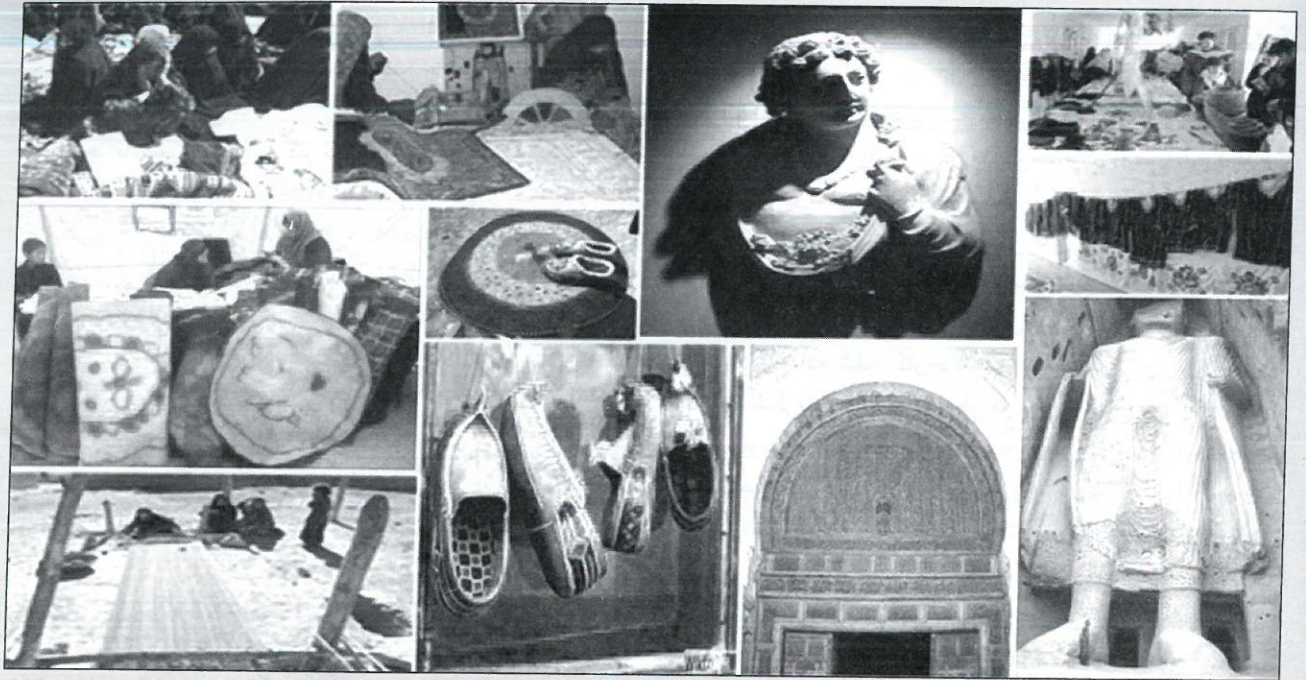
اروپا، اعراب و بالاخره انگلیس گردد. شاهان که درین کشور فرمان روایی کردند و به نشر تمدن‌های شان پرداختند، از اختلاط این تمدن‌ها استفاده می کردند. آریایی‌ها در صنعت کشاورزی، یونانیان در صنعت معماری، صنعت ضرب سکه و مجسمه سازی، کوشانیان در صنعت ظرفه حکاکی، سنگ تراشی، کشاورزی تیموریان و سایر دولت‌های قرون وسطی در معماری شرقی کاشی کاری، نقاشی، گنبد سازی، مدارس، ارگ سازی، راه سازی، کتاب و میناتورهای شاهنامه و شعر سرائی موسیقی و غیره شهرت داشتند. تمدن آریایی‌ها به حیث کانون پنجم تمدن بشری شناخته شده است. بخدی از زمان ظهور زردشت الی ورود عرب‌ها شهرت جهانی داشت. صنایع ظرفه در زمان کوشانیان انکشاف زیادی نموده بود. آثاری که در سال ۱۳۵۸ از طلا تپه و آی خانم بدست آمده است بنام گنج باختر شهرت دارد. تیموریان در معماری، کشاورزی، نقاشی مدرسه سازی شهرت داشت. در عهد غزنویان صنایع دستی به بلندترین مدارج پیشرفت و انکشاف خود رسیده بود خصوصاً در عهد امپراطوری سلطان محمود غزنوی افغانستان مرکز علم و صنعت منطقه گردیده بود صنایع معماری، کاشی و منسوجات، زرگری، حجاری به اوج ترقی رسیده بودند. صنعت اسلحه سازی خصوصاً شمشیر و خنجر آبدار در زمان سلطنت غوریان شهرت به سزایی کسب نموده بود. منار جام و مسجد جامع هرات نیز توسط غوریان اساس گذاشته شد بعداً ذریعه تیموریان هرات ترمیم و تغییر شکل یافت. روضه حضرت علی^(ع) در مزار شریف و مسجد ابو نصر پارسا در بلخ در ایام تیموریان اعمار گردید. در ایام شاهنشاهی درانی توجه به صنایع تولید اسلحه جنگی و معماری مبدول گردید. در عصر بابرین کانال کشی و باغداری رونق خوب داشت. باغ شهر آرا و باغ بابر از آن زمان باقی مانده است. در قرن ۱۸ افغانستان در گیر و دار جنگ بود. صنایع دستی تریه کرم ابریشم و بافت پارچه‌های ابریشم، بافت قالین، نمد و غیره انکشاف نموده بود. در اواخر قرن نوزدهم تعمیر ماشین خانه کابل (فابریکه حریمی) اعمار گردید که بصورت منظم به تولید اشیای مختلف می پرداخت از جمله صنایع اسلحه سازی، ضرب سکه، حکاکی، بوت دوزی، بافت انواع پارچه جات مشغول بود. در اوایل قرن بیستم علاوه بر پیشرفت صنایع ماشینی به صنایع دستی نیز توجه جدی مبدول گردید. صنایع دستی مثل قالین بافی، گلیم بافی، شال بافی و صنایع نساجی دستی دیگر مثل بافتن پارچه‌های پنبه ئی، پشمی، ابریشمی، حجاری و نجاری، معماری و غیره دولت توجه زیادی داشت. در سالهای ۱۳۰۵-۱۳۰۶ غرض تشویق تکه‌های داخلی و منع پوشیدن البسه خارجی از طرف دولت اعلان گردید. که در این صورت صنایع نساجی دستی انکشاف خوبی نمود فابریکه‌های نساجی کابل، جبل سراج و دستگاه‌های انفرادی صنعت گران دستی در

یکی از بخش‌های مهم اقتصاد هر کشور را بخش صنعت تشکیل می دهد. صنایع و تولیدات در واقع آمیختن و ترکیب کردن مواد طبیعی جهت استفاده بهینه و کارا از عوامل تولیدی با هدف ایجاد رفاه و آسایش جامعه می باشد. هر چه بخش صنعت پیشرفته تر و کارا تر باشد، کشور پیشرفته و درآمد ملی و سرانه به موازات آن بالاتر و دسترسی به امکانات صحی، فرهنگی و آموزشی بیش تر خواهد بود. افغانستان نظر به موقعیت جغرافیایی خود پرورشگاه تمدن‌هایی چون یونانیان، چین و هند باستان، عرب‌ها و مصریان بوده است. با ورود ابزار مهارت تولید این خطه خود به تمدن آغاز نمود. که یکی از کانون تمدن بشری تمدن آریایی‌ها می باشد چنانچه در حدود سه هزار سال قبل از میلاد مسیح در افغانستان زراعت و آبیاری پیشرفته، شهرهای با شکوه، قدرتمند و پرنفوس وجود داشت. در هزار سال اول قبل از میلاد صنایع دستی، مسکوکات، طب، نجوم، نساجی و فلزکاری وجود داشت، که نمایندگی از سطح بلند پیشه وری آن زمان را می نماید. صنایع افغانستان در زمان باختریان کوشانیان تیموریان و غزنویان رونق بیشتر داشت. هکذا تمدن کشورهای همسایه نیز در انکشاف صنایع این کشور علاوه گردیده است. چنانچه تمدن‌های مغلیان هند، بریتانیا، چین، سمرقند در توسعه صنایع افغانستان جایگاه خاص خود را داشته است. در حالت کنونی صنعت به سه قسمت صنایع دستی، صنایع خفیفه و صنایع ثقیله تقسیم می شود. که در هر بخش وزارت خانه فعالیت داشت. حال سوال اصلی این است که رشد صنعت در تاریخ افغانستان چگونه رخ داد که زندگی اجتماعی بشر را با دگرگونی عظیم تری روبرو ساخت؟

تحقیق حاضر می کوشد موضوع را در سه بخش مطرح سازد. بخش اول تاریخچه صنعت در افغانستان، بخش دوم رشد صنعت در زمان پادشاهان (امیران)، بخش سوم صنایع دستی افغانستان

الف) تاریخچه صنعت در افغانستان

صنایع هنری هویت ملت‌ها و چگونگی سلاطین افغانستان را معرفی می کند. خانم گالینه پوگاچینکوا محقق روسی در سال ۱۹۶۳ صنایع افغانستان را به سه بخش تنظیم نموده است: گریکوباختر، دوره طلایی قرون وسطی، دوره درخشان هرات، افغانستان نظر به موقعیت خاص جغرافیایی خود مرکز تمدن‌های عظیم بشری بوده است. یکی از این خصوصیات راه و توقف گاه‌های راه ابریشم بوده است. موجودیت چنین راه بزرگ تجارتهای جهانی باعث آن گردید تا این کشور پیوند تمدن‌های هند، چین،



تاریخ "یکصد و چهار توپ جلو پر و دنباله پر صحرا، توپ طاهری، توپ بزرگ استحکام قلعه، ماشیندار و ۲۵۰۰ تفنگ نوع هنری مارتین، تفنگ ۳۰۳ بور، تفنگ بغل پر، تفنگ ۱۲ تکه، تفنگ پنج تکه، جاغر دار، تفنگ دوميله شکاری، خنجر، کارد، چاقو، باروت، کارتوس، پتاقی، توپ و تفنگ فیوز برنجی و چوبی بود. هکذا تولیدات زراعتی بلند رفت و در عرصه سرمایه گذاری خصوصی و دولتی پا نهاده شد.

۲. رشد صنعت در زمان عبدالرحمن خان

عبدالرحمن در ۲۰ سال سلطنت خود به اصلاحات دولتی، رشد سرمایه داری، توسعه تجارت کوشید. شفاخانه ابن سینا و نخستین آب آشامیدنی صحی بنا شد. تصدی‌های رسمی تجاری تشکیل شد. صادرات پوست قره قل، بادام، پسته، چوب و سنگهای معدنی به خارج کشور آغاز گردید. استخراج معادن با آلات و افزارهای ابتدایی آغاز شد. صنایع دستی و پیشه‌وری دوباره زنده شد. تقاضای بازارهای کشور بخصوص نساجی کرک، برک، بشرویه، فناویز، الچه، قالین، گلیم، پوستین و غیره توسعه یافت. تولیدات کارخانه حربی کابل و کارخانه چرم‌گری در رشته‌های فلزکاری و تولید افزارهای چرمی، سبب ارتقای ظرفیت‌های صنعت کاران و پیشه‌وران گردید. سکاتور ساختمانی در این دوره گسترش یافت. اولین دسته موسیقی از هند داخل کشور شد. واردات تولیدات انگلیس آغاز شد.

۳. رشد صنعت در زمان حبیب الله خان

حبیب الله خان پادشاه ترقی پسند بود. در رشد معارف،

مزارشریف، بغلان، کندز، بدخشان، کندهار، جلال آباد، کاشی کاری استالف، جوراب، دستکش و جاکت هزارجات و غزنی کسب موفقیت نموده بود. در سال‌های پس از ۱۳۴۰ افغانستان از لحاظ تولیدات کشاورزی، صنایع دستی، روغن و شکر به یک کشور خود کفا تبدیل گردیده بود. در شمال افغانستان دستگاه‌های تولید تیل کشی، صابون سازی، تکه بافی، علافی و بافندگی فرش را در خانه‌های خود مروج ساخته بودند. صنایع ماشینی و دستی در زمان ظاهرخان رونق خوبی داشت در شهر کابل پارک‌های صنعتی کابل دارای ۲۸۱ فابریکه و در مجموع در تمام کشور ۵۲۰۰ فابریکه کوچک و بزرگ اعمار و بنا شده بود. شرکت‌های ساختمان‌سازی، پشمینه بافی، نساجی‌ها بوت آهو جاکت سازی پیروز سیلو مرکز دارای شهرت بود. علاوه بر آن صنایع دستی مانند اتیک سازی ۴۲۰۰۰ مدل یا گونه، شیشه هرات، سرامیک استالف، دست دوزی غزنی و بامیان قالین شمال هزاران سیاح را بخود جلب نموده بود.

(ب) رشد صنعت در زمان پادشاهان (امیران)

۱. رشد صنعت در زمان امیر شیر علی خان

امیر شیرعلی خان اولین پادشاهی بود کوشید تا در کشور تجارت، تولیدات کشاورزی و صنعت رشد یابد. انتشار نخستین نشریه به نام شمس النهار در دوران همین شاه صورت گرفت. مطبعه لیتوگرافی، کارخانه توپ سازی، تفنگ سازی و باروت سازی ساخته شد. تولید سالانه (ماشین خانه کابل) بر طبق احصائیه میر غلام محمد غبار مولف "افغانستان در مسیر



تولیدات داخلی، تولیدات زراعتی، بناهای دولتی، رشد سرمایه داری، مساعی بخرج داد. هکذا غلامی که حاصلات ننگین جامعه فئودالی بود از بین برده شد. موسیقی رشد یافت، مطابع جدید تیپوگرافی به کار انداخته شد. یک شرکت تولید موتر توسط درباریان ساخته شد. در همین وقت کارخانه چرمگری در کابل به سرپرستی متخصص انگلیس تاسیس گردید. این کارخانه چرم بوت، موزه و سلیپر مورد نیاز برای اردوی افغانستان تهیه می نمود و هم در بازارهای کابل عرضه می کرد. در ۱۹۱۳ کارخانه پشمینه بافی کابل به قوای ۵۰۰ اسب بخار بنیاد گذاشته شد و در ۱۹۱۴ به تولید آغاز کرد. این کارخانه در ابتدا سالانه برای ۵۰۰۰۰ سرباز تکه دریشی نظامی تولید می کرد و به بازار عرضه می کرد. فابریکه برق آبی جبل السراج در ۱۹۰۷ زیر ساخت قرار گرفت. برای نخستین بار در کارخانه حربی کابل باروت سفید یا باروت بی دود تولید شد. کشدین لین های تلفن کابل - ننگرها و کابل - جبل السراج و... نیز در همین دوره صورت گرفت. در ۱۹۱۱ میلادی شفاخانه ملکی کابل تاسیس شد. اعمار و ترمیم جاده ها روی دست گرفته شد. شمار کارگران در این مقطه از ۱۵۰۰ به ۵۰۰۰ رسید. سیر صعودی افزایش کارگران در دوره ی سلطنت امیر حبیب الله خان نشاندهنده ی گسترش سرمایه گذاری در این دور است. (ایمل هاشور)

۴. رشد صنعت در زمان شاه امان الله خان

شاه امان الله توسط جنبش شاهی مشروطه به سر اقتدار آمد. او خود یک شخص ریفورم طلب بود می خواست خیلی به سرعت کشور را به مدارج ترقی رساند. در قدم اول ریفورم ها و قوانین را تصویب نمود تا زمینه رشد را آسان سازد. در سال ۱۹۲۲ قانون تشویق صنایع تصویب شد و شاه از راه رفورم مالیات، رشد صنایع را تشویق کرد. همچنین برای تقویت تولید، قانون "تقاعد" وضع گردید. در این دوره مالکیت خصوصی تحکیم یافت. به علت لغو گمرکات متعدد داخلی، روند گسترش سرمایه داری تسریع شد. شرکت های تجارتی تنویرات، موتر، ادویه، رفقای افغان، اتحاد افغان، قمر و ضیا جرمی تاسیس گردیدند. دولت موسسات تجاری به نام شرکت امانیه و شرکت ثمر، ساخت. از آنجایی که در افغانستان کالاهای خارجی مانع توسعه بیشتر صنایع داخلی می گردید، اقتصاد کشور به حالت بدوی باقی مانده بود. مملکت فاقد کارخانه های عمده، خط آهن و کتله های وسیع کارگری بود. لذا حکومت امانیه در صدد راه اندازی کارخانه ها و خط آهن برآمد و در لویه جرگه در ۱۳۰۷ هجری خورشیدی اعلان نمود که دولت برای تهیه یک کارخانه ترمیم طیاره ها کارهایی را روی دست

گرفته است و همچنان یک کارخانه دیگر جهت تولید باروت سفید ساخته خواهد شد. در این دوره با دو شرکت آلمانی و فرانسوی قراردادهایی بسته شد که بر بنیاد آن قرار بود از جنوب به شمال افغانستان در مدت ده سال خط آهن احداث شود. کشیدن تمديد لین تلگراف و تلفون بین مرکز و ولایات کشور زیر دست گرفته شد. ستیشن های برق در پغمان، جلال آباد و کندهار زیر کار گرفته شدند. به کارخانه های چرم گری، باروت سازی، کارخانه های سمنت و تولید گوگرد انرژی برق داده شد؛ کارخانه های ترمیم موتر و پرزه سازی، صابون، عطریات، نختابی و پارچه بافی، نجاری و یخ سازی، پنبه و روغن کشی در کندهار، مزارشریف و هرات تاسیس شدند. همچنان در این دوره قرار بود تا کارخانه ها و سرمایه گذاری های ذیل روی دست گرفته شوند: قندسازی، نساجی، نخ و جیم، دکمه سازی، حفظ میوه، مسکه و پنیر سازی، آبکشی و تیل خاک کشی، پوسته هوایی بین المللی کابل و مزار با اتحاد جماهیر شوروی، ایران و ترکیه در برنامه دولت قرار گرفت؛ بند آب غازی و بند سراج غزنی تکمیل شد و بستن بند آب چمکنی و تکمیل نهر رزاق روی دست گرفته شد؛ به منظور انعقاد قراردادهایی معادن لاجورد بدخشان، نفت هرات و ایجاد یک کارخانه ذوب آهن و توسعه معادن آهن، زغال سنگ، گوگرد، سرب، ابرک، تباشیر، مرمر و گل سفید برنامه های روی دست گرفته شد و دوخت لباس از تکه های ساخت کشور برای کارمندان دولت اجباری گردید. سیستم نوین مسکوکات در دوره ی امانی شکل گرفت و در اخیر این دوره پول کاغذی به وجود آمد. پایتخت توسط تلگراف با مراکز بزرگ بین المللی وصل شد. در عرصه ی صنایع، سیاست امان الله خان ادامه ی سیاست گذشته بود. این سیاست مبنی بر تاسیس کارخانه های عصری با سرمایه ی دولت بود. در دوره سلطنت شاه امان الله بخش خصوصی آمادگی های لازم برای سرمایه گذاری در عرصه صنایع را نداشت و از آنجائیکه کارخانه های دولت بدون بررسی مواد خام و سنجش درآمد و مصارف خریداری شده بودند، به صورت مطلوب و موثر مورد بهره برداری قرار نگرفتند و سبب رشد چشمگیر تولید نشدند. امان الله خان تلاش ورزید تا صنایع ملی را در برابر صنایع خارجی تقویت کند و به این منظور مستهلکین را وادار به مصرف امتعه داخلی می کرد و سعی می ورزید تا به این صورت صنایع داخلی را تقویت کند و مارکیت وارداتی افغانستان را به مارکیت صادراتی و متکی به خود مبدل سازد.



۵. رشد صنعت در زمان نادر خان

پس از سقوط شاه امان الله یک دوره تاراج به میان آمد که دولت میان تهی شد. نادر خان دوباره دولت افغانستان را از صفر آغاز نمود. در تقویه اردو، معارف و تولیدات وطنی خیلی کوشش نمود. در این دوره دولت به نسبت ضعف اقتصادی نتوانست صنایع کشور را تقویه نماید. در سال ۱۳۰۹ یک شرکت سهامی به سرمایه ۵ میلیون افغانی و یک بانک را تحت نام بانک ملی تاسیس نمود.

۶. رشد صنعت در زمان ظاهر شاه

عصر پیشرفت و ترقی در افغانستان از زمان اعلی حضرت محمد ظاهر شاه آغاز گردید. در کشور پلان های انکشافی ۵ ساله و ۲۵ ساله طرح و تا ۲ مرحله کاملاً تطبیق گردید. در مرحله سوم مشکلات در بودجه وارد گردیده و مرحله چهارم نیز موفقانه به اكمال رسید. در نتیجه افغانستان صاحب شاهراه حلقوی ۱۱ اسد برق ۵۲۰۰ موسسات صنایع کوچک و فابریکات گردید. وضع ترانسپورتی خصوصی و دولتی بهتر و منظم گردید. از تاسیسات و فابریکه های مهم آن وقت فابریکه نساجی گلپهار، نساجی بگرامی، نساجی افغان، پشمینه بافی، نختابی کابل، بوت آهو، پشمینه بافی قندهار، کود و برق مزارشریف، صابون سازی، سیلوا، فابریکه سمنت غوری، جبل السراج، و هرات، بایسکل سازی پامیر، پلاستیک سازی ها، دستگاه ساختمانی هلمند، افغانی، بنائی، سپین غر، راه میدان سازی، فابریکه پایه سازی، تصدی جنگلک، فابریکه حجاری بتون، فابریکه حجاری و نجاری، کابل فلز، خشکه شویی ها، کامازها، افسوتر، فابریکه های کشمش پاکی، بانک ها شرکت های صادراتی بین المللی، بنادر تجارتي، سفارت خانه ها، وزارت خانه ها، تاسیسات و بناهای دولتی، فابریکه شکر بغلان، فابریکه جین و پرس مزارشریف، فابریکه روغن سازی سپین زر، استخراج زغال سنگ و سایر معادن، ایجاد مکاتب و لیسه ها، توزیع کوپن مواد اولیه به مامورین، توشیح قوانین، قوای مسلح مجهز، تشکیل احزاب سیاسی، کوپراتیف ها و اتحادیه های صنفی، مطابع، میدانهای هوایی، محلات رهایشی، شرکت صادراتی قالین، قره قل و غیره می باشد. در آن زمان افغانستان از لحاظ تولیدات زراعتی متکی بخود بوده سالانه صادرات میوه جات خشک تازه پوست قالین و نباتات طبی را داشت. که توازن اقتصاد کشور را مستحکم حفظ نموده بود. در طول سلطنت محمد ظاهر شاه نرخ اسعار ثابت بوده از ۳۴ افغانی هیچگاه بلند نرفته است. تشکیل سرای صرافی شهزاده مشکلات هزاران تاجرین و سایر افغان ها را مرفوع ساخته است که الی امروز این مارکیت موجود است.

۷. رشد صنعت در زمان داود خان

داود خان شخص مقتدر و سیاست مدار افغانستان بود. او در طول حکومت محمد ظاهر شاه اردو افغانستان را مجهز به سلاح مدرن روسی نمود. محمد داود خان در زمان حکومت خود در توسعه اقتصاد و پروژه های عام المنفعه کمک زیاد نمود. وی طرح ۲۵ ساله انکشافی را در عمران کشور روی دست گرفت، پروژه اعمار تلویزون افغانستان، سروی خط آهن از اسلام قلعه، تورغندی، قندهار، غزنی الی کابل، طرح میدان هوای دشت قلعه لوگر، استخراج مس عینک، سد برقی، اسفالت سرک کابل گردیز و غیره را در پیش گرفت.

ج) صنایع دستی افغانستان

صنایع دستی افغانستان عبارتند از دوزندگی، بافندگی، نساجی، معماری، نقاشی، کندن کاری، حکاکی، نجاری، فلز کاری، سرامیک سازی، کشاورزی، گنبد سازی، شیشه سازی، بوت دوزی، عطاری، ادویه سازی و غیره می باشد. دانشمندان صنایع دستی افغانستان را در سه بخش مطالعه می نمایند. صنعت باستان، قرون وسطی یا دوره پس از اسلامی و صنایع معاصر. با وجودیکه در دامنه های هندو کش انسان های اولیه نئاندرتال



به آن «سانجیم» می گویند و بیشتر از نقوش هندسی و قرینه به صورت ذهنی بهره می گیرند. ترکمن ها به فرهنگ تریه کرم ابریشم زود آشنا شدند. ابریشم به عنوان ماده اصلی سوزن دوزی تلقی بوده و دختران و زنان لباس های خود را با نخ های ابریشمین که با رنگ های طبیعی رنگ ریزی می شد، سوزن دوزی می کرده اند. در شمال افغانستان کلا ترکمنی استفاده زیاد دارند. زنان به تعداد سال ازدواج خود کلا می پوشند. یعنی زن که ۳۰ سال از ازدواجش می گذرد ۳۰ کلا می پوشد. مواد اولیه مورد مصرف در سوزن دوزی ترکمن، شامل نخ پارچه ابریشمی و پنبه ای پشم نخ های مصنوعی سند می باشد. برای پارچه نیز از انواع ابریشمی و پشمی استفاده می شود. پس از اختراع ماشین دوزندگی در سال ۱۸۷۰ و ورود وسایل بهتر، دوزندگی به مدارج بلند خود رسید. فعلاً این هنر در سراسر افغانستان مروج است. سالانه صادرات نیز وجود دارد. این هنر در بالای تکه، البسه بستر خواب، پرده دیواری، پارچه بالای اشتر، اسپ و کلا نقش می بندند. که تا فعلاً از اقلام مهم صادرات کشور را تشکیل می دهد. در موارد بسیار حالات از مهره دوزی و زرک نیز استفاده می نمایند.

گلیم (فرش)

آریایی ها قوم مالدار بودند که ۹۰۰۰ سال قبل به اهلی ساختن حیوانات آغاز نمودند. فرش گلیم و قالین در ادرسکن هرات

ایندوگونس از ۱۰۰ هزار سال قبل و انسان مدرن از ۲۰ هزار سال قبل در کناره های رود آمو، ارغنداب و سند الی مهاجرت آریایی ها زندگی نموده است. نمی توانیم در این مورد بدون شواهد دقیق بحث نمود. ولی گفته می توانیم که باشندگان افغانستان ۹۰۰۰ سال قبل با کشاورزی و مالداری آشنا بودند. دوزندگی پس از سال ۲۰۰۲ تغییرات فاحش در صنعت سوزن دوزی بمیان آمد، صنعت دوزندگی هنری است که بنا بر ضرورت میرم اختراع و انکشاف داده شده است. زمانیکه بشر استفاده از پوست حیوانات را شناخت برای محکم نمودن پوست در بدن خود از گره و سوراخ نمودن کار گرفت. در افغانستان دوزندگی البسه در دوره کوشانیان، سلجوقیان و خوارزم شاهیان رونق بیشتر یافت. در مجسمه هایی که بدست آمده کوشانیان از دکمه نیز استفاده می نمودند. در قرون وسطی دوره تیموریان، غزنویان دوزندگی با سوزن و کروشنیل صورت می گرفت. گلدوزی که بخش بزرگ از دوزندگی است از زمان سکاها رایج یافته و در دیگر دوره ها به همراه سایر دوخت و دوزها از رواج کامل برخوردار بوده است. دوره اوج این هنر را در دوران نادرشاه افشار بوده است. سوزن دوزی یا سیاه دوزی در جامعه سنتی ترکمن برای تزئین لباس های مردان، زنان و کودکان و هم چنین پرده ها نیز استفاده می شد. اما امروز عمدتاً در لباس زنان دیده می شود. نوع دوخت آن زنجیره فشرده و بسیار ریز است که در ترکمنی

ساخته شده است زیرا آنها مالدار بودند و هم قالین وسیله استفاده از پشم غرض جلوگیری از نم و سردی می باشد. فرش برای اولین بار بشکل نمد ساخته شده است که ضد رطوبت است و امروز هم در میان عشایر یا کوچی مورد استفاده قرار دارد. ولی قدامت بافندگی قالین به عمر زردشت است. در افسانه ها از قالین حضرت سلیمان یاد آوری می شود. کشف یک عدد قالین در زیر یخ سایبری، ارسال یک عدد قالین از طرف سکندر کبیر به مادر خود، کشف ابزار قالین بافی در بلخ توسط دو کتور لوئی دوبری نمایان می سازد که مردم آسیای مرکزی سازنده اولین قالین بوده است. در افغانستان این صنعت تا امروز در میان مردم ترکمن زیاد مروج است و قالین سازان مشهور افغانستان ترکمن هستند. افغانستان فعلاً دارای ۲۰۰ شرکت تولید کننده قالین میباشد که سالانه ۵۰۰ هزار متر قالین به ارزش ۲-۱۸۰-۲۰۰ میلیون دالر تولید دارد. حدود ۸۱۲۰۰۰ نفر مصروف بافتن قالین هستند. تعداد مجموعی دستگاه قالین بافی در این کشور به ۴۰۰۰۰ می رسد. از لحاظ رنگ گل و دیزاین بیشتر از ۵۰۰ نوع قالین در سراسر افغانستان ساخته می شود. از اینکه افغان ها در پاکستان و ایران مهاجر شدند و صنعت قالین بافی را درین دو کشور بیشتر ساختند از مقام اول به دوم و سوم نزول نموده است. زیرا ایران و پاکستان راه بحری داشته و محصولات گمرکی راه بحری خیلی کم است. افغان ها قالین های خود را بنام این دو کشور صادر می نمایند. فرش دستی که در افغانستان بافته می شود قرار ذیل است.

۱. انواع قالین: قرقرین آقچه چوب باش هراتی بلوچی قزل اعیاق، دو تار گل، ادرسکن، ساورقی، قلعه زالی، اندخوی ئی، واس برکلی، قالین گل پلیت دار، دولت آبادی، تخته رنگ، خال محمدی، اندخوی، قالین خواجه روشنایی، قالین باغچه کندزی، انواع قالین دیواری و غیره می باشد که این قالین ها در ولایات قندوز، بلخ، جوزجان، میمنه، بادغیس، هرات، فراه کابل زیاد بافته می شود.
۲. گلیم دومین صادرات فرش افغانستان را تشکیل می دهد که در ولایات فوق و هزاره جات بافته می شود.
۳. سطرنجی این فرش از پنبه خالص ساخته می شود. زیاده توسط مردم شمالی ساخته می شود.
۴. نمد از موی و پشم حیوانات توسط مالداران و کوچی ها ساخته می شود.

نقاشی

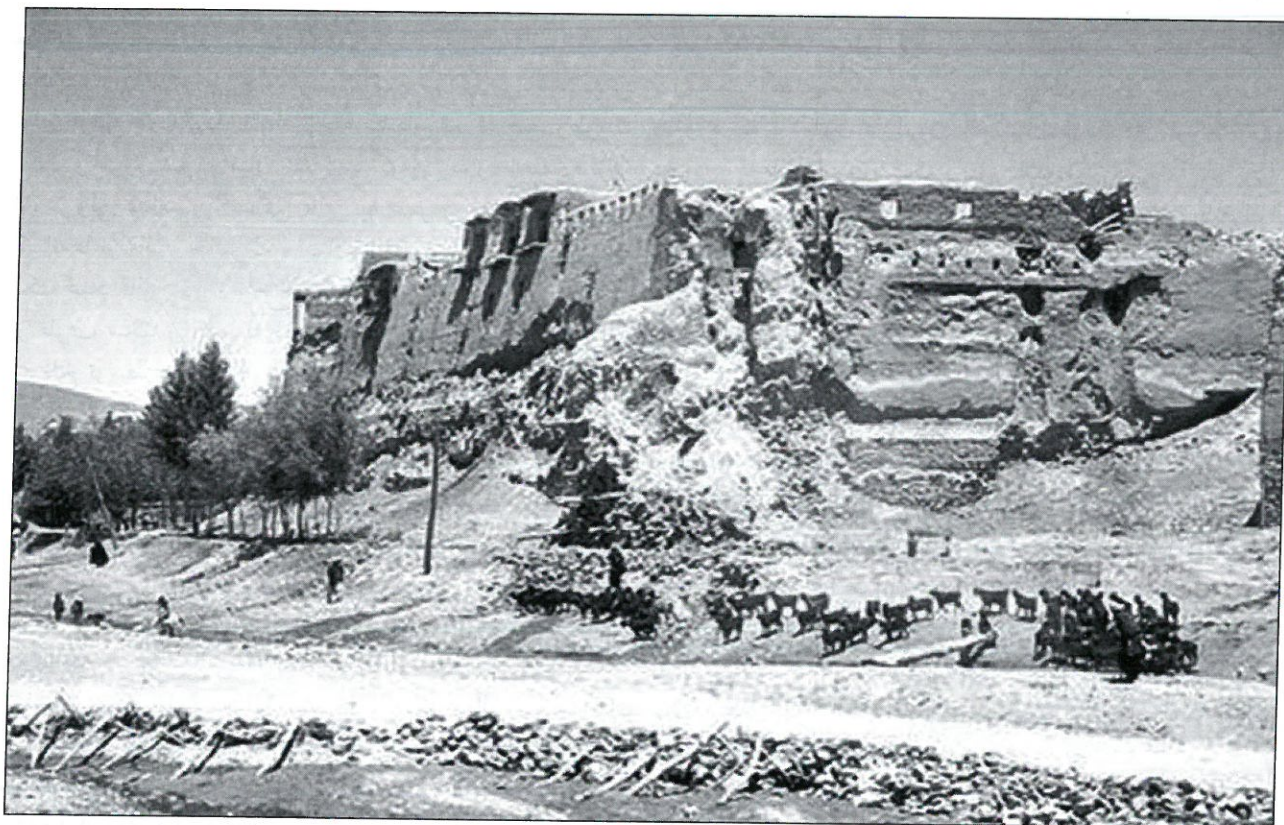
هنر نقاشی و میناتور در افغانستان توسط استاد کمال الدین

بهبزاد (۱۴۵۵م) به طور وسیع بنا شد. کمال الدین هنر نقاشی عربی را با هنر آسیای میانه مخلوط نمود و یک سبک جدید را بمیان آورد که تا اکنون در ایران، افغانستان، ازبکستان مروج است. روی کاغذ، ظروف، تکه و سایر اشیا نقش می نمایند. بهزاد در هرات زاده شد. در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و مورد توجه سلطان و وزیرش امیرعلی شیر نوایی قرار گرفت. شاه اسماعیل صفوی هنگام تصرف هرات بهزاد را که در نقاشی شهرتی داشت، با خود به تبریز برد. بهزاد در خدمت شاه اسماعیل و پسرش شاه طهماسب به اوج شکوفایی هنری رسید و شهرتش از مرزهای کشورش تا دوردست های دربار بابر پادشاه مغولی هند رسید. سلطان حسین او را استادی بی چون و چرا و زبان زد همگان خواند. در ازبکستان انستیتوت بنام بهزاد وجود دارد که نقاشی رسامی و کرامیک درس داده می شود در افغانستان پوهنزی هنرهای زیبا یا «دانشکده هنرهای زیبا کابل» وجود دارد که در آن آثار بهزاد و غلام محمد میمنه ای درس داده می شود. هکذا تعمیری بنام نگارستان وجود دارد که در آن نقاشی های بهزاد استاد غلام محمد میمنه ای و سایر نقاشان را به نمایش گذاشته اند.

فلزات

حدود یک هزار سال قبل از میلاد آریایی ها در کناردریای کم عمق بلخاب شهر بنا نمودند که ۱۸ نهر داشت و به تولیدات زراعتی پرداختند. در کشت و کار زراعتی مجبور شدند تا ابزار آهنی را تولید نمایند. فرهنگ عصر بُرنز (عصر مفرغ) اولیه در شمال و شرق افغانستان ظهور کرد. یکی از دلایل آن استفاده ابزار بمنظور استخراج لاجورد می باشد. سنگ لاجورد به دو منظور استعمال داشت: برای رنگ آمیزی و زیورات. سنگ لاجورد در فلزات از قبیل طلا نقره و مس استفاده داشت. تجارت لاجورد الی تمدن مصر و بین النهرین کشانیده شد. باید یاد آوری نمود که درجه سختی لاجورد ۵-۵/۵ و درجه سختی مس ۲/۵ است. یعنی با مس تنهای نمی توان لاجورد را استخراج نمود. ابزاری که برای استخراج لاجورد استعمال میشده خیلی سخت بوده است. ممکن مفرغ (مس با عنصر سخت) و یا آهن هکذا پس از ورود یونانی ها آریایی ها با فرهنگ و ابزار اروپائی آشنا شدند. این نژاد در عصر برنز به سه تمدن باختر-مرو، دره ی سند جیرفت و تمدنی نیاعیلامی آشنا شدند که بالای مردم این خطه اثر گزار گردیده بود. ساختن زیوران نفیسه و استفاده از طلا در شمال افغانستان بواسطه یونانی ها مروج گردید. ضرب سکه ظروف مسی و برنجی در همین ایام زیاد مروج گردید. باستان شناسان در جنوب افغانستان در مُندیگک (در نزدیکی قندهار امروزی) شواهدی از یک شهر واقعی پیدا کردند، و شواهدی از بناها و





آن جای که افغانستان از کاروان تمدن، صنعت و پیشرفت جامعه بشری باز مانده است، صنعت با تمام زیر مجموعه های خود همانند سایر موضوعات دیگر اقتصادی_ اجتماعی اساساً شکل نگرفته است و احياناً اگر به صورت جزئی و موردی در دوران معاصر بنیانگذاری شده است، بخاطر نابسامانی های سیاسی و بحران های اجتماعی به کلی نابود گشته و یا متوقف باقی مانده است.

منابع:

۱. افغانستان در مسیر تاریخ، علام محمد غبار
۲. افغانستان در پنج قرن اخیر، میر صدیق فرهنگ
۳. توسعه اقتصادی، استاد محمد اسحاق "مهدوی"
۴. اقتصاد افغانستان، محمد توسلی "غرجستانی" ۳۰۷.

اشیائی که شهرهای واقعی برجای می ماند: بناهای مذهبی و آثار هنری حجاری شده و نقاشی شده. در مندیگک، باستان شناسان بنای ستون دار بزرگی متعلق به هزارهی سوم پیش از میلاد کشف کردند که در گاهش با خط سرخ ترسیم شده بود، و احتمالاً برای اهداف مذهبی بنا شده بود. در تپهی ده مُراسی، باستان شناسان مجموعه ای از یک زیارتگاه را پیدا کردند که حاوی اشیایی بود متعلق به مراسم مذهبی همچون شاخ های بُز، یک کاسه، مَهرِ مسی، نل مسی میان خالی، جام کوچکی از سنگ مرمر، یک تندیس سفال گری شده و کنده کاری شده از یک ملکه یا مادر و تندیس که نشانه فراوانی بوده و مشابه تندیس هایی بود که در مندیگک نیز یافت شده بودند. کوشانیان و به خصوص سکاها زیاده پیشه ور بوده و در ساختن ظروف مسی، زیورات طلا و ظریف سازی مهارت داشتند.

نتیجه

صنایع و تولیدات در واقع آمیختن و ترکیب کردن مواد طبیعی جهت استفاده بهینه است. صنایع افغانستان در زمان باختریان، کوشانیان، تیموریان و غزنویان رونق بیشتر داشت. قبل از میلاد مسیح صنایع دستی مانند مسکوکات، فلزکاری، نقاشی، مجسمه سازی و ... وجود داشت، اما متأسفانه از

عنایت‌الله محمدی و علمگل حسینی
محصلین سال سوم دانشکده اقتصاد و مدیریت

بررسی تاثیر زراعت بر اقتصاد افغانستان (با تاکید بر غزنی)

مقدمه

زراعت فرایند کاشت و برداشت گیاهان می باشد. زراعت کلتوری است که تعلق به مهارت و میکانیزه بودن کار دهقان ها، توپوگرافی، آب و هوا و مساعد بودن شرایط دارد، یا زراعت فن است که نسل به نسل به عنوان میراث باقی مانده است. زراعت کشت نبات دلخواه می باشد. نباتات و جنگلات خودرو زراعت نیست. افغانستان در موقعیت مرکز آسیا قرار داشته دارای اقلیم خشک نیمه گرم یا گرم می باشد. زمستان اکثر مناطق این کشور، سرد و تابستان خیلی گرم دارد. بطور کلی هدف از زراعت و تولید گیاهان زراعی مختلف دستیابی به محصولاتی است که به منظور هدف های زیر کشت می شوند:

۱. تولید دانه به منظور تغذیه ی انسان و دام مانند گندم، جو، ذرت و غیره؛
۲. تولید و شاخ و برگ سبز برای تغذیه دام مانند رشقه، شبدر، اسپرس؛
۳. بدست آوردن ریشه، غده، برگ و گل گیاه به منظور تغذیه مانند چغندر، قند، زردک، کاهو و گل پی؛
۴. تولید غده کچالو برای تهیه نشاسته و ساقه نیشکر برای تولید شکر؛
۵. تولید گیاهان روغنی و لیفی برای تهیه مواد خام صنایع تبدیلی در کشاورزی، در هر صورت عملیات برداشت از چیدن محصول تا نگهداری و انبار و ذخیره کردن محصولات را در بر می گیرد؛

واژه های کلیدی: فرایند زراعت، کاشت و برداشت، اراضی، اقتصاد زراعتی، توسعه اقتصاد با زراعت

گیاه حداکثر ارزش کیفی و کمی را حاصل نموده یا به عبارت دیگر مرحله رسیدن فیزیولوژیک فرا رسیده باشد.

چنانچه برداشت محصول دیرتر انجام شود و دقت کافی در طی عملیات برداشت صورت نگیرد، معمولاً عملکرد محصول کاهش می یابد. پس از چیدن (برداشت) محصول نیز به علت ادامه برخی فعالیت‌های حیاتی در اندام‌های برداشت شده مثل تنفس یا تبخیر آب چنانچه محصول در شرایط نامناسبی نگهداری یا انبار شود مقداری از مواد ذخیره (مواد آلی) خود را از دست خواهد داد و حتی ممکن است مورد حمله آفات انباری و برخی بیماری‌های قارچی قرار گرفته کمیت و کیفیت محصول دچار نقصان شود.

۱. اقتصاد زراعتی افغانستان

طبق گزارش USID و احصایه وزارت زراعت هشتاد فیصد مردم افغانستان مشغول پیشه زراعت و مالداری اند. که ۳۱ درصد درآمد ملی از محصولات زراعتی بدست می آید. طبق احصایه سال ۲۰۰۹ CIA FACTBOOK افغانستان حدود ۸/۵۵ بیلیون دالر واردات و ۲/۱۲۸ بیلیون دالر صادرات به کشورهای ایالات متحده امریکا، تاجیکستان، پاکستان، هندوستان و غیره داشته که پس از احجار قیمتی دومین عواید کشور را اقلام زراعتی تشکیل می دهد. که اقلام عمده ی آن میوه جات خشک، پشم، قالین، نباتات طبی، پوست حیوانات، و کونار (تریاک) بوده است. طبق گزارش بانک جهانی و سی آی ای فست بوک با وجودی که از سال ۲۰۰۲ تا فعلاً درآمد افغانستان به شمول کمک های خارجی ۲۹ ۸۱ بیلیون دالر بوده است عواید سرانه این کشور (منبع شماره ۱) ۱۳۲۱ دالر اند. افغانستان از جمله ۱۶۸ کشور ۱۴۶مین کشور در حال رشد می باشد. زیرا این پول ها در بانک های کشور جمع نگردیده و پس به کشورهای خارج سرازیر می شود. آن عده افغان هایی که ازین مدرک پول بدست می آورند تا اکنون در پایداری دولت افغانستان اعتقاد نداشته سرمایه خود را در کشورهای عربی، هند، پاکستان، ازبکستان و روسیه سرمایه گذاری نموده اند و قرداد ها هم صرف با شرکت های خارجی بسته می شود که باعث یاس هموطنان گردیده است. محصول گندم در سال ۲۰۱۰ حدود ۴/۵ میلیون تن بوده است. ملت افغان ۱۰۰ درصد از نان گندم تغذیه دارند که ۴۵ فیصد زمین های افغانستان تحت زرع همین نبات قرار دارد. اما با وجود آن ناکافی می باشد. باقی مانده را تاجرین از کشور قزاقستان و پاکستان وارد می کنند. بدلیل آنکه یک تعداد دهقان ها به نسبت عدم استفاده از سیستم میکائیزه زراعتی، کمبود متخصصین و عدم امنیت سطح محصولات بازدهی خیلی کم دارند. هکذا در ۳۲ سال

کاشت

کاشت شامل فرآیندهای مختلفی می باشد که رعایت فرآیندهای مورد نظر موفقیت در کاشت را در پی خواهد داشت این فرآیندها شامل:

۱. شخم و آماده سازی مکانیکی و فیزیکی؛
 ۲. بذرپاشی یا کاشت و استقرار اولیه نباتات؛
 ۳. آبیاری و زهکشی یا مدیریت آب و هوا در خاک؛
 ۴. مصرف کود و نهاده های غذایی مورد نیاز نباتات؛
- پس تهیه فیزیکی خوب خاک جزء اولین عوامل مدیریت متناسب آن به شمار می رود، انتخاب و توالی نباتات سازگار یا کشت تناوبی از جنبه های مهم دیگر هستند. مهمترین عملیات تهیه فیزیکی خاک توسط شخم صورت می گیرد. شخم مشتمل بر عملیاتی است که منجر به زیر و رو کردن، خرد کردن کلوخه ها و نرم کردن خاک می گردد. اهداف شخم عبارتند از:

۱. ایجاد شرایطی در خاک که جوانه زنی بذر، سبز شدن گیاهچه و توسعه ریشه را فراهم نماید؛
۲. بالا بردن نفوذ پذیری خاک نسبت به هوا، حرارت، و رطوبت و ایجاد شرایط لازم برای ذخیره بیشتر آب در خاک؛
۳. فراهم کردن محیط مناسب برای فعالیت موجودات زنده و مفید خاک و از بین بردن موجودات رقابت کننده مثل علف های هرز، آفات و عوامل بیماری زا؛
۴. زیر خاک کردن بقایای گیاهی یا کودهای مختلف (آلی و معدنی) مورد مصرف با خاک مزرعه و به رو آوردن مواد غذایی موجود در خاک که در اثر شستشو به قسمت های زیرین خاک منتقل و از دسترس گیاه خارج شده اند؛

داشت

به کلیه عملیاتی که در فاصله جوانه زنی بذر تا برداشت محصول انجام می گیرد **عملیات داشت** گویند. این عملیات، به عملیات آبیاری، تنک کردن، وجین کردن، سله شکنی، خاک دادن پای بوته ها، کود دادن، مبارزه با حشرات و آفات، کنترل آفات و بیماری ها، مبارزه با علف های هرز تقسیم بندی می شوند.

برداشت

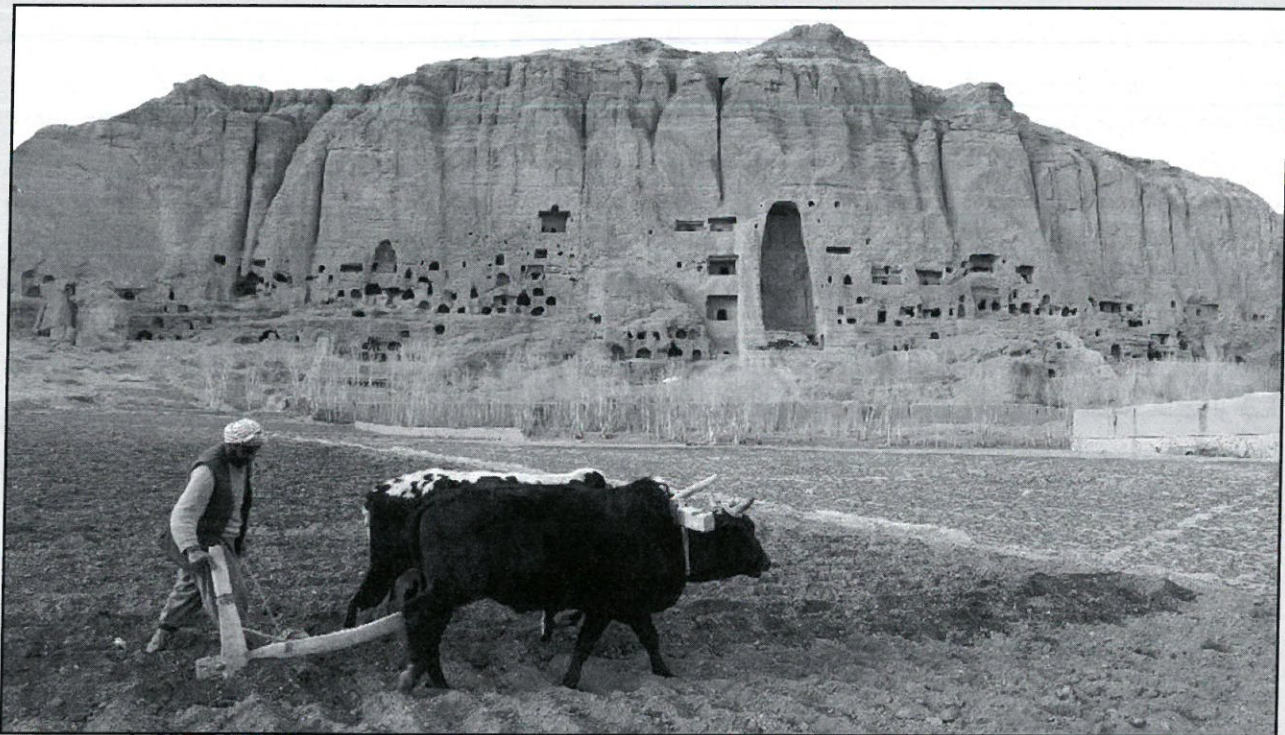
پس از اتمام دوره رشد و نمو گیاه، هنگام برداشت محصول فرا می رسد. البته گیاهان را همیشه پس از پایان دوره رشد و رسیدگی کامل برداشت نمی کنند و زمان برداشت موقعی خواهد بود که

جنگ نفوس از ۱۹ میلیون به ۳۲ میلیون رسید ولی توسعه زمین زراعتی و میکانیزه شدن منفی است. در کشورهای پیشرفته هر دهقان حد اقل برای صد نفر غذا مهیا می کند ولی در کشور ما ۲۲ میلیون نمی تواند برای ۳۲ میلیون نان تهیه کند. یک دهقان افغانی از یک جریب زمین لاغر ۱۳۰-۳۰۰ کیلو گندم بدست می آورد [۳]. در حالیکه باید بیشتر از ۷۵۰ کیلو بدست آورد. در مجموع دهقانان افغانی از یک هکتار ۱/۳ تن پاکستان ۴/۹ تن هندوستان ۵/۵ تن و کشورهای اروپائی آلمان، فرانسه و انگلیس ۷-۸ تن بدست می آورند.

۲. اراضی زراعتی افغانستان

اراضی افغانستان از دیدگاه زراعت به ۶ گونه تقسیم شده است. - زمین های زراعتی - زمین های تحت غرس نهال ها - که هر دو قسمت ۷/۸ میلیون هکتار ۱۱/۹۶ درصد ساحه خاک را در بر دارد - علفچرها ۳۱ میلیون هکتار که حدود ۴۹ درصد جنگلات ۱/۹ میلیون هکتار ۳ درصد - زمین های تحت آب - و زمین های غیر مزروعی میباشد. اراضی افغانستان طوری است که هر منطقه دشت و دره آب هوای مخصوص دارند. مثلا ولسوالی سروبی که در ۳۰ کیلومتری کابل موقعیت دارد در زمستان برف باری ندارد. ولایت قندهار، خوست، جلال آباد و لغمان گرم سیر بوده که در زمستان برف باری ندارد. طبق راپور سازمان غذایی جهان، مساحت خاک کشور ۲۲۵،۶۵۲ کیلومتر مربع یا ۲۲،۶۵ میلیون هکتار می باشد. ۱/۶ حصه خاک را دشت تشکیل داده است که به مساحت ۱۰۸۷۰۴ کیلومتر مربع ۱۰،۸۷۰ میلیون هکتار میشود (۶). بالاتر از ۸۰ فیصد منبع آبی افغانستان را کوه های هندوکش تشکیل می دهد. در مجموع ۷۸ میلیون هکتار ساحه قابل کشت می باشد. از جمله ۳،۳ میلیون هکتار (۱۸۱،۵ میلیون جریب) آبی ۴،۵ میلیون هکتار (۲۲،۵ میلیون جریب) للمی و یا بارانی وجود دارد. از جمله ۴ میلیون هکتار تحت کشت می باشد. در سال ۲۰۱۰ حدود ۱،۳ میلیون هکتار تحت زرع علفه جات و از جمله ۲ میلیون هکتار تحت زرع گندم قرار داشت. از لحاظ کلتوری زمین های افغانستان به ۳ دسته تقسیم شده اند سیر آب کم آب و للمی. زمین های سیر آب حدود ۱،۸ میلیون هکتار را دربر دارد. افغانستان مادر و گدام بسیاری نباتات است. طور طبیعی به جز چند مورد محدود، همه نباتات درین خاک می رویند. در شمال افغانستان خربوزه، تربوز، کدو، ۴ نوع زردک شیرین، بامیه، زردآلو، انار، انجیر، توت، بادام، پسته، گندم للمی و آبی جو، جواری، جودر، ارزن و غیره می روید. ولی چیز پر اهمیت اینست که نباتات صنعتی از قبیل لبلبو، پنبه، تنباکو، گل آفتاب گردان؛ نباتاتی چون شرشم، زغر، کنجد، نباتات نشه آور چون چرس و کوکنار؛ نباتات

طبی نظیر هنگ، زیره، شیرین بویه، بابونه، زعفران، اسفرزه و غیره و نباتات پروتین دار یا فامیل لیگوم نظیر (لوبیا، نخود، ماش، باقلا، فاصلیا) خیلی خوب حاصل می دهد و هکذا در تربیه کرم پيله، گوسفند، قره قل و اسب نیز شهرت دارد. در نواحی مرکزی و ارتفاعات بلند، انواع میوه جات تازه و خشک، مواشی لبنیات و سبزیجات نیز از تولیدات کشور ما می باشد. مناطق کوهی چون هوای سرد دارد برای تربیه میلیاردها مواشی، گاو، گوسفند، آهو و مرغ، مرغابی، قاز و غیره، تربیه انواع گل غرض عطر و فروش، زنبور داری، زرع درختان میوه دار، چوب فرنیچر (توت و چهارمغز) خیلی زیاد مساعد است. از همه مهمتر صفحات مرکزی افغانستان داری طبیعت و آب و هوای صاف می باشد جایگاه استراحت میلیون ها سیاح جهان خواهد بود و از همه مهمتر در جلال آباد نباتات تروپیک یا گرم از قبیل خانواده ستروس (نارنج، مالت، کینو، لیمو) نیشکر، جواری و زیتون می روید و اینگونه زمین ها به طور طبیعی سالی ۳ بار حاصل می دهند. جلال آباد و لغمان یخچال طبیعی است که خداوند برای این ملت تحفه داده است. این بدین معنی است آن عده سبزیجات که در سایر نقاط در تابستان حاصل می دهند در جلال آباد در زمستان کشت می شود و ضرورت سردخانه برای سبزیجات نیست. در مرکز افغانستان همه ی کوه ها پر از برف هستند. شمال جنوب و غرب افغانستان همه دشت اند. افغانستان به نسبت نداشتن تکنالوجی جدید نتوانسته است این آب ها را ذخیره نماید و این دشت های که خاک آن دست نخورده است تحت زرع قرار دهد. سه دریا بسیار پر اهمیت درین خاک وجود دارد که دریای کابل، رود هلمند و رود آمو می باشد. دریای آمو در یک ثانیه ۲۰۰۰ متر مکعب و در یک سال ۶۳ کیلومتر مکعب آب را به جریان می آورد. این دریا از کوه های پامیر سرچشمه می گیرد به همین علت نتوانسته است دشت های شمال افغانستان که از کنارش می گذرد سیراب سازد. طول مجموعی این دشت ها حدود بیشتر از ۲۰۰ کیلومتر و به عرض اوسط ۵۰ کیلومتر می باشد. اگر اوسط را از قندزالی اندخوی به عرض ۵۰ کیلومتر در نظر گرفته شود. حدود ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع می شود اگر به هکتار سنجیده شود حدود تقریبی یک میلیون هکتار در کنار دریای آمو بی حاصل افتاده است. (۸) در دنمارک ۶۰۰۰ دهقان ۵،۶۵ میلیون گاو را اداره می کنند که ۱۲۰ فیصد نفوس می شود. یک دهقان در پهلو زمین داری ۱۰۰ تا ۴۵۰ گاو را پرورش می دهد. هر گاو حد اقل روزانه ۲۶ لیتر شیر می دهد. سالانه ۴،۵ میلیارد لیتر شیر تولید می کند. دلیل آن این است که هر دهقان علاوه بر کاه و علف مینو غذایی گاوهارا صد فیصد تطبیق می نمایند و هم دارای هوای سرد و نسل گاو خوب اند. دنمارک لبنیات نصف جهان را با کیفیت درجه اول



۴. جنگلات

در سال ۱۹۷۰ مساحت جنگلات افغانستان ۱۳۱۳۰۰۰ هکتار بود. سه حصه خاک را جنگلات، ارچه، جلغوزه و پسته در ولایت کنر، نورستان، پکتیا و بادغیس تشکیل داده است. ۴۵۰۰۰ هکتار زمین را در بادغیس جنگلات پسته طبیعی پوشانیده است. جنگلات پسته در ولایت سمنگان، بلخ نیز وجود دارد. با استفاده از مکانیزه شدن محصولات آن چندین برابر خواهد شد. بزرگترین مارکیت پسته مغز سبز هندوستان است.

۵. غله جات Cerial Crops

عمده ترین نباتات که در جهان وجود دارد عبارتند از گندم، برنج، جو، جواری، جودر و ارزن. در جهان ۶،۹۱ بیلیون نفوس زندگی می کند که ۴ بیلیون آن ۶۰ فیصد نفوس جهان می شود که در آسیا زندگی می کنند. تمامی این نفوس از نان گندم تغذیه میکنند. ۷۵ فیصد بودجه زراعتی سازمان ملل در مورد این نبات به مصرف می رسد. ملت افغان ۱۰۰ فیصد از نان گندم تغذیه می کند. در سال ۲۰۱۰ افغانستان ۹۰ فیصد گندم خود را از کشور خود بدست آورد. در کشورهای پیشرفته یک انسان در یک سال کمتر از صد کیلوان گندم را استفاده می کنند در افغانستان طبق گزارش سازمان غذایی جهان [اف ای و] یک افغان سالانه ۱۵۲ کیلوان خشک را به مصرف می رساند. بدین معنی ۴۸۶ میلیون تن نان گندم ضرورت این کشور است. در صورت استفاده از وسایل مدرن سیستم

تولید می کند. در افغانستان ۶۴ فیصد دهقانان مصروف مالداري نیز هستند حدود ۳،۷ میلیون گاو شیری و غیر شیری دارند. یک گاو افغانی در روز ۵ الی ۱۰ لیتر شیر می دهد در صورتیکه از این تکنالوجی در صفحات مرکزی افغانستان استفاده شود سطح تولیدات از ضرورت نفوس بلند خواهد رفت.

۳. تحقیقات جنیتیکی نباتات

در افغانستان ۲۱ ستیشن تحقیقاتی نباتات وجود دارد که تا سال ۱۳۶۲ خدمات ارزنده نموده اند. این مراکز الی سال ۱۳۷۲ فعال بودند ولی از اینکه سایر سازمان های تحقیقاتی بین المللی روابط خود را قطع نموده بودند و هم جنگ داخلی وجود داشت کار مراکز خیلی محدود و بطی پیش می رفت. فعلا این ستیشن ها تحت اداره انستیتیوت تحقیقات زراعت کار و فعالیت می کنند. ریاست تحقیقات نباتی در جنب پروگرام های محلی در پروگرام های بین المللی نیز سهمدار می باشد. در جنوری سال ۲۰۰۲ دولت امریکا تحت نظر نمایندگی ایالات متحده امریکا برای انکشاف بین المللی (USAID) در شهر تاشکند با شرکت ۳۲ سازمان های زراعتی و سازمان های تحقیقاتی زراعتی جلسه نمودند. هر کدام از این سازمان ها در بخش های خود با بودجه مالی هنگفت کار می نمایند. این سازمان ها یک تعداد متخصصین داخلی زراعت را با معاش کافی جذب نمودند و بدین لحاظ وزارت کشاورزی از صحنه دور گذاشته شد.

با آنکه برخی کارهایی در بخش زراعت غزنی صورت گرفته، اما اگر مورد توجه بیشتر قرار گیرد، می توان گفت که سطح مشکلات اقتصادی دهقان ها غزنی، پایین خواهد آمد و امکان دارد که این محصولات، علاوه بر کشور، به بازارهای خارج نیز عرضه شود.

کاهش محصولات زراعتی در غزنی

محصولات زراعتی در غزنی بیش از ۵۰ درصد نسبت به سال های گذشته کاهش یافته است. رئیس زراعت غزنی به خبرگزاری بست باستان در سال ۱۳۹۰ بیان داشته که: «نبود آب کافی زراعتی در غزنی باعث شده است که محصولات زراعتی در این ولایت بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است. او بیان می دارد: «میزان تولید گندم در ولایت غزنی در سال ۱۳۸۸ به ۱۴۸ هزار تن رسیده بود و در سال ۱۳۸۹ این رقم به دلیل کم آبی به ۹۸ هزار تن کاهش یافت و امسال ممکن است کمتر از ۷۰ هزار تن گندم در این ولایت تولید شود.» وی می گوید: تاثیر کم آبی بر مزارع گندم و کاهش در تولید غله جات نسبت به دیگر محصولات زراعتی بیشتر محسوس است. کشاورزان غزنی نیز از دشواری های کمبود آب شکایت دارند. آنان می گویند که امسال بدلیل نبود آب کافی مزارع گندم شان از بین رفته است. رحمت الله باشنده ولسوالی جغتوی غزنی می گوید: از ۵ جریب زمین که امسال گندم کاشته بود، تنها توانسته است کمتر از ۴۰ سیر گندم بدست آورد. به گفته او مزرعه های گندمش به خاطر نرسیدن آب کافی از بین رفت. گفتنی است که زراعت در غزنی همواره با پدیده کم آبی مواجه بوده است، اما رئیس زراعت غزنی تاکید می کند که این پدیده در غزنی قابل حل است؛ او می افزاید: غزنی ظرفیت ساخت بند کوچک و بزرگ زراعتی را دارد. به گفته وی آب های آزاد و مهار نشده به مدت شش ماه در دره های که بیشتر در ولسوالی های کوهستانی غزنی جریان دارد که با مهار این آب ها مشکل کم آبی این ولایت بر طرف خواهد شد.

جدید زراعتی این حاصل را از یک میلیون هکتار بدست آمده می تواند. در حالی که دو میلیون هکتار مصروف تولید این نبات است. پاکستان و هندوستان در تولید برنج اعلی مشهوراند. خریدار این برنج افغان است. تاجرین این برنج افغان و مارک برنج افغانی است اما برنج افغانی نیست سالانه میلیون ها دالر اسعار این کشور به جیب آن ها می ریزد در حالیکه در افغانستان مناطق لغمان، بغلان، قندوز، خان آباد، لونگ و هرات شرایط مساعد به کشت انواع برنج دارند. کشت جواری در جلال آباد و جو، جودر و ارزن در صفحات شمال خوب ارزیابی شده است.

۶. حبوبات

از اینکه ریشه حبوبات مقدار زیاد نیتروژن را از هوا به خود جذب می کند و در تقویه خاک موثر است بنام خاندان لیگوم یاد می شوند. این حبوبات عبارتند از ماش، لوبیا، مشنگ، باقلا، نخود، انواع دال، عدس می باشد. کشت این نباتات در هر گوشه افغانستان امکان پذیر هست ولی در شمال شرق افغانستان زیاده کشت می شود. لوبیا سرخ، سفید و چشم بلبلی در افغانستان کشت می شود. لوبیا سرخ به آب زیاد ضرورت دارد. نخود که در مقابل خشکی مقاومت دارد در قسمت های زیاد افغانستان کشت می شود.

۷. میوه جات

میوه جات در افغانستان به طور وافر پیدا می شود. چون افغانستان زمستان سرد دارد در اکثر مناطق نباتاتی می روید که تخم یا پندک آن باید حرارت منفی صفر را سپری کند. برخلاف، در جلال آباد حرارت زیر صفر نمی شود در آن جا نباتات مناطق گرم از قبیل مالته، سنگتره، کینو نارنج، لیمو و غیره قابل کشت می باشد.

زراعت در ولایت غزنی:

غزنی، از اینکه دارای زمین های سرسبز و آب های زیاد است، اکثر باشندگان این ولایت مصروف دهقانی اند و محصولات خود را بیشتر به بازارها عرضه می کنند. انگور این ولایت بسیار مشهور و زیاد است، اما در پهلوی انگور میوه هایی همچون زردآلو، شفتالو، ناک، بادام، چهارمغز، آلو بخارا، سیب، انجیر، آلو، گیلاس و میوه های دیگر نیز زیاد است. علاوه بر آن، زمین های غزنی حاصلات خوبی مانند گندم، پیاز، کچالو، تربوز، خربوزه، بادرننگ و دیگر حبوبات و سبزیجات نیز می دهد و آب و هوایش برای این حاصلات، بسیار مساعد است.





نتیجه

زراعت فرایند کاشت، داشت و برداشت گیاهان می باشد. بطور کلی هدف از زراعت و تولید گیاهان زراعی مختلف، دستیابی به محصولاتی است که به منظور های مختلف و اهداف متفاوت کشت می شود. که تأثیر به سزایی در اقتصاد دارد. که بسیاری از ضروریات های اولیه و مواد های حیاتی اجتماع نیز به واسطه کشت و زراعت حاصل و بر آورده می شود که در صورت پیشرفت و تخیکی شدن و توسعه یافتن زراعت همکاری دولت نیاز مبرم است که تعداد سازمان ها و دفاتر تحقیقاتی جنیتیکی زراعت و نباتات نیز تا سال های فعال بودند که جهت بهره وری بیشتر از حاصلات و جهت بهتر شدن نسل زراعت فعال بودند. زراعت طوری که بیان شد یکی از عوامل توسعه اقتصادی کشور می باشد که بواسطه زراعت می شود به توسعه دست یافت که سازمان ها و مؤسسات زیادی نیز در این راستا در افغانستان در بخش کشاورزی و توسعه کشاورزی همکاری هایی را کرده اند.

منابع

۱. جزوه های آموزشی دانشکده زراعت دانشگاه غزنی
۲. سایت ویکیپدیا، بخش زراعت
۳. جزوه آموزشی دانشکده اقتصاد دانشگاه خاتم النبیین، توسعه اقتصادی، استاد محمد اسحق مهدوی
۴. نشریه خاوران. مقاله زراعت
۵. توسعه اقتصاد با زراعت، مقاله اینترنتی
۶. توسعه اقتصاد زراعتی، کابل پرس.

رئیس زراعت غزنی می گوید: در سال های اخیر دو بند کوچک آب گردان در غزنی ساخته شده است. وی از موسسه های مربوط زراعت و مقام های بلند پایه حکومتی می خواهد که در قسمت ایجاد بندهای بیشتر، با غزنی همکاری نماید.

غزنی از جمله ولایت های زراعتی کشور محسوب می شود و بیش از هشتاد درصد مردم این ولایت به پیشه زراعت اشتغال دارند و از همین طریق امرار معاش می کنند. بر بنیاد معلومات ریاست زراعت غزنی، این ولایت در حدود ۷۵۰۰۰۰ جریب زمین زراعتی آبی دارد و ۱۶۰۰۰۰ جریب زمین زراعتی للمی که در سال های بارانی میزان زمین های للمی به ۳۰۰۰۰۰ جریب زمین می رسد و در ولایت غزنی ۱۲۸۱ رشته کاریز و منبع آبی وجود دارد که بیشتر از چشمه سارها تشکیل یافته است.

محصولات زراعتی در غزنی بیش از ۵۰ درصد نسبت به سال های گذشته کاهش یافته است. سلطان حسین عباسیاریس زراعت غزنی گفت: «نبود آب کافی زراعتی در غزنی باعث شده است که محصولات زراعتی در این ولایت بیش از ۵۰ درصد کاهش یابد.» او افزود: میزان تولید گندم در ولایت غزنی در سال ۱۳۸۸ به ۱۴۸ هزار تن رسیده بود و در سال ۱۳۸۹ این رقم به دلیل کم آبی به ۹۸ هزار تن کاهش یافت و امسال ممکن است کمتر از ۷۰ هزار تن گندم در این ولایت تولید شود.» آقای عباس یار می گوید: تأثیر کم آبی بر مزارع گندم و کاهش در تولید غله جات نسبت به دیگر محصولات زراعتی بیشتر محسوس است.

گزارش‌ها

- ۸۰ اولین جشنواره فراغت علوم صحتی خاتم النبیین (ص)
- ۸۱ رونمایی از نشریه تخصصی «اندیشه خاتم»
- ۸۲ تجلیل از دانشجویان برتر سال تحصیلی ۱۳۹۳
- ۸۳ موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین (ص) جاغوری
- ۸۴ برگزاری امتحانات پایان سمستر اول ۱۳۹۴
- ۸۶ تجلیل از روز معلم در دانشگاه خاتم النبیین (ص) کابل، غزنی و جاغوری



اولین جشنواره فراغت انستیتوت علوم صحنی خاتم النبیین (ص) غزنی برگزار گردید

این مراسم با حضور معاونت عملی - تدریسی پوهنتون غزنی، روسای انستیتوت های علوم صحنی غزنی، رئیس موسسه تحصیلات عالی مسلم، رئیس شفاخانه ملکی، داکتران موسسات صحنی، برخی از مسئولین ادارات دولتی، اساتید شعبه غزنی برگزار گردید. در آغاز استاد حسین حبیبی رئیس شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص) ضمن خوش آمد گویی از حضور تمام مهمانان، فراغت این دانشجویان را به آنها، خانواده، جامعه و مردم غزنی تبریک گفت.

داکتر همت رئیس شفاخانه ولایتی غزنی یکی از سخنرانان محفل بود، وی فراغت محصلین انستیتوت صحنی خاتم النبیین را تبریک گفت از مسئولین پوهنتون خاتم النبیین بخاطر فراهم نمودن زمینه تحصیل تشکر و قدر دانی کرد.

رحیم نور زی معاونت علمی پوهنتون غزنی نیز افزود امروز جهل ما تنها از طریق علم اندوزی برطرف می شود، مصیبت امروز مردم محرومیت از علم و دانش است، وی در پایان از مسئولین پوهنتون خاتم النبیین بخاطر خدمات ارزنده تحصیلات عالی در غزنی قدر دانی کرد.

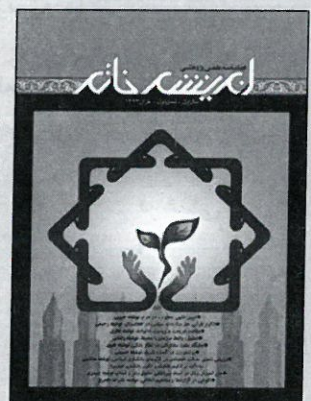
قابل یاد آوری است که تعداد ۲۵ محصل در رشته قابلگی از این انستیتوت سند فراغت شان را دریافت نمودند.

آمریت فرهنگی - تربیتی



رونمایی از نشریه تخصصی اندیشه خاتم

در محفلی که به مناسبت تجلیل از دانشجویان برتر سال ۱۳۹۳، شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص) برگزار گردید، رونمایی از نشریه تخصصی «اندیشه خاتم» نیز صورت گرفت. این محفل با حضور ریاست شعبه غزنی، اساتید، رؤسای ادارات دولتی، علما، متنفذین قومی و جمع کثیر از محصلین برگزار گردید. این نشریه، کار علمی اساتید شعبه غزنی این پوهنتون است که موضوعات فقهی، حقوقی، اقتصادی، طبی و ... را به بررسی می گیرد. شماره اول این نشریه اختصاص به موضوعات علوم انسانی داشت، شماره دوم این نشریه تخصصی علوم طبی را به بررسی گرفته است، قرار است شماره سوم این نشریه موضوعات اقتصادی را به بررسی گیرد. آمریت فرهنگی - تربیتی





تجلیل از محصلین برتر سال تحصیلی ۱۳۹۳

علم و دانش و ایمان و تدین را در کنار هم داشته باشند. جامعه که از نعمت علم و دین محروم است، از نعمت دنیا و آخرت بی بهره است، جامعه که علم و دین را در کنار هم داشته باشند در دنیا و آخرت سربلند خواهد بود. از سخنرانان دیگر این محفل داکتر همت رئیس شفاخانه ولایتی غزنی؛ رحیم نور زی معاونت علمی پوهنتون غزنی و داکتر نثار رئیس موسسه تحصیلات عالی مسلم بود.

قابل یاد آوری است که هر ساله محصلین برتر، منظم و دارای اخلاق حسنه در یک محفل خاص مورد تشویق و تحسین قرار می گیرند.

آمریت فرهنگی - تربیتی

سومین جشنواره تجلیل از محصلین برتر سال ۱۳۹۳، شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص) برگزار گردید. محفل با حضور ریاست شعبه غزنی، استادان، رؤسای ادارات دولتی، علما، متفدین قومی و جمع کثیر از دانشجویان برگزار گردید. محفل در دو بخش اجرا شد، بخش اول برنامه های متنوع مثل اجرای زنده سرود ملی توسط محصلین خواهر این شعبه، سرودهای محلی و ملی دیگر، اجرای برنامه های نمایشی ورزشی، سخنرانی.

بخش دوم اهدای لوح تحسین برای محصلین برتر، محصلین منظم، اهدای اسناد تحصیلی فارغین قابلیتگی، رونمایی از نشریه تخصصی اندیشه خاتم، برخی از برنامه این محفل بود.

در آغاز استاد حسین حبیبی رئیس شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص) ضمن خوش آمدگویی از حضور تمام مهمانان، گفت از نگاه قرآن مردمی برتری دارند که دو خصوصیت



تجلیل از روز معلم در دانشگاه خاتم النبیین (ص) کابل، غزنی و جاغوری

نظارت شدید و فوق العاده داشته باشد، تا مبدا موسسات تحصیلات عالی به مراکز تجاری تبدیل شود. وی اضافه کرد دانشگاه خاتم النبیین علام آمادگی می کند تا امتحانات ارزشیابی از عموم محصلین پوهنتون های دولتی و خصوصی در پایان فراغت شان به صورت مشترک برگزار گردد، تا هم محصلین به تحصیل با کیفیت تشویق گردیده و هم وزارت تحصیلات از کیفیت کار مراکز عالی علمی کشور اطلاع پیدا کند ایشان در بخشی از سخنانش از پوهنتون خاتم النبیین به عنوان یک مرکز علمی و اکادمیک معتبر یاد کرد و افزود این پوهنتون دارای ظرفیتهای منحصر به فرد در حوزه مدیریتی و به ویژه ایجاد کادر علمی با کیفیت و دارای تحصیلات عالی ماستری و دکتری است که پوهنتون را از پوهنتون های مشابه متمایز میسازد.

پوهنتون خاتم النبیین (ص) هر ساله به پاس گرامی داشت از مقام معلم محافل با شکوهی در کابل، غزنی و جاغوری دایر نموده، از اساتید خویش با اهدای تحفه این روز را گرامی می دارند.

تهیه و ترتیب: آمریت فرهنگی - تربیتی شعبه غزنی

محفل های باشکوهی برای گرامی داشت از روز جهانی مقام معلم در کابل، غزنی و جاغوری برگزار گردید، این محفل در کابل با حضور ریاست پوهنتون جناب دکتر عبدالقیوم سجادی، الحاج محمدجواد محسنی نماینده تام الاختیار مؤسس و صاحب امتیاز ارشد دانشگاه خاتم النبیین (ص) دکتر الیاسی معاونت علمی - تدریسی، روسای دانشکده ها، اساتید و دانشجویان این پوهنتون در سالن اجتماعات دانشکده طب برگزار گردید.

در این محفل فرهنگی با عنوان: «چالشهای تحصیلات عالی خصوصی» ریاست پوهنتون خاتم النبیین دکتر عبدالقیوم سجادی طی سخنان گفت: بیکاری جوانان فارغ التحصیل از عوامل مهم مهاجرتها می باشد و از وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت مهاجرین به خاطر عدم برنامه و ایجاد زمینه های کار برای جوانان به شدت انتقاد کرد.

دکتر سجادی در بخش دیگر از سخنانش با ارائه راهکارهای اصولی و اساسی برای دولت و وزارت تحصیلات عالی جهت تبدیل چالشها به فرصت، از این وزارت خواست تا به کیفیت تحصیلات در کشور و موسسات خصوصی تحصیلات عالی

خدمات تحصیلات عالی در جاغوری

بدون تردید ارائه خدمات علمی، فنی و صحتی در سطح کلان و گسترده، یکی از اهداف و چشم اندازهای بلند و مهم ریاست پوهنتون خاتم النبیین^(ص) جناب دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده محترم مردم در پارلمان می باشد، براین اساس، پوهنتون خاتم النبیین مرکز، علاوه بر ایجاد شعبه غزنی، در جاغوری نیز موسسه تحصیلات عالی و انستیتوت علوم صحتی را تاسیس نموده است که بصورت گذرا به آن اشاره می شود:

۱. مؤسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین جاغوری

بر اساس ظرفیت بالای فرهنگی مردم جاغوری و عطف توجه دکتر سجادی دانشمند فرزانه و فرهیخته کشور نسبت به این بستر فرهنگی و تقاضای مکرر نخبگان و فرهنگیان این دیار، پوهنتون خاتم النبیین مرکز، در بهار ۱۳۹۲ با اخذ مجوز از وزارت تحصیلات عالی کشور و با یک کادر مجرب علمی، متعهد به آموزه های دینی، اخلاقی و متخصص نسبت به گزاره ها و ره آوردهای علوم عصری، موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین^(ص) را در جاغوری بنیانگذاری نموده و ولسوالی جاغوری به عنوان یک (ولسوالی)! برای اولین بار این تاج افتخار را بر سر نهاد! این نهاد به عنوان یک مرکز معتبر علمی، علاوه بر مردم جاغوری، مورد استقبال ولسوالی های همجوار جاغوری نیز قرار گرفته و زمینه ساز سرور، شادمانی و بهجت آنها نیز گردیده است، این موسسه هم اکنون با بیش از ۱۸۰ نفر محصل، در رشته های اقتصاد، مدیریت، حقوق و علوم سیاسی مشغول ارائه خدمات علمی و مسلکی می باشد.

۲. انستیتوت علوم صحتی خاتم النبیین جاغوری

از آنجا که فعالیت و ارائه خدمات صحتی، مستلزم فنون و دانشهای مسلکی می باشد و فقدان آن زبان های جبران ناپذیری را بر جامعه تحمیل می کند. به طوری که بسیاری از بیماران و مادران به دلیل یک بیماری ابتدایی و سطحی و یا زایمان طبیعی جان خود را از دست می دهند و به کام مرگ می روند، ریاست پوهنتون خاتم النبیین^(ص) جناب دکتر سجادی، با درک این واقعیت خطیر با فعالیت های متوالی و متواتر، با اخذ مجوز از وزارت صحت عامه کشور، انستیتوت علوم صحتی خاتم النبیین را نیز در بهار ۱۳۹۳ در جاغوری تاسیس نمود، این نهاد صحتی و خدمت، هم اکنون با کادر مجرب علمی، مشغول تعلیم و آموزش بیش از ۱۱۰ نفر در رشته های قابلگی و نرسنگ می باشد، خوشبختانه این مرکز نیز به دلیل اینکه خدمات آن رابطه ای مستقیم با سلامتی و صحت مردم دارد، مورد استقبال چشم گیر مردم جاغوری و ولسوالی های هم جوار آن قرار گرفته است.

کارگزاران و بخش های اداری

بدون هیچ تردیدی، تعهد دینی و تخصص علمی، یکی از ستون پایه های اصلی اهداف آموزشی و تعلیماتی پوهنتون خاتم النبیین^(ص) می باشد، براین اساس در گزینش اساتید، مدیران و مربیان، این مفروض تعقیب می شود، خوشبختانه اساتید و کارگزارانی که در موسسه تحصیلات عالی و انستیتوت علوم صحتی خاتم النبیین جاغوری مشغول ارائه خدمات علمی و عملی می باشند، ضمن اینکه از دو خصیصه تعهد و تخصص برخوردارند، دلسوزی و علاقمندی زاید الوصفی نیز نسبت به مردم و فرزندان جامعه خویش دارند.

برای آشنایی با این چهره های ارزشمند، فرهیخته و خدوم مختصرا به معرفی و مسئولیت کاری آنها اشاره می شود:

۱. ریاست موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین^(ص) جاغوری: محمدرحیم اصغری (دانشجوی دوره دکترای حقوق جزا و جرم شناسی)

۲. معاونت علمی-تدریسی: سیدلیاقت علی موسوی (ماستر روابط بین الملل)

۳. معاونت اداری-مالی، علی حکیمی (ماستر اقتصاد)

۴. ریاست دانشکده اقتصاد: اسحاق علی فهیمی (ماستر اقتصاد)

۵. ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی: عبدالوهاب باهنر (ماستر علوم سیاسی)

۶. آمریت دیپارتمنت حقوق: محمد ابراهیم جلیلی (ماستر حقوق جزا و جرم شناسی)

۷. مدیریت مرکز علوم صحتی: حسین علی شفاهی (ماستر معارف اسلامی)

۸. مدیریت امور محصلان: فیض محمد فهیمی (ماستر حقوق خصوصی)

۹. آمریت دیپارتمنت قابلگی: راضیه حکیمی (لیسانس عالی قابلگی)

۱۰. آمریت دیپارتمنت نرسنگ: عالیہ نجاتی (لیسانس عالی نرسنگ)

آمریت فرهنگی - تربیتی شعبه غزنی



اسحاق علی فهیمی
ریاست دانشکده اقتصاد



علی حکیمی
اداری_ مالی



سیدلیاقت علی موسوی
معاونت علمی-تدریسی



محمد رحیم اصغری
ریاست موسسه تحصیلات عالی
خاتم النبیین (ص) جاغوری

پیرمغلام

پوهنتون
خاتم النبیین (ص)
شعبه غزنی



۸۵



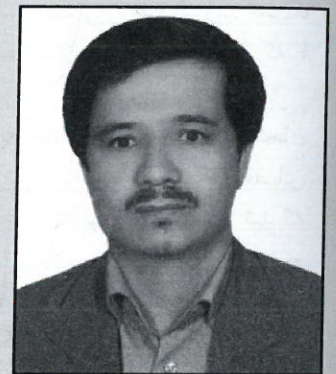
فیض محمد فهیمی
مدیریت امور محصلان



حسین علی شفاهی
مدیریت مرکز علوم صحی



محمد ابراهیم جلیلی
آمریت دیپارتمنت حقوق



عبدالوهاب باهنر
ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی



عالیه نجاتی
آمریت دیپارتمنت نرسینگ



راضیه حکیمی
آمریت دیپارتمنت قابلگی

امتحانات پایان سمستر اول سال تحصیلی ۱۳۹۴

شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص)

که امروزه در دنیا رخ می‌دهد، دانش هر کشور زمینه حضور آن کشور را در صحنه‌های بین‌المللی فراهم می‌کند و بدون علم و دانش جامعه، یک جامعه منزوی است که حرفی برای گفتن ندارد، و صرفاً یک جامعه‌ی شنونده و مصرف‌کننده می‌باشد. بر همین اساس ما معتقد هستیم که تولید علم اساس دانی و دانایی اساس توانایی است.

بنابراین در دنیا امروز علم و دانش مهم‌ترین منبع قدرت است، پس قدرتمندترین جوانان آینده کشور جوانانی هستند که با سلاح علم و دانش مجهز می‌شوند.

۲. با اعتماد به نفس و توکل به خدا و آرامش کامل امتحان دهید و به شما اطمینان داده می‌شود که امتحان شما در فضای مناسب و بر اساس انصاف و عدالت برگزار خواهد شد که در نهایت استعداد درخشان شما و تلاش شبانه‌روزی در نتایج امتحانات خود را نشان خواهد داد.

رئیس شعبه غزنی در بخش دیگر از سخنانش تذکرات لازم را جهت بهتر برگزار شدن امتحانات برای محصلین ارائه نمود و در پایان ضمن آرزوی موفقیت‌های بیشتر برای محصلین سخنانش را خاتمه داد.

قابل یادآوری است که امتحانات پاپانی سمستر اول سال تحصیلی ۱۳۹۴ و پایان هفتمین سمستر پوهنتون خاتم النبیین (ص) در ولایت غزنی است که با حضور بیشتر از هزار شش صد محصل در دو تایم صبح و عصر در جمنازیوم ورزشی المپیک غزنی واقع در مرکز ثقافت اسلامی غزنی از شنبه ۱۳۹۴/۵/۱۰ به مدت سه هفته برگزار گردید.

جا دارد که از ریاست محترم پوهنتون جناب استاد حبیبی، رؤسای دانشکده‌ها، معاونت اداری - مالی، اداره عمومی امور محصلان و همکاران فرهنگی این شعبه بخاطر تلاش‌های شبانه‌روزی که در برگزاری این امتحانات نموده‌اند سپاس و قدر دانی شود.

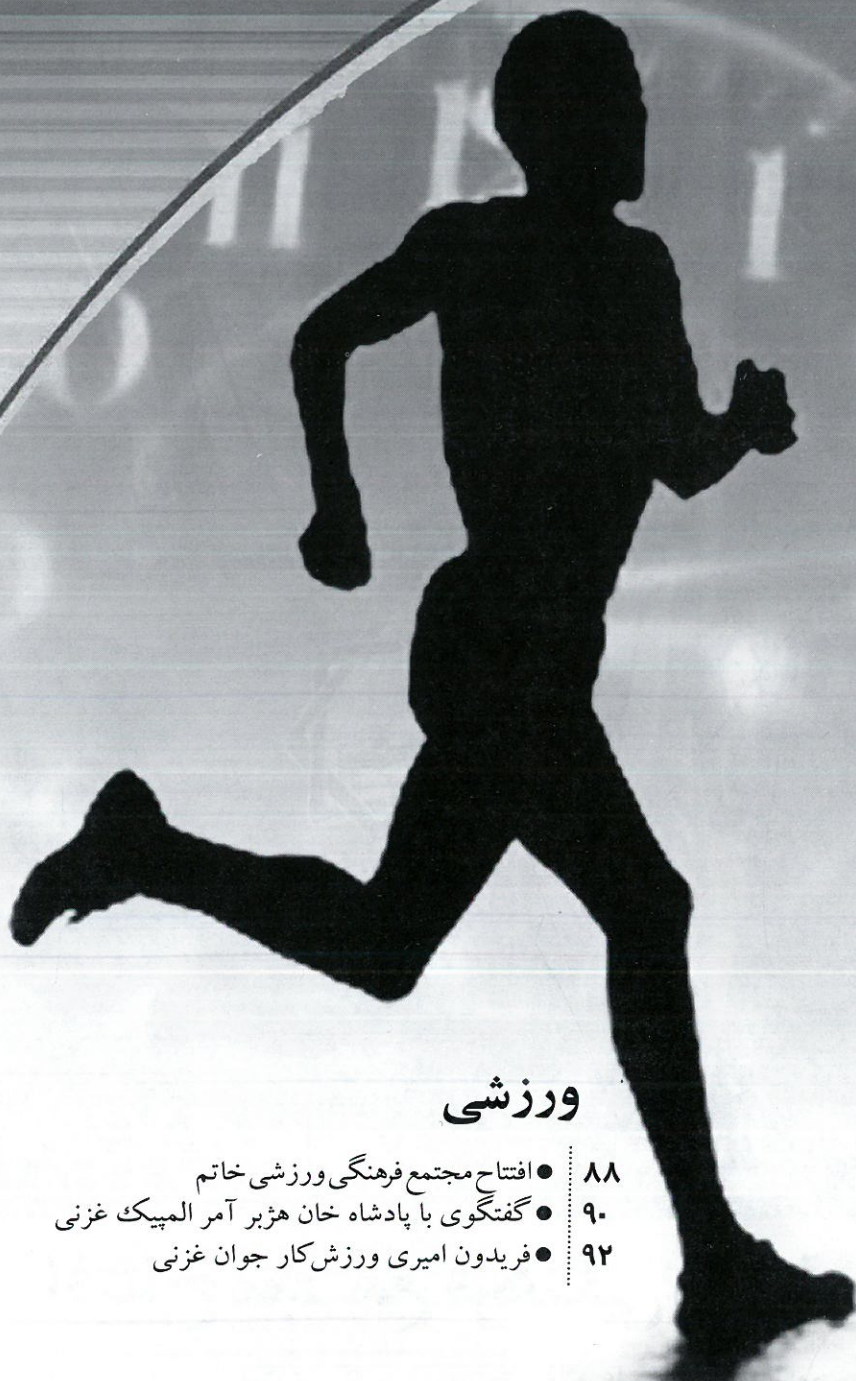
آمریت فرهنگی - تربیتی



امتحانات پایان سمستر اول سال تحصیلی ۱۳۹۴ شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص) برگزار شد، در مراسم افتتاحیه که به همین مناسبت در جمنازیوم ورزشی المپیک غزنی واقع در مرکز ثقافت اسلامی غزنی برگزار گردیده بود، استاد حسین حبیبی رئیس این شعبه طی سخنان کوتاه به دو نکته اشاره نمود:

۱. اساس و بنیان جوامع انسانی را علم و دانش تشکیل می‌دهد، جهان امروز، جهان دانش و اندیشه، عصر روشنفکران و دانشمندان است، علم و دانش است که مسیر زندگی انسان را مشخص می‌کند.

ما و شما امروزه در عصری زندگی می‌نماییم که موتور محرکه این عصر را علم و دانش تشکیل می‌دهد، و تحولاتی



ورزشی

- ۸۸ افتتاح مجتمع فرهنگی ورزشی خاتم
- ۹۰ گفتگوی با پادشاه خان هژبر آمر المپیک غزنی
- ۹۲ فریدون امیری ورزش کار جوان غزنی

پیرامون

پوهنتون
خاتم النبیین
شعبه غزنی





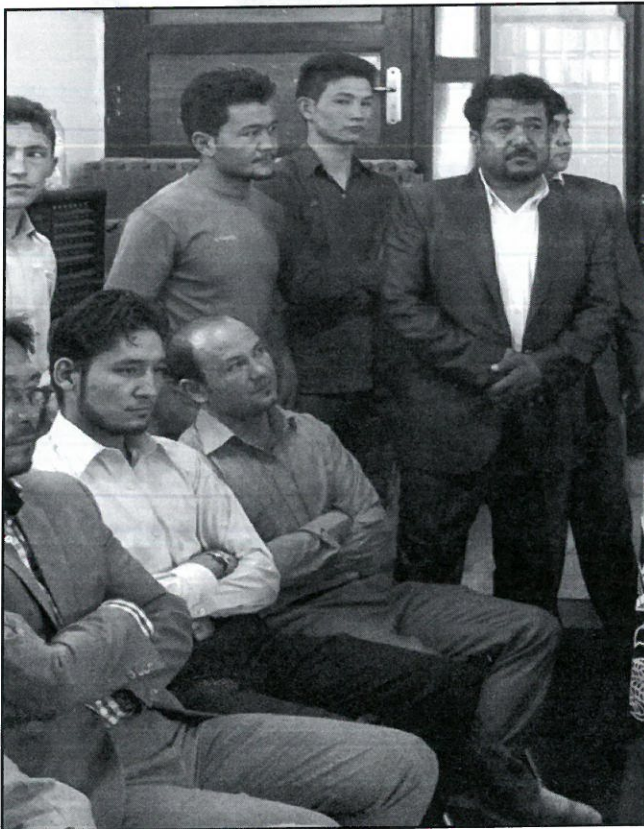
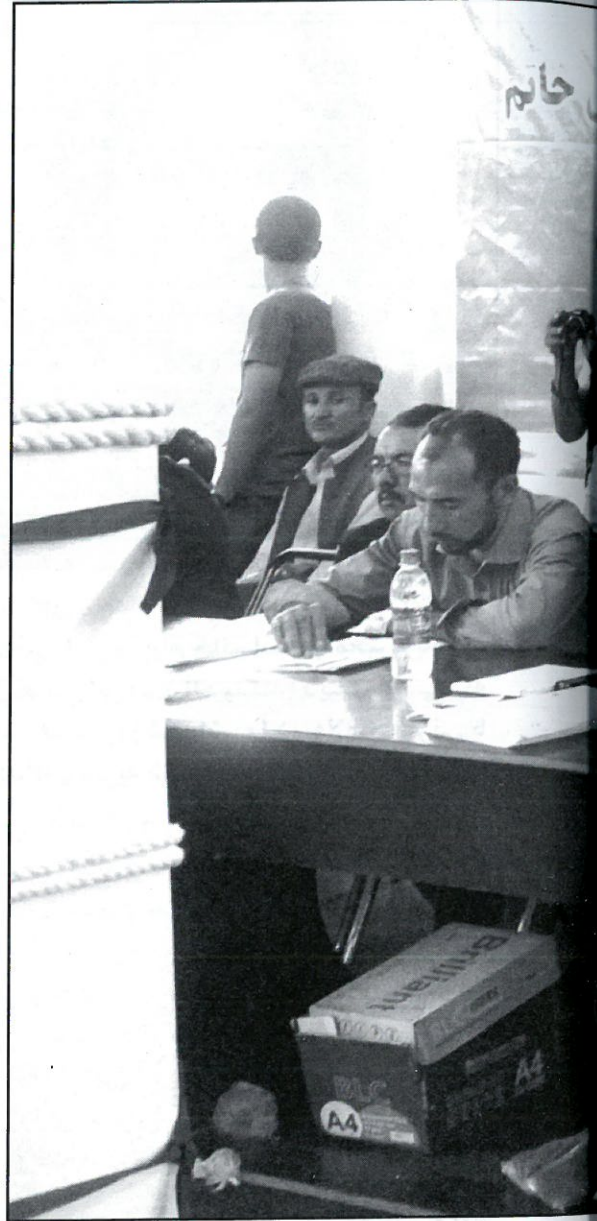
افتتاح مجتمع فرهنگی ورزشی خاتم

ابتدا استاد غلام علی طاهری مدیر مجتمع فرهنگی ورزشی خاتم، ضمن خیر مقدم و قدردانی از حضور شخصیت های شرکت کننده، اساتید دانشگاه، مربیان به ویژه از حضور پرشور جوانان و نوجوانان ورزشکار کابل قدر دانی کرد. همچنین از پوهنتون خاتم النبین (ص) به ویژه ریاست محترم پوهنتون جناب داکتر عبدالقیوم سجادی به جهت اهتمام ویژه اش در امر ورزش و تربیت فرزندان وطن تقدیر و تشکر نمود.

مجتمع فرهنگی ورزشی خاتم در محفل با شکوهی که به جهت افتتاح آن مجتمع در هفته کرامت یعنی ایام ولادت امام رضا (ع) پنجشنبه مورخه ۹۴/۶/۵ با حضور بیش از صد نفر ورزشکار که برای رقابت در مسابقه قهرمانی موی تای به میمنت افتتاح مجتمع دایر گردیده بود و نیز با حضور جمع کثیری از شخصیت های مهم کشور، اساتید دانشگاه و مربیان و داوران ورزش برگزار شده بود، افتتاح گردید.

سخنان خود را با فراز از سخنان زیبای حضرت امیرالمومنین علی^(ع) در دعای کمیل: یا رب قوی علی خدمتک جوارحی شروع نمود و فرمود باید هدف از توانمند کردن جسم و جان چنانکه حضرت علی^(ع) می فرماید خدمت به خدا و بندگانش باشد.

دکتر سجادی از جوانان خواست که بدن خود را با ورزش قوی بسازند و این نیروی قوی جسم و روحی خود را در خدمت مردم مظلوم افغانستان به کار گیرد و نیز در بخش دیگر از سخنانش از جوانان خواست تا با ورزش و سلامت جسم و جان با اعتیاد که امروز بنیان خانواده ها را تهدید می کند مبارزه نمود و نیز ابراز امیدواری کرد که با تلاش و پشتکار بتوانید پرچم زیبای افغانستان را در مسابقات بین المللی به اهتزاز در آورده و افتخار بیافرینید. در پایان صحبت های خویش ضمن اعلام حمایت مادی و معنوی پوهنتون خاتم النبیین^(ص) از جوانان و نوجوانان ورزشکار؛ وعده داد که جوانان متدین ورزشکار را در بورسیه ها نیز همکاری خواهد نمود. در خاتمه به ورزشکاران برتر که در این مسابقه قهرمانی موی تای رتبه های اول، دوم و سوم را کسب کردند از طرف پوهنتون خاتم النبیین^(ص) و مجتمع فرهنگی ورزشی خاتم حکم قهرمانی و مدال های طلا، نقره و برنز اهدا گردید و نیز از اساتید، مربیان و داوران که در برگزاری مسابقه قهرمانی موی تای که به مناسبت افتتاحیه مجتمع فرهنگی ورزشی خاتم همکاری و همیاری داشتند با اهدا لوح تقدیر قدردانی نمودند.



وی خاطر نشان کرد که مجتمع خاتم به هدف حمایت از ورزشکاران و جوانان افغانستان پایه گذاری شده است و خانه مشترک است برای همه ورزشکاران؛ انشاءالله که بستر مناسب باشد برای رشد و شکوفایی استعداد های جوانان این سرزمین. داکتر عبدالقیوم سجادی ریاست پوهنتون خاتم النبیین^(ص) که از سخنرانان اصلی این محفل بود در ابتدا همه حضار و شخصیت های علمی؛ فرهنگی و اساتید پوهنتون به ویژه جامعه ورزشی و جوانان ورزشکار حاضر در محفل را خوش آمد گفت و



خوانندگان محترم آن چه را می خوانید گفتگوی اختصاصی نشریه پیام خاتم است با محترم پادشاه خان هژبر آمریت المپیک ولایت غزنی که کارکردهای ورزشی اش را در ولایت غزنی با خوانندگان نشریه شریک ساخته است.

پیام خاتم: لطفاً خود را برای خوانندگان نشریه پیام خاتم معرفی نمایید؟

سلام و ادب خدمت خوانندگان محترم نشریه پیام خاتم، با تشکر و سپاس از مسئولین این نشریه و خدمات نیک شان در راستای تنویر اذهان عامه و مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، در ولایت غزنی.

پادشاه خان (هژبر) آمر ورزشی ولایت غزنی ویکی از مربیان ورزش مشتزنی کلب های جوانان محمود غازی در این ولایت هستم

پیام خاتم: وضعیت ورزش را در این ولایت چگونه ارزیابی می نمایید؟

در جواب سوال شما باید عرض شود طوری که همه گان می دانند که ورزش بعد از سال های ۱۳۹۰ رشد قابل ملاحظه داشته که برای اثبات این ادعای خود میتوان فعالیت های گسترده ورزشی در ولسوالی های این ولایت، مخصوصاً در ولسوالی های نا امن این ولایت را مثال زد.

در تمام بخش های ورزش های گروهی و ورزش های انفرادی مسابقات خویش را در کته گوری های مختلف



مصاحبه اختصاصی نشریه پیام خاتم با آقای پادشاه خان هژبر آمر المپیک غزنی

پیام خاتم

سال چهارم
شماره دهم
خزان ۱۳۹۴





ورزش در رفع انحرافات اجتماعی و ایجاد مصروفیت های سالم در ایام فراغت جوانان یک نیاز اجتماعی است، از سوی دیگر سهم گیری ورزشکاران در تمام برنامه های ملی و اجتماعی نشان دهنده رغبت شان با مردم و محیط شان است، و ما نیز از مردم توقع عمل متقابل را داریم که حد اقل در برگزاری مسابقات و بازگشت مدال آوران و جوانان ورزشی ما را یاری رسانند، زیرا شما بهتر میدانید تنها چیزی که امروز و در چنین شرایط میتواند برای مردم در اجتماع عظیم انسانی موثر واقع شود و ما را متحد و یکپارچه نگهدارد ورزش خواهد بود.

برگزار نموده است که خود نمونه از مدیریت سالم و رهبری درست کارمندان این اداره می باشد و ما توانسته ایم بزرگترین پروژه های انکشافی را در ولایت غزنی تطبیق نمایم از جمله جمنازیم ورزشی کنار پل حیدرآباد، کمپلکس یا دفتر کار این اداره، و جمنازیم ورزشی مرکز ثقافت اسلامی، و چهار قلم اضافه کاری استدیوم ورزشی علی لالا. که امروز گفته می توانیم اداره ورزش ولایت غزنی بهترین فضاء و ساختمان های ورزشی را در اختیار دارد،

پیام خاتم: آیا نهاد های ورزشی بودجه کافی برای برنامه های ورزشی در اختیار دارند؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: افغانستان امروز با وجود مشکلات و چالش های امنیتی و اقتصادی که دارد باز هم خانواده ورزش از همه رویدادهای ورزشی در سطح دنیا دست آورد های بالایی داشته که قابل تمجید است که باید مورد توجه قرار گیرد. موضوع پلان این اداره که همه ساله در آغاز سال به شکل ماهوار و ربع وار و سالانه ترتیب می شود و در مرحله تطبیق که اصل مهم پلان هست، نیاز به بودجه کافی دارد، شما میدانید که ترتیب پلان یکسوی قضیه است و تطبیق پلان طرف دیگر، که بستگی دارد به حمایت مالی که یک بخش عظیم پلان را بودجه تشکیل میدهد در صورت که بودجه کافی در اختیار اداره ورزش افغانستان و آمریت های ورزشی در ولایات قرار داده شود آن وقت می شود از تطبیق موثر پلان سخن گفت همه پلان ها زمانی موثریت خواهد داشت که بودجه برای آن در نظر گرفته شود حد اقل برای برگزاری یک مسابقه جهت بهبود برنامه و تقدیر از شرکت کننده گان، یک جایزه بسیار ناچیز که عبارت از کپ و مدال و البسه ورزشی در نظر گرفته شود که نیاز به بودجه دارد. یا حد اقل سالانه یک بار از ورزشکاران در ولسوالی های مختلف بازدید شود و مقدار البسه جهت تشویق برای آنها برده شود که باز هم نیاز به بودجه دارد

پیام خاتم: ورزشکاران کشور تا کنون چه دستاورد های ملی و بین المللی داشته اند؟

در پاسخ به این سوال که جوانان ما چی دست آورد های داشته اند، باید یاد آور شویم جوانان ما در بخش های مختلف ورزشی دارنده مدال های رنگارنگ از خارج کشور هستند مانند کشورهای سریلانکا، هندوستان، بوتان، جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، قزاقستان، و.... جدا از اینکه جوانان ما در بخش ورزش دست آورد های دارند. یعنی ورزش در ولایت غزنی نسبت به سال های گذشته خیلی رشد نموده و حتی در اکثر ولسوالی های نا امن ولایت غزنی فعالیت های ورزش جریان دارد.

ما توقع داریم که باوصف مشکلات موجود جوانان باید مبارزه نمایند تا در نهایت شرایط بهتر ورزش آماده شود دولت و این مکلفیت دولت است که توجه جدی نماید تا ورزش علمی شود و نهاد های ورزشی مورد حمایت و توجه جدی دولت مردان واقع گردد و کشور ما نیاز دارد که شب و روز تلاش نمایم.

امیدوار هستیم روزی بتوانیم در یک فضای امن، صلح سرتاسری، همدلی و برادری، و شرایط بهتر و خوبتر ورزشی را برای جوانان خود آماده سازیم و امید داریم جوانان ما نیز با قضایا منطقی و عادلانه برخورد نمایند و در اجتماع حضور فعال و مؤدبانه خود را حفظ بدارند و پیرامون تربیت و پرورش جوانان و نوجوانان موثرانه تلاش ورزند.

پیام خاتم: ورزش چه نقشی در زندگی مدنی و اجتماعی دارد؟

مسئولین اداره ورزش یا فدراسیون های ورزش، ورزش را یک نیاز می دانند نه یک تفریح تا در جهت ترقی و تشویق تیم ها و افراد ورزشکار اقدام نمایند چرا که



فریدون امیری ورزش کار جوان غزنی

افتخار آفرین برای افغانستان بوده است، که می‌توان از مهم‌ترین دست‌آوردهای وی لقب بهترین مبارز در سطح زون جنوب، مقام سومی در وزن اول از بیست و چهارمین دور مسابقات دهه فجر ایران، مدال برنز کشور پولند، لقب نایب قهرمانی گروه b جهان در کشور بحرین و در این اواخر لقب قهرمان طلایی آسیا و مدال طلا این دور مسابقات بین‌المللی تاجکستان را کسب و باعث نواختن سرود ملی کشورمان گردیده است.

از مدت چهار سال بدینسو منجیث یک مربی فنی با استفاده از تجربیات ملی و بین‌المللی اش مصروف تربیه نسل جوان ولایت غزنی بوده و تا حال توانسته ده‌ها مربی و مدال آور را به جامعه تقدیم نماید.

امیری با راه اندازی مسابقات و نمایش‌های دیدنی این رشته ورزشی در مناسبت‌های مختلف مانند روز مادر، روز جوان، روز کودک، روز صحت، روز سلیب سرخ، روز شعر و ادب، روز مبارزه با مواد مخدر و ده‌ها مناسبت‌های دیگر توانسته تا ضمن جمع‌آوری به کمک افراد نیازمند، به تشویق جوانان به ورزش دوری از مواد مخدر بپردازد.

فریدون امیری در سال ۱۳۷۴ در ولایت غزنی در یک خانواده علم دوست متولد شد و در سال ۱۳۸۰ شامل مکتب سید احمد مکه‌ای گردید و در سال ۱۳۹۲ ازین لیسه سند فراغت گرفت. فریدون فعلاً دانشجوی پوهنتون خاتم‌التبیین شعبه غزنی می‌باشد.

این جوان ورزش‌کار از سال ۱۳۸۶ بدینسو نسبت علاقه‌مندی که به ورزش داشت ورزش المپیکی تکواندو را نزد استاد همایون "امیری" فرا گرفت و تا درجه سیاه (دان ۲) ادامه داد که تا حال این رشته را با بسیار علاقه‌مندی خاص به پیش می‌برد و امروز لقب یک مربی را به خود اختصاص داده. آقای امیری غزنوی در چندین مسابقه ملی و بین‌المللی اشتراک کرده که همواره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هَلْ يَسْتَوِ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
دلوی خدای په مرسته

د علم او پوهی د پراختیا په موخه او زموږ
دهیواد د زامنو د استعدادونو د غوړیدو او اسلامی
افغانستان ته دنوی ژمن او تخصصی نسل دروزنی
او پالنې په مقصد دهیواد د وتلی عالم او اکادمسین
حضرت آیت الله العظمی محسنی (مدظله العالی) له خوا
د خاتم النبیین پوهنتون په ۱۳۸۵ کال که
تاسیس شو.



پوهنتون (ص)

د خاتم النبیین (ص) ۱۳۹۴ وری ۵
څلورم کال ۵ لسمه شمېره

پېم څښم

- د افغانستان له بانکونو سره اشنایي.
- قرآن د نزول پروخت له اقتصادي فرهنگ/کلتور سره د قرآن معامله،
- په اسلام کې د سود د تحریم/ناروا والي فلسفه،
- په اسلام او مسیحیت کې د سود د تحریم تطبیقي ارزونه
- په اسلام کې د سود ناروا والی
- سود په قرآن کریم کې
- د سود د حرمت استثنایي حالتونه/خایونه
- په کرنه او د افغانستان پر اقتصاد یې اغېز
- په افغانستان کې د صنعت د تاریخچې ارزونه